

گزارش میخائیل گارباچف به پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی



پیرامون نوسازی
وسیاست حزب در مورد کادرها

گزارش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی

پیرامون نوسازی وسیاست حزب در مورد کادرها

به انضمام

سخنان پایانی

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷

فهرست

گزارش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی،
میخائیل گابریاچف، در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی
پیرامون نوسازی سیاست حزب در مورد کادرها ۵

۱- نوسازی، ضرورت عینی ۸

۲- تعمیق دمکراتیسم سوسیالیستی
رشد و تکامل خودگردانی خلقی ۲۷

۳- سیاست حزب در مورد کادرها در شرایط نوسازی ۴۶

سخنان پایانی دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ ۷۴

گزارش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، میخائیل گابریاچف
در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی پیرامون نوسازی سیاست حزب در
مورد کادرها به انضمام سخنان پایانی.

چاپ اول، فروردین ۱۳۶۶

انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهای: ۱۷۵ ریال

آدرس: pf.10, 1091 Wien, Austria

حق چاپ و نشر محفوظ است.

گزارش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی،

میخایل گارباجف در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ کمیته مرکزی

پیرامون نوسازی

وسیاست حزب در مورد کادرها

رفقا!

کنگره ۲۷ حزب، فراهم آوردن موجبات اجرای خط مشی استراتژیک تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور را به ما اعضای کمیته مرکزی محسوس کرده است. دفتر سیاسی موقعیت و نقش کمیته مرکزی را در مرحله کنونی حیات جامعه شوروی، بدین گونه می‌فهمد.

بنا بر این، مسأله نوسازی وسیاست حزب در مورد کادرها که برای تحقیق موفقیت آمیز استراتژی سیاسی مصوب پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی و کنگره ۲۷ حزب از اهمیت درجه اول برخوردار است، در این پلنوم به بحث گذاشته می‌شود. ما موظفیم این مسأله را در گستره وسیع اجتماعی - سیاسی و با در نظر داشت درسهای گذشته، خصلت لحظه کنونی و وظایف آینده مورد بررسی قرار دهیم.

پلنوم آوریل کمیته مرکزی و کنگره ۲۷ حزب بر تحلیل عینی و نقادانه وضعیت شکل گرفته در جامعه راه‌گشودند و تصمیماتی تاریخی به لحاظ مقدرات کشور اتخاذ کردند. ما نوسازی را به گونه‌ای بازگشت نا پذیر آغاز نمودیم و در این راه، اولین گام‌ها را برداشتیم.

اگر بخواهیم نتیجه‌گیری سیاسی عامی ارائه دهیم، می‌توانیم با اطمینان بگوییم که: تحولات عظیمی در جامعه شوروی در حال وقوع است و روندهای مثبت

نیرو می‌گیرند.

در آستانه پلنوم، من و دیگر اعضای دفتر سیاسی و دبیران کمیته مرکزی دیدارها و گفتگوهای زیادی با اعضای کمیته مرکزی، شخصیت‌های اجتماعی کارگران، کالخوزی‌ها، روشنفکران، ویتران‌ها و جوانان داشتیم. جوهر و روح عمومی اظهارات آنها یکی بود. مشی‌نوسازی جامعه را با پیداکیدا به پیش برد و بر تلاش در تمام جهات افزود.

برای کمیته مرکزی مهم است که مشی‌سیاسی کنگره ۲۷، فعالیت عملی در راه تحقق این مشی و خودنوسازی، مورد پشتیبانی وسیع زحمتکشان و تمام خلوق شوروی قرار گرفته‌اند. رفقا، برای حزب حاکم این مهمترین مسأله است.

در عین حال شاهد آن هستیم که تغییرات در جهت بهبود، به‌کندی پیش می‌رود. ارنوسازی دشوارتر و علل مسائل انباشته شده در جامعه، عمیق‌تر از آن که قبلاً تصور می‌شد، از کار درآمده است. هرچه بیشتر در کارنوسازی تعمق می‌کنیم ابعاد و اهمیت آن روشن‌تر می‌شود و مسائل حل نشده بیشتری که از گذشته به میراث مانده‌اند، بیرون می‌زنند.

ارزیابی‌های اساسی از وضعیت جامعه و جمع‌بندی‌های دفتر سیاسی از آنها در کنگره ۲۷ و پلنوم‌های کمیته مرکزی گزارش شده‌اند. این ارزیابی‌ها و جمع‌بندی‌ها تا ما تأیید می‌گردند. اما ما امروز وقوف بیشتری داریم و از این رو ضرورت دارد با ردیگر سرچشمه‌های وضعیت پیش‌آمده را به تفصیل مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و علل آنچه را که در مرز سال‌های ۸۰ - ۷۰ رخ داده است دریابیم. برای آنکه از تکرار اشتباهات جلوگیری شود و برای آنکه تصمیمات کنگره

۲۷، که آینه خلق ما و مقدرات سوسیالیسم آن پیوند دارد، به اجرا درآید، چنین تحلیلی ضروری است، بخصوص که در جامعه و حتی در خود حزب نسبت به بغرنجی وضعیتی که کشور به آن دچار گردیده، هنوز باهم معینی باقی مانده است. ظاهراً به همین خاطر است که در رابطه با اقدامات دفتر سیاسی و دولت در راستای نوسازی، برای شماری از رفقا سوالاتی پیش می‌آید. اغلب سوال می‌کنند: آیا زیاد تند نمی‌رویم؟

باید در تمام مسائل مهم و حیاتی و از جمله این مسأله، همه چیز برای ما روشن باشد. تنها وقوف کامل به اوضاع، یافتن راه‌حل‌های صحیح مسائل غامض را ممکن می‌سازد.

رفقا، بهر حال ضرورت می‌رود که مجدداً به تحلیل آن مسائلی بازگردیم که حزب و جامعه شوروی در سال‌های قبل از پلنوم آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با آن مواجه شده‌اند. ما برآنیم تا این تحلیل را عمیق‌تر بخشیم، علل روند‌های منفی را درک کنیم و تدابیری بیاندیشیم که حرکت ما را تسریع کند، از اشتباهات مصون بدارد و امکان دهد به پیش و تنها به پیش برویم. تجربه یک سال و نیم اخیر با اثبات توانایی ارگانیک و خوددوی‌گره سوسیالیسم در تکامل پیوسته خود، عزم ما را در تحلیل فوق‌راسخ‌تر کرده است. دفتر سیاسی اعتقاد دارد که پلنوم حاضر نیز باید بر زمینه چنین برخوردی برگزار گردد.

نوسازی، ضرورت عینی

رفقا! پلنوم ما در سال بزرگداشت هفتادمین سالگرد اکثرکبیر بزرگزار می‌شود. قریب هفت دهه پیش، حزب لنین درفش ظفر نمون انقلاب سوسیا لیستی، مبارزه در راه سوسیا لیسم، آزادی و برابری، عدالت اجتماعی و پیشرفتات اجتماعی را بر علیه استثماریسم، فقر و محرومیت از حقوق ملی بر فراز کشور به اهتزاز درآورد.

برای اولین بار در تاریخ جهان، انسان کار و منافع و نیازهای او در مرکز سیاست یک دولت قرار گرفت. در جریان ساختن سوسیا لیسم، اتحاد شوروی به موفقیت‌هایی به راستی تاریخی در رشد و تکامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی نایل آمد. تحت رهبری حزب، خلق شوروی سوسیا لیسم را بنا کرد، بر فاشیسم در جنگ کبیر میهنی فاتح آمد، اقتصاد ملی را تحکیم بخشید و میهن خود را به قدرتی نیرومند تبدیل کرد.

دستاوردهای ما سترگ و بی چون و چرا است و مردم شوروی به حقوق به موفقیت‌های خود می‌بالند. این دستاوردها پایه مستحکم تحقق برنامه‌های کنونی و مقاصد ما برای آینده است. اما حزب وظیفه دارد زندگی را در تمامیت و با همه پیچیدگی خود ببیند، هرگونه موفقیت و حتی عظیم‌ترین آنها نباید به تضادهای رشد و تکامل جامعه و اشتباهات و لغزش‌های ما را تحت الشعاع قرار دهد.

ما گفته ایم و امروز با دیدبار دیگر تکرار کنیم که: از مرحله معینی، کشور ما آهنگ حرکت خود را از دست داد، دشواری‌ها و مسائل حل نشده انباشته شدند و رکود

و دیگر پدیده‌های بیگانه با سوسیا لیسم پدیدار گشتند. تمام اینها در اقتصاد و عرصه‌های اجتماعی با زتاب یافت.

البته، رفقا، رشد و تکامل کشور متوقف نشد. دهها میلیون انسان شوروی صادقانه کار می‌کردند و بسیاری از سازمان‌های حزبی و کارهای ما فعالانه در جهت منافع خلق عمل می‌نمودند. این همه از رشد روندهای منفی جلوگیری می‌کرد، اما نمی‌توانست آنها را متوقف کند.

نیاز به تحول در اقتصاد و هم‌ینطور در سایر عرصه‌ها نیز، به گونه‌ای عینی قوام می‌یافت اما این نیاز در فعلیت سیاسی و عملی حزب و دولت پاسخ خود را پیدا نمی‌کرد.

این وضعیت بفرنج و متضاد از کجاشی می‌شد؟

دفتر سیاسی ضرور می‌دانده که در این باره با پلنوم با صراحت تمام سخن بگوید. علت اصلی وضعیت فوق در آن بوده است که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری کشور به دلایل سوبژکتیو نتوانستند ضرورت تحولات و خطرات افزایش پدیده‌های بحرانی در جامعه را به موقع و تمام و کمال ارزیابی کنند و مشی دقیق در جهت غلبه بر این پدیده‌ها و در جهت استفاده کامل ترا از امکانات نظام سوسیا لیسم تدوین نمایند.

روحیات محافظه کارانه، ماندگرایش به روگردانی از هر آنچه کسب کرده‌اند، قالب‌های همیشگی نمی‌گنجد و عدم تمایل به حل مسائل مبرم اجتماعی - اقتصادی، همه و همه فضای را ایجاد می‌کردند که بر تدوین سیاست و فعلیت عملی حزب حاکم بود.

رفقا، بابت تمام اینها، ارگانهای رهبری حزب و دولت مسئول هستند. حد درک تضادها و مسائل حیاتی و روندها و چشم‌اندازهای اجتماعی، تا اندازه زیادی به وضعیت و رشد و تکامل اندیشه تئوریک و فضای موجود در جبهه تئوریک وابسته بوده است. رهنمود لنین مبنی بر آن که ارزش تئوری در تجسم دقیق "تمامی آن تضادهایی است که در زندگی وجود دارند" غالباً نادیده گرفته می‌شد. نظریات تئوریک پیرامون سوسیا لیسم عمدتاً در سطح سالهای ۴۰-۳۰، یعنی زمانی که جامعه مملو از ملامت‌ها و بی‌انجامی‌ها و باقی مانده بود. سوسیا لیسم رشدیابنده، دیالکتیک نیروهای محرکه و تضادهای آن و وضعیت واقعی جامعه موضوع پژوهش‌های عمیق علمی تبدیل نشدند.

علل چنین وضعیتی به گذشته‌های دور برمی‌گردد و از آن شرایط تاریخی معینی ریشه می‌گیرد که در آن، در اثر دلایل شناخته شده، بحث زنده و اندیشه خلاق از تئوری رخت بر بست و ارزیابی‌ها و قضاوت‌های آمرانه به حقایق بی چون و چرا تبدیل شدند که تنها می‌توانستند مورد تفسیر قرار گیرند.

اشکال سازماندهی جامعه که در عمل شکل گرفته بود، به نوعی مطلق می‌شد. بعلاوه چنین تصوراتی در ماهیت امر با خصوصیات ماهوی سوسیالیسم یکی گرفته می‌شد و همچون اشکالی تغییرناپذیر، بصورت دگم‌ها بی درمی آمد که جایی برای تحلیل علمی و عینی باقی نمی‌گذارند. از مناسبات تولیدی سوسیالیستی سیما بی‌راکد ساخته می‌شود و تا شیر متقابل دیالکتیکی این مناسبات با نیروهای مولده، بهای لازم داده نمی‌شد. ساختار اجتماعی جامعه به گونه‌های بی روح و بیری از تضاد دودینا میسم منافع گوناگون اقشار و گروه‌های مختلف تصویر می‌گردید.

احکام لنینی در باره سوسیالیسم ساده‌انگارانه تفسیر می‌شدند و عمیق‌تر اهمیت شان غالباً سلب می‌گردید. این امر در رابطه با مسائل کلیدی نیز صادق داشت که از آن جمله اند: مالکیت اجتماعی، مناسبات طبقاتی و روابط میان ملت‌ها، حد کار و حد مصرف، تعاون، شیوه‌های اداره امور اقتصاد، حاکمیت خلق و خودگردانی، مبارزه با پیرایه‌های بوروکراتیک، ماهیت انقلابی و دگرگون‌ساز ایدئولوژی سوسیالیسم، اصول آموزش و پرورش و ضمانت‌های رشد و تکامل سالم حزب و جامعه.

تصورات سطحی پیرامون کمونیسم، غیب‌گویی‌های گوناگون و افکار تجریدی رواج معینی پیدا کرده بود. این امر به نوبه خود نقش تاریخی سوسیالیسم را کاهش داده و نفوذ ایدئولوژی سوسیالیسم را تضعیف می‌کرد.

چنین برخوردی نسبت به تئوری نمی‌توانست بر علوم اجتماعی و نقش آن در جامعه تا شیر منفی نگذارد. و واقعاً هم چنین تا شیری برجای گذاشت. رفقاً، واقعیت آن است که خیلی وقتها حتی هرگونه تئوری بافی اسکولاستیک که به مسائل حیاتی و منافع کسی هم ارتباط نداشت، تشویق می‌شد، اما تلاش برای تحلیل سازنده و طرح ایده‌های جدید مورد پشتیبانی قرار نمی‌گرفت.

اوضاع جبهه تئوریک بر حل مسائل عملی تا شیر منفی می‌گذاشت. در طول دهه‌ها سال شیوه‌های کهنه در پیرامون تیک اداره امور اقتصاد و مدیریت حفظ می‌گردید.

و برعکس، برخی اشکال شمر بخش اقتصاد بی دلیل نفی می‌شد. همزمان در تولید و توزیع مناسباتی رواج می‌یافت که با بلوغ واقعی جامعه تناسب نداشت و در مواردی با سرشت آن در تضاد قرار می‌گرفت. تولید و انگیزش کار، اساساً متوجه رشد کمی و اکستنسوی بود.

روی مالکیت اجتماعی با یدبه ویژه تا مل کنیم. کنترل بر آن که چه کسی و چگونه از مالکیت سوسیالیستی بهره می‌گیرد، جدا تضعیف شد. "خوره" نفع طلبی‌های اداری و محلی با مالکیت را می‌خورد و به چیزی گویا "بی‌ماحت"، رایگان و فاسد مالک حقیقی تبدیل می‌شد و در بسیاری موارد به خدمت کسب درآمدهای غیرکاری درمی‌آمد.

مالکیت تعاونی چیزی "در حد دو" و بدون آینده تصویر می‌شد و برخاسته از نادرستی با آن در عمل می‌آمد. این امر بی‌آمدهای جدی در سیاست کشاورزی و اجتماعی بدننا داشت، یعنی باعث برخورد آمرانه با کالکوزها گردیده و از زمین رفتن تعاونی‌های حرفه‌ای آنها می‌دید. دید نسبت به اقتصاد کمی شخصی و فعالیت کاری نافرادی هم‌خالی ز کمراهی نبود و این امر هم‌ضایعات اقتصادی و اجتماعی بزرگی به بار آورد.

در برنا مریزی نیز تا هنجاری‌هایی جدی بوجود آمد. برخورد هنجاری ذهن کرایانه، عدم توازن و ثبات و میل به دربر گرفتن همه چیز حتی خرده ریزها و فور تصمیمات رشتدای و منطقه‌ای علاوه بر برنا مه که غالباً بدون احتیاطات امکان‌نا واقعی انجام می‌شد، همه و همه به توریته برنا مه به مثابه ابزار اصلی سیاست اقتصاد می‌زد. برنا مه‌ها اغلب بدلحاظ با به مستدل علمی دچار نارسائی بودند و شکل دادن تناسب‌های شمر بخش در اقتصاد ملی، توجه لازم به رشد و تکامل عرصه اجتماعی و انجام بسیاری از وظایف استراتژیک را هدف قرار نمی‌دادند.

در نتیجه، برتری‌های عظیم سیستم سوسیالیستی در اداره امور اقتصاد و در وهله اول با برنا مه بودن آن، به طور غیر شمر بخش مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این شرایط، بی مسئولیتی گسترش پیدا کرد و مقرارت و دستورالعمل‌های گوناگون بوروکراتیک ایجاد شد. برخورد اداری، تظا هر به کار و کاغذی، جای کار زنده را گرفت.

سواً نظر نسبت به نقش مناسبات کالایی و عمل قانون ارزش و بسیاری

اوقات هم‌رودر و قرارداد آن‌ها به مثابه چیزی غیرهم‌سنخ با سوسیالیسم، به برخورد‌های اراده‌گرایانه در اقتصاد، کم‌بها دادن به خودکفائی و "برابری" در پرداخت کار منجر شود و مبناهای ذهن‌گرایانه در قیمت‌گذاری، اختلال در گردش پول و بی‌توجهی به مسأله تنظیم عرضه و تقاضا را موجب گردید.

محدودیت‌های حقوق خودکفائی گارخانجات و مجتمع‌ها عواقب به‌ویژه سختی در برداشتند. این امر به پایه‌های انگیزش مادی آسیب می‌زد، دستیابی به نتایج‌نهایی عالی را مانع می‌شد و به تنزل تحرک‌کاری و اجتماعی افراد و کاهش انضباط و نظم منجر می‌گردید.

در ماهیت امر، سیستم‌کامل تضعیف ابزارهای اقتصادی حکومت بوجود آورد و مومکانیسم خاصی شکل گرفت که رشد و تکامل اجتماعی اقتصاد را ترمز می‌کرد و تحولات متری را که کشف و بهره‌گیری از برتری‌های سوسیالیسم را می‌ساخته مانع می‌شد. ریشه‌های این امر در نارسائی‌های جدی عملکرد آنها می‌دوگراسی سوسیالیستی، در جهت‌گیری‌های سیاسی و تئوریک منسوخ‌وگا هسی نامتناسب با واقعیت‌ها و در مومکانیسم محافظه‌کارانه داره‌مور بود.

رفقا، این‌ها تمام در رشد و تکامل بسیاری از شئون حیات جامعه تا شرف منفی به جای گذارد، تولید مادی را در نظر بگیریم. آهنگ اضافه‌رشد در آمدلی ظرف سه برنا مه پنجاه اخیر بیش از دو برابر کاهش یافت. از آغاز سال‌های هفتاد، برنا مه در اکثر شاخص‌های خود اجرا نشد. اقتصاد در مجموع آن‌چنان شد که نسبت به پدیده‌های نوحسایت کمی داشت و غیرمتحول بود. کیفیت بخش قابل توجهی از محصولات از پاشگویی به نیازهای روز با زمانند و عدم توازن در تولید تشدید شد.

به رشد و تکامل ماشین‌سازی کم‌توجهی می‌شد. کار تحقیقات علمی و طراحی تجربی، از نیازهای اقتصاد ملی عقب مانده بود و با وظایف مربوط به بازسازی فنی آن تناسب نداشت. خرید تجهیزات و بسیاری کالاهای دیگر از بازار سرمایه‌داری، بیش از اندازه و در بسیاری موارد ناموجه بود.

روندهای منفی دامنه‌های اجتماعی را نیز گرفت. ارزیابی اوضاع در این عرصه درکنگره ۲۲ ارائه شده است. سمت‌گیری اجتماعی اقتصاد در برنا مه‌های پنجاه اخیر آشکارا ضعیف بوده و مسائل اجتماعی به‌گونه‌ای نادیده گرفته می‌شدند. عواقب این امر را ما امروز می‌بینیم. در عین حال

موفقیت آمیز مسأله اشتغال‌آهالی و تامین ضمانت‌های اساسی اجتماعی، مسأله نتوانستیم در امر بهبود وضعیت مسکن، تامین خواربار، سازماندهی ترانسپورت، خدمات پزشکی، آموزش و در حل شماری دیگر از معضلات حاد، امکان‌ات سوسیالیسم را متحقق کنیم.

در مهمترین اصل سوسیالیسم، یعنی در اصل توزیع بر حسب کار، اختلالاتی نمودار گردید. با درآمدهای غیرکاری قاطعانه مبارزه نمی‌شد. سیاست انگیزش مادی و معنوی بهره‌دهی بالای کارنا پیگیری بود. مبالغه‌گفتی صرف جوازینا حق و انواع کونا کون پاداش‌های اضافی می‌شد و به خاطر سود، در ارقام گزارش کار دستکاری به عمل می‌آمد. روحیات طفیلی‌گری رشد کرد و روانشناسی "برابری" در دهان ریشه دوانید. این امر به کارکنان زحمتکشی کسه می‌توانستند و می‌خواستند بهتر کار کنند آسب زدودر همان حال زندگی کسانی را که دوست داشتند باطلت کار کنند، آسان کرد.

نقض بیوندارکانیک میان حدکار و حد مصرف نه تنها بر خورد مردم نسبت به کار را دچار اعوجاج می‌کند و رشد بهره‌دهی کار را مانع می‌شود، بلکه به تحریف اصل عدالت سوسیالیستی نیز منجر می‌شود و این دیگر مسأله‌ای است حائز اهمیت بالای سیاسی.

عنا صرنگار گرفتگی اجتماعی که در سال‌های اخیر بوجود آمدند بر روحیه معنوی جامعه تا شرف منفی گذاردند و ارزش‌های والای اخلاقی را که همیشه خصیصه خلق ما و موجب افتخار ما بوده است یعنی اعتقاد ایدئولوژیک، شوق کار و میهن پرستی شوروی را به‌گونه‌ای نامحسوس فرسودند.

پی‌آمدهای گریزنا پذیر این امر عبارتند از تنزل علاقه به امور اجتماعی، مطا هرا بتدال و بی‌باوری و افت انگیزه‌های اخلاقی کار. در میان مردم و از جمله جوانان، لایه‌ای رشد کرد که هدفشان در زندگی در آن خلاصه می‌شد که به هر وسیله به سودورفا و آسایش مادی دست یابند. موضع بی‌شرمانه آنان اشکال هر چه مسترزه‌جویانه‌تری به خود می‌گرفت، آگاهی اطرافیان را مسموم می‌کرد و موج مصرف‌زدگی را برمی‌انگیخت. رشد مشروب‌خواری، اشاعه مواد مخدر و افزایش جنایت به‌شخصیات اخلاقیات اجتماعی تبدیل شدند.

موارد بی‌عنائی به‌فانون، کلاهبرداری و ارتشاء و تشویق چالوس‌ی و محیزگویی، تا شرف‌میلکی برفضای اخلاقی در جامعه بر جای گذاردند. نمایشات

سیاسی، یعنی بخش وسیع نشان، لقب و جایزه، غالباً جای دلسوزی واقعی نسبت به مردم، شرایط زندگی و کار آنها و اوضاع و احوال اجتماعی را می گرفت، فضای عفو بخش پدید می آمد و سختگیری، انضباط و مسئولیت تنزل می یافت.

نارسانائی های جدی پرورش ایدئولوژیک - سیاسی، در بسیاری موارد با برگزاری برنامه ها و جلسات رسمی و جشن گرفتن مناسبت های بی شمار چه در مرکز و چه در دیگر نقاط، پوشانیده می شد، جهان واقعیت های روزمره و جهان سامان ظاهری، هر چه بیشتر از یک دیگر فاصله می گرفتند.

ایدئولوژی و روانشناسی رکود در وضعیت فرهنگ، ادبیات و هنر همبازتاب یافت. معیارهای ارزش گذاری آثار هنری افت کرد. این امر موجب کردید که به موازات آثار هنری که در آن مسائل جدی اجتماعی - اخلاقی طرح می شدند و تصادمات واقعی زندگی انعکاس می یافت، آثار معمولی و بی خاصیت زیادی هم منتشر شود که نه برای اندیشه و نه برای احساس چیزی در خود نداشتند. رسوم و الگوهای فرهنگ عمومی بورژوازی به درون جامعه شوروی تشدید شد، الگوهای که فرومایگی، هوس های ابتدائی و ابتذال را القاء می کردند.

در این رابطه با پیدایش کید که در دهه ۳۰ ساله های ایدئولوژیک، سردبیران مجلات هنری، رهبران اتحادیه های هنرمندان، نقادان ادبی و خود ادیبان و شخصیت های هنری، درقبال سمتگیری ایده ای - هنری روند خلق آثار درقبال سلامت اخلاقی خلق مسئول هستند.

فعالیت اتحادیه های هنری از اصولیت و سختگیری کافی و دلسوزی و مراقبت واقعی نسبت به رشد استعدادها و حمایت از آنها برخوردار نبود. مسائل دارای اهمیت درجه اول که به اوضاع و احوال عرصه فرهنگ مربوط بودند اغلب با توجه لازم از جانب رهبران اتحادیه ها روبرو نمی گردیدند. در عین حال بوروکراسی و فرمالیسم رشد می کرد و عدم تحمل نسبت به انتقاد در منتهای خود ظاهر گردید. در برخی موارد بلندپروازی های بیش از حد رازیبی ها و خود-ارزیابی های واقع بینانه چیره شدند.

دخالت بی مورد در روندهای کلاسیک و ملامت های و آنتی پاتی های سلیقه ای غالباً ناشین برخوردار حزبی به خلاقیت هنری می گردید و جای تاثیر و رهبری ایدئولوژیک را تصمیمات اداری می گرفت. این همه، وضع را وخیم تر می کرد.

رفقا! وضع خود حزب و کارهای آن هم در وضعیتی که به لحاظ اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در سال های ۸۰-۷۰ پیش آمد نقش داشت. ارگان های رهبری نتوانستند خطرات افزایش روندهای منفی در جامعه و در رفتار بخشی از کمونیستها را به موقع و به گونه ای نقادانه ارزیابی کنند و تصمیماتی را که زندگی مصرانه می طلبید، اتخاذ نمایند.

بسیاری از سازمان های اولیه حزبی ضمن برخورداری از امکانات فراوان و ضمن آن که عملاً در تمام کلکتیوهای کار عمل کرده بودند، نتوانستند در مواضع اصولی باقی بمانند. تنها بخشی از این سازمان ها با پدیده های منفی خود کاملاً، پارتی بازی و با تضعیف انضباط و اوضاع مشروب خواری قاطعانه مبارزه می کردند. بسیاری اوقات در مقابل نفع طلبی های اداری و محلی و مظاهر ناسیونالیسم ایستادگی لازم به عمل نمی آمد.

گاهی سازمان های حزبی ما به قدر کفایت از رزمندگی، سختگیری نسبت به اعضای حزب و توجه به پرورش صفات ایدئولوژیک - سیاسی کمونیست ها برخوردار نبودند. این در حالی است که همین آگاهی و اعتقاد عمیقاً ایدئولوژیک، آماده گی برای تابع کردن منافع شخصی به منافع اجتماعی و خدمت بی شائبه به خلق از ارزشمندترین صفات ممیزه بلشویک ها بوده است.

در برخی موارد، ارگان های حزبی رعایت اکید اصول و موازین لنینی زندگی حزبی را مورد توجه لازم قرار نمی دادند و این نیز به نوبه خود بر وضعیت حزب تاثیر می گذاشت. می توان گفت این تاثیر بیش از آن هم در اختلالاتی که در کار جمعی بوجود آمد، خود را نشان داد. مقصودم تضعیف نقش جلسات حزبی و ارگان های انتخابی است که امکان شرکت فعالانه کمونیست ها را در بحث پیرامون مسائل مهم و حیاتی و نهایتاً در تاثیر گذاری برفضای کلکتیوهای کار و جامعه بطور کلی، سلب می کرد.

بسیاری اوقات اصل برابری کمونیست ها نقض می شد. بسیاری از اعضای حزب که پست های رهبری را احراز کرده بودند و برای کنترل و انتقاد قرار گرفته بودند و این امر کارها را با وقفه و اخلاق حزبی را با اختلالات جدی روبرو می ساخت.

نباید درباره نزاجا به حق زحمت کشان از رفتار آن کارهای رهبری سکوت کرد که با برخورداری از اعتماد و اختیارات برای پاسداری از منافع دولت و شهروندان، خود از قدرت

سوء استفاده می نمودند، انتقاد را خفه می کردند، ثروت می نمودند و برخی از آنان حتی در اقدامات بزهکارانه شرکت کرده و یا از آن بالاتر، به سازماندهی آن تبدیل می شدند.

روندهای منفی مربوط به استحاله، کارها و نقض قانونیت سوسیالیستی در ناهنجارترین اشکال خود در ازبکستان، مالداوی، ترکمنستان، در شماری از ایالات کازاخستان، منطقه کراسنودار، یالت رستوف و نیز در مسکو و برخی دیگر از شهرها، ایالات جمهوریها و در سیستم های وزارت بازرگانی خارجی و وزارت کشور پدیدار گردید.

البته، سازمان های حزبی وکل حزب با این پدیده ها مبارزه می کردند و شماری فابل توجه از کسانی که استحال شده بودند را از صفوف حزب اخراج کردند، کسانی که در اختلاس، ارتشا و دستکاری در اسناد دست داشتند، کسانی که انضباط دولتی و حزبی را نقض می نمودند و کسانی که مشروب خواری می کردند، نیز از جمله این افراد بودند.

اکثریت قریب به اتفاق کسانی که وارد حزب می شدند، بهترین نمایندگان طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران بودند. آنها وظیفه خود را صمیمانه و بی شائبه انجام داده و می دهند، اما بهر حال باید اعتراف کرد که در این سالها نتوانستیم سد محکمی در برابر ورود افراد ناما دق، پشت هم انداز و مغرضی که نیت شان سوء استفاده از کار حزبی است ایجاد کنیم. ما تا اندازه ای از فاعده ای که اصل را بر کیفیت صفوف حزبی و نه کمیت اعضای جدید می گذارد، عقب نشستیم و این امر در عدم کارایی سازمان های حزبی با زتاب یافت.

رفقا، همه آنچه که گفته شد، گواهی آنست که اوضاع در عرصه های مختلف جامعه ما تا چه اندازه وخیم بوده است و تحولات عمیق تا چه اندازه ضروری. بعلاوه باید با ردیگر تاکید کنیم که: حزب نیرو و شجاعتی را در خود یافت تا اوضاع راهشیرانه ارزیابی کند، ضرورت تغییرات اساسی در سیاست، اقتصاد و عرصه های اجتماعی و معنوی جامعه را بپذیرد و کشور را بسوی تحولات سوق دهد.

مساله تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور و نوسازی هم در این شرایط مطرح شد. در واقع صحبت بر سر تحول و اقداماتی است با خصلت انقلابی. مقصود ما از نوسازی و روندهای دموکراتیزه کردن عمیق جامعه که با نوسازی پیوند دارد، تحولات واقعی انقلابی و همه جا نبه در جامعه است.

این تحول ریشه ای ضروری است، چرا که راه دیگری وجود ندارد، نباید عقب نشینی کنیم و جانی هم برای عقب نشینی نداریم. ما موظف هستیم خط مشی پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) و کنگره ۲۷ را پیگیرانه و بلا تحریف، جامعه عمل ببوشانیم به پیش برویم و جامعه را به سطح کیفی جدیدی از رشد و تکامل برسانیم.

همان گونه که وای. لنین می آموزد، هنگامی که به تحولات اجتماعی با بدو واقف بود که "این گذار چیست و از کجا به کجا می رود". نقد گذشته که لحظه مهمی از رشد و تکامل است، امکان می دهد درسها و جمع بندیها برای امروز و فردا بدست آوریم و به کار سازنده در جهت انتخاب صحیح وسایل و راههای پیشروی به جلو کمک می کند.

امروز ضرورت دارد با ردیگر درک خود را از نوسازی بیان کنیم. نوسازی عبارتست از غلبه قطعی بر روندهای رکود، درهم شکستن مکانیسم ترمز، ایجاد مکانیسم مطمئن و شمر بخش تسریع رشد و تکامل اقتصادی - اجتماعی جامعه شوروی. ایده اصلی در استراتژی ما، آمیختن دستاوردهای علمی - فنی با اقتصاد با برنامو و بکار گرفتن تمام ظرفیت سوسیالیسم است.

نوسازی عبارتست از ارتقا به خلاقیت زنده توده ها، رشد و تکامل همه جانبه دموکراسی و خودگردانی سوسیالیستی، تشویق نوآوری و ابتکار عمل، تحکیم انضباط و نظم، گسترش علینیت، انتقاد و انتقاد از خود در همه عرصه های زندگی جامعه و احترام رفیع نسبت به ارزش و شایستگی شخصیت.

نوسازی عبارتست از ارتقاء مستمر نقش عوامل انسانی و در رشد و تکامل اقتصاد شوروی؛ احیا و رشد و تکامل اصول سانترالیسم دموکراتیک در ادارات، امور اقتصاد ملی، کار بست سرتاسری شیوه های اقتصادی مدیریت، احترام از فرمان دادن و مرونهی، تامین انتقال تمامی حلقه های اقتصادی اصول خودکفائی کامل و اشکال نوین سازماندهی کار و تولید، تشویق با تمام توان نسوآوری و ابتکار سوسیالیستی.

نوسازی عبارتست از روی آوردن جدی به علم، شراکت جدی پراتیک با علم به منظور دست یابی به نتایج نهائی عالی، توانائی قرار دادن هر ابداع بر پایه استوار علمی، آمادگی و اشتیاق سوزان دانشمندان به پشتیبانی فعال از مضمی حزب در جهت نوسازی جامعه؛ در عین حال نوسازی عبارتست از دلسوزی و جاهده اندیشی برای رشد و تکامل علم، رشد کارهای آن و مشارکت فعال آنان

در روندهای تحول.

نوسازی عبارتست از رشد و تکامل مقدم عرصه اجتماعی، برآورده ساختن هرچه که ملترین نیازهای مردم شوروی در رابطه با شرایط خوب کار، زندگی، استراحت، آموزش و خدمات پزشکی؛ دلسوزی و چاره اندیشی مستمر برای ثروت معنوی و فرهنگ هر فرد و جامعه به طور کلی؛ توانائی تلفیق حل مسائل اساسی و بزرگ مقیاس حیات جامعه با حل مسائل جاری مبتلابه مردم.

نوسازی عبارتست از رها نیدن قاطعاً معضلات اخلاقی سوسیالیستی، پیاپی کردن پیگیرانه اصول عدالت اجتماعی؛ وحدت حرف و عمل و حقوق و تکالیف، ارج گذاری به کارها و دقیقاً کیفیت و زدودن گرایشات براساسی در پرداخت کار، غلبه بر مصرف زدگی.

هدف غایی نوسازی فکری کنم روشن است: نوکردن جدی تمامی جوانب حیات کشور، تجهیز سوسیالیسم به امروزی ترین اشکال سازماندهی اجتماعی، و آشکار کردن هرچه تمام تر خصلت بشردوستانه این نظام در تمامی وجوه اصلی، یعنی در وجوه اقتصادی، اجتماعی - سیاسی و اخلاقی.

رفقا، ما این کار را آغاز کرده ایم. نوسازی در سراسر حیطه گسترش می یابد و کیفیت جدیدی به خود می گیرد، یعنی نه تنها در عرض پیش می رود، بلکه در رگه های عمقی زندگی نیز رسوخ می کند.

نوسازی، همه نیروهای سالم جامعه را به جنب و جوش درآورده و اعتماد به نفس ایجاد کرده است. ارزیابی عینی و خودنقادانه وضع و کسب از فرمالیسم و برخورد کلیشه ای در کار، به صفت مشخصه شما هرچه بیشتری از کمیت های حزبی سازمان های اجتماعی و کلکتیوهای کار تبدیل می شود. ما پشتیبانی فعال و قاطع کارگران و دهقانان، هنرمندان و روشنفکران عرصه علم و فن و تمامی اقشار جامعه شوروی را احساس می کنیم.

فضای اخلاقی و معنوی جدیدی در کشور در حال شکل گیری است. ارزشها مجدداً ارزیابی می شوند و بار دیگر به گونه ای خلاق در کم می گردند. بحثهایی پیرامون راههای تحولات در اقتصاد دو عرصه های اجتماعی و معنوی آغاز شده است و جستجوی شیوه های جدید کار سازماندهی و ایدئولوژیک وسعت می یابد. علنیست؛ حق گویی در ارزیابی پدیده ها و رویدادها، سازشناپذیری با ناسازیها و میل به بهبود امور، بمثابه اصول فعال و کارای زندگی، هرچه بیشتر قوت می گیرند.

سخت گیری و انضباط سازمان یافتگی در تولید ارتقا می یابد، نظم بیشتر شده است. اولین گامها در نوسازی حیات معنوی برای ما از اهمیت ویژه برخوردار است، چرا که بدون تحول در شعور اجتماعی و بدون تغییر در روانشناسی تفکر و روحیات مردم، موفق نخواهیم شد رفقا.

ما بر اساس پیشرفت علمی - فنی، به دگرگون سازی زیربنای مادی - فنی و با سازی عمیق اقتصاد ملی دست زده و به تغییر سیاست ساختاری و سرمایه گذاری پرداخته ایم. برنامهای بزرگ مقیاس و ویژه ای در راستاهای اصلی پیشرفت علمی - فنی به تصویب رسیده است. برنامه پنجاه و دو ماده با احتساب این برنامها تنظیم گردیده و به اجرا در می آید.

اقدامات عظیمی در جهت تکامل مدیریت در دست اجراست. از آغاز سال جاری تمامی کارخانجات و مجتمع های صنعتی با شیوه هایی که در عمل آزموده شده بوده کار را برداشتند. شماری از رسته ها، کارخانجات و مجتمعها، کار کردن بر اساس تامین هزینه ها و خودکفایی کامل را آغاز نمودند.

شاخه هایی از اقتصاد از قبیل مجتمع های کشاورزی - صنعتی، صنایع سبک، بازرگانی و خدمات، که مستقیماً با رضای نیازهای مردم در ارتباط هستند اصولی را راهنمای عمل خود قرار داده اند که استقلال وسیع را تامین می کنند و مسئولیت را ارتقا می دهد. تحولاتی ریشه ای در ادارات مورش و سازمان سازی به وقوع می پیوندد. بمنظور تشدید مبارزه در راه کیفیت بالای فرآورده ها، در ۱۵۰۰ واحد کارخانجات اصلی، بازرسی دولتی محصولات به اجرا گذارده شده است. سیستم فعالیت اقتصادی با خارج در حال با سازی است. حقوق کارخانجات ورشته ها در روابط اقتصادی با خارج وسعت یافته است. اشکال جدید همکاری یعنی ارتباطات مستقیم کارخانجات و تاسیس مجتمع های شرکتها ی تولیدی مشترک با شرکای خارجی توسعه بیشتری پیدا می کنند.

به منظور تامین سیستم جامع مدیریت اقتصاد ملی، در شورای وزیران ا. ج. ش. س. ارگان های دائمی مدیریت رشته های هم پیوندت تشکیل شده است. پیش نویس "قانون درباره کارخانجات (مجتمعها) دولتی" تنظیم شده و اسناد مربوط به تکامل وظایف ارگان های مرکزی اقتصادی، وزارتخانه ها و ادارات در شرایط مکانیسم جدید اقتصادی و پیشنهادات پیرامون سازماندهی اشکال جدید ساختارهای بزرگ تولیدی خودکفا، برپایه مجتمعها و کارخانجات و همچنین در

را بطنه با یک سلسله مسائل مهم دیگر در دست تهیه است .

در جهت بهبود اوضاع در عرصه اجتماعی، اقدامات عظیمی صورت می‌گیرد . اصول جدید افزایش دستمزدها در شاخه‌های تولیدی تهیه و تنظیم شده و به اجرا در می‌آید . ما اکید بر آن هستیم تا از "برابری" اجتناب کرده و اصل سوسیالیستی توزیع بر حسب کمیت و کیفیت کار را پیگیرانه رعایت نمائیم . در عین حال محدودیت‌های بی‌اساس فعالیت‌های انفرادی لغو شده است و شرایط مسا عد برای رشد و تکامل این فعالیت فراهم می‌شود . بمنظور برآورده شدن هر چه کمالات نیازهای اهالی، سازمانیابی تعاونی‌ها در عرصه‌های مختلف تولید و خدمات مورد تشویق قرار می‌گیرد .

بر پایه تحلیل وضع خانه‌سازی و با توجه به وظیفه برنام‌های - تا سال ۲۰۰۰ برای هر خانواده، یک آپارتمان مستقل - ذخایری اضافی برای افزایش آهنگ احداث مسکن و بهبود کیفیت آن پیدا شده است . ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی بطور اضافی به این اهداف تخصیص می‌یابد و امکان خواهد داد تا در سال ۱۹۸۷ حجم خانه‌سازی به مقدار ۹/۱ میلیون مترمربع یعنی تقریباً معادل ۸ درصد نسبت به ارقام برنام‌ پنج ساله، افزایش یابد .

خانه‌سازی تعاونی و انفرادی وسعت پیدا می‌کند . به این منظور اعتبارات و امتیازات خاصی واگذار می‌گردد و منابع ضرورت تخصیص می‌یابد ، تدا بیری در جهت رشد شیوه‌ها با صرفه‌ها احداث مسکن از قبیل سرمایه‌موسسات اتخاذ می‌شود و اقداماتی نیز در جهت افزایش زیربنای تولیدی ساختمان‌سازی و غیره به عمل می‌آید . احداث و تجدید ساختمان‌موسسات درمانی برنام‌ریزی شده است ، توان عرضه داروهای داخلی و تجهیزات پزشکی افزایش می‌یابد ، رواج رشد و اشکال جدید خدمات پزشکی و سازماندهی علم طب سرعت می‌گیرد . در پیوند رگانیک با این مساله ، در جهت سالم‌سازی شرایط کار و معاش اهالی ، گسترش طب پیشگیری ، ریشه‌کنی مشروبات الکلی و کالکسیس و کاهش ابتلا به بیماری ، اقداماتی صورت می‌پذیرد . دستمزدها را برکنان پزشکی افزایش می‌یابد .

رفقا ، بدین ترتیب ، حتی فهرست کوتاهی از آنچه پیش بینی شده و آنچه که آغاز شده است نشان می‌دهد که امرنوسازی جاری در کشور ، از چه بعد گسترده‌ای برخوردار است ، حجم کار عظیم است ، اما غیر از این هم نمی‌تواند باشد . حزب حلق‌نادر توجه خود را نسبت به هیچ‌یک از بخش‌های نوسازی کاهش دهد . آنچه مقرر

گردیده است باید قطعاً به اجرا درآید و به طور دقیق و به موقع انجام پذیرد .

بدیهی است ، برخی تدا بیری که طرح‌ریزی و اجرا می‌کنیم فوراً با زده واقعی ندارند . اما امروز دیگر خود فضا و روحیه جدید جا معه ، برخورد به کار را تغییر می‌دهند و نتایج واقعی و عملی بسیار می‌آورند .

شاهد این مدعا ، نتایج اجرای برنام‌ سال اول پنجاه جاری است . درآمد ملی معادل ۴/۱ درصد رشد داشته است در حالی که در برنام‌ این رقم ۳/۹ درصد و متوسط سالانه آن در پنجاه له یا زدهم ۳/۶ درصد بوده است . اضافه‌رشد تولیدات صنعتی به ۴/۹ درصد بالغ شده است که ۱/۲ بیش از اضافه‌رشد متوسط سالانه در پنجاه له یا زدهم و بالاترین رقم ظرف سال اخیر است .

شما می‌دانید که برنام‌ پنجاه له دوازدهم نقش تعیین‌کننده‌ای در مدرنیزه کردن ماشین‌سازی کشور ، نوسازی دستگاه تولیدی و تسریع پیشرفت علمی - فنی به عهده دارد . وظیفه رشد مقدم مجتمع ماشین‌سازی با دشواری‌های فراوان به اجرا در می‌آید ، اما کار پیش‌رفته است . ظرف یک سال ، عرضه را بوت‌های صنعتی ۱۴ درصد ، سیستم‌های منعطف تولید خودکار ۲/۶ برابر ، قطعات تولیدی ۲/۲ برابر و مراکز تبدیلی ۱/۴ برابر افزایش یافته است . سرمایه‌گذاری برای بازسازی و تجدید تجهیزات فنی کارخانجات ماشین‌سازی به مقدار ۳۰ درصد رشد داشته است . دفترسیاسی اجرای برنام‌ ماشین‌سازی را پیوسته تحت نظارت نگاه خواهد داشت . ما امیدواریم که کارکنان بخش ماشین‌سازی از عهده وظایفی که در برابرشان قرار گرفته است برخوردار خواهند آمد .

وضع‌شماره دیگری از شاخه‌های صنعت روبه‌بهبود می‌رود . ذوب آهن و صنایع زغال سنگ و گازسال گذشته را با نمودارهای خوبی به پایان بردند ، عقب‌مانگی در استخراج نفت مرتفع می‌گردد .

افزایش بهره‌دهی کار در کل صنایع که در برنام‌ ۴/۱ درصد پیش بینی شده بود به ۴/۶ درصد بالغ گردید . ۹۶ درصد اضافه‌رشد سالانه محصولات حاصل افزایش فوق بوده است . برای اولین بار در سالن گذشته ، در قیمت تمام شده محصولات کاهش چشمگیری رخ داده است . گردش وسائل مبادی سرعت گرفته و ذخایر تجهیزات به کار گرفته نشده ، و از جمله وارداتی ، کاهش یافته است .

بهبود در رشد بخش کشاورزی مشهود است . تولید غله در سال ۱۹۸۶ نسبت به متوسط سالانه پنجاه له قبل ، نزدیک به ۳۰ میلیون تن یا ۱۲ درصد ، سیب‌زمینی

نزدیک به ۹ میلیون تن یا ۱۱ درصد، چغندر قند نزدیک به ۳ میلیون تن یا ۴ درصد، گوشت ۱/۵ میلیون تن یا ۹ درصد، شیر ۶/۵ میلیون تن یا ۷ درصد، و تخم مرغ نزدیک به ۶ میلیون رد عدد یا ۸ درصد، افزایش یافته است.

رفقا، همان طور که می بینید در تولید محصولات رشدی آغاز شده است که سال های متمادی در اکثر مهمترین شاخص ها از آن بی بهره بوده ایم. اما باید گفت که در کشت سبزی، میوه جات، گل آفتاب گردان، پنبه و نظائر آن، یا اضافه رشد اندکی حاصل شده است و یا تولید آنها در همان سطح قبلی باقی مانده است. برپه بود شاخص های اصلی مالی - اقتصادی فعالیت کالخورها و ساخوزها نیز بایده تان کید کرد. بهره دهی کاردرا قتما دکلکتیو طرف یک سال ۶/۹ درصد افزایش یافته و سودآوری رقمی معادل ۱۹ درصد را تشکیل می دهد. سود به مقدار دو میلیا رد روبل افزایش یافته است.

ضمن ذکر دگرگونی های مثبت در رشد اقتصاد، در عین حال باید گفت که در نتیجه ضایعات فراوان و هزینه های غیرتولیدی و عدم انجام تکالیف مربوط به گسترش گردش کالا، برنامها سالانه رشد درآمد ملی، که در جهت مصرف و انباشت مورد استفاده قرار گرفته بود، اجرا نشد.

اضافه رشد در مهمترین شاخصها از جمله درآمد واقعی سرانه اهالی، کسب محصول کشا و رزی، تولید و ساثل مصرف صنعتی، حجم سرما یه گذاری و به کار انداختن ذخایر اصلی، و سودا قتما دملی، اگرچه نسبت به سال گذشته به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد، اما به سرحد تکالیف برنامهای نرسید. تغییرات جدی در روند سرمایه گذاری روی نداد و تنها دو سوم طرح های موجود در برنامها دولتی به اجرا درآمد.

تحولات در عرصه اجتماعي اگرچه با دشواری های فراوان، اما به هر حال آغاز گردید. در پی تدابیری که در جهت تحکیم انضباط و مبارزه با مشروب خواری اتخاذ شد، برای اولین بار از سال های ۶۰، شما رحوادث ناگوار تقلیل پیدا کرد و اتلاف وقت کارکاهش یافت. بزه کاری عام قریب یک چهارم وجنایات سنگین معادل یک سوم پائین آمد. مبارزه علیه نقض قانونیت و نظم در همه جا حدت گرفت. حجم خانه سازی افزایش یافت و این امر امکان داد تا در مقایسه با سال ۱۹۸۵، استفادها از مسکن به مقدار ۵/۲ میلیون متر مربع فزونی یابد. کودکستان و شیرخوارگاه، مدرسه، پلی کلینیک، بیمارستان و موسسات فرهنگی و معیشتی

بیشتری ساخته شده است.

کوتاه سخن، دگرگونی های مثبت بوقوع پیوسته است. اما با رمسائلی که در این عرصه مهم انباشته شده بیش از حد سنگین است و ما هنوز در حل آنها بیش از حد بزدلانه عمل می کنیم.

همان گونه که می دانید، یافتن ذخایر برای گسترش خانه سازی واحداث ساختمان مراکز فرهنگی و خدمات معیشتی با مشکلات فراوانی همراه بوده است. اما متاسفانه خیلی ها، از امکانات فراهم آمده به طور جدی استفاده نکردند. برنامها ساختمان بسیاری از پروژهها اجرا نشده است. علت این امر تنها در بی سازمانی کارکنان بخش ساختمان سازی نبوده و به توجه نا کافی موسسات، وزارتخانه ها، شوراهای محلی و کمیته های حزبی نیز مربوط می شود.

در فروش خواربار و کالاهای صنعتی، در کار ترانسپورت و تاسیسات رفاهی شهری و موسسات بهداشتی و فرهنگی، مشکلات برجای خود باقی هستند. روی هم رفته، ما به تغییرات ریشه ای در رشد و تکامل عرصه اجتماعي نائل نیامده و تا اندازه زیادی در چنگ برخوردهای کهنه اسیر مانده ایم.

با پایان بردن شرح کاری که توسط حزب و تمام خلق در جهت تحقق تصمیمات کنکره ۱۲۷ انجام می شود می خواهم به یک نکته اشاره کنم. ما، اعضای کمیته مرکزی، اکیدا بایده از موضع واقع بینی و برخورد عینی نسبت به کارهای انجام شده حرکت کنیم و به نتایج حاصله تنها نه از زاویه گذشته، بلکه در وهله اول بر مبنای برنامها های اعلام شده ما نوموا عیدی که به مردم داده ایم بنگریم. این یگانه برخورد صحیح حزبی است.

ما باید به روشنی درک کنیم که هنوز در مرحله آغازین نوسازی هستیم. کار اصلی و از همه دشوارتر در پیش است. باید مصرا نه، قدم به قدم و بدون تزلزل به پیش رفت، کارهای انجام شده را هشیا رانه از ریایی نمود، از تصحیح اشتباهات بیم نداشت، راهها و شیوه های جدید حل مسائل پدید آمده را جستجو کرد و بایده برای پیشروی حتمی به سوی اهداف مقرر کوشید.

ناید گذاشت میان تصمیمات و کار عملی در جهت اجرای آنها گسست ایجاد شود. این درس گذشته را ما باید اکیدا فرا بگیریم. نباید به خود غمره شویم و تسلی خاطر پیدا کنیم. دوباره می گویم، چرا که هنوز هم ناچارا این پدیده روبرومی شویم. باید عمل کرد، عمل کرد و با زهم عمل کرد. فعلا نه و با شجاعت،

خلاقانه و با کاردانی.

ضرورت طرح این گونه مساله از آنجاست که هنوز در بسیاری از ارکان های اقتصادی، دولتی، شورائی و حتی حزبی، و در خود کلکتیوهای کار، خیلی ها با مطالبات زندگی همگام نشده اند. کم نیستند کسانی که از بازگشته به کنده آزادی می شوند و با اخلاص در رشد و وسیع تحرک سیاسی، اجتماعی و کاری خلق، دفع الوقت نموده و حتی آشکارا راه را سد می کنند.

همه کس پی نبرده است که کار کردن به شیوه جدید یعنی روی گردانی قاطع از عادات و شیوه های کهنه. این امر نهایتا به موضع مدنی هر فرد و به برخورد ما دقایق و به وظیفه محوله و تعهدات خویش، یعنی آنچه که همه ما نسبت به آن در برابر حزب، کشور و وجدان خود مسئول هستیم، بستگی دارد.

دیدار و گفتگوی زحمتکشان و کارگران حزبی و اقتصادی نشان می دهد که نوسازی با پشتیبانی فعال روبروست. به قول معروف، خلق برای نوسازی سینه سپر کرده است. اما یک نکته جلب توجه می کند. بسیاری، ضمن پشتیبانی از نو، فکر می کنند که این در آن بالاهاست و این کسانی دیگر هستند که با بد خود را نوسازی کنند. آنها بر آنند که ارکان های حزبی، دولتی و اقتصادی، ریشه های دیگر، موسسات همجوار آنها، و بخل دستی هایشان در کارخانه، مزرعه و کارگاههای ساختمانی، و در یک کلام - همه با بد خود را نوسازی کنند، غیر از خود آنها.

خیر رفقا، هر یک از ما ضمن مطالبه به حق نوسازی در تمام سطوح، باید نوسازی را از خود شروع کند. کار کردن به شیوه نو، یعنی بر تحرک و خلاق - و تکرار می کنم از روی وجدان - وظیفه همه ما است، یعنی وظیفه کارگران، کالخوزی ها، روشنفکران و در یک کلام همه، از کلکتیوهای کار تا کمیته مرکزی و دولت.

در امرستریگ نوسازی، ما کمونیستها قبل از هر چیز به آگاهی و سازمان یافتگی عالی، ابتکار اجتماعی و به کارهای بزرگ طبقه کارگر، این نیروی سیاسی پیشرو جامعه متکی هستیم.

طبقه کارگر و تمام مردم شوروی در عین ارج گذاری به مشی حزب در جهت نوسازی، نسبت به سیرا اجرای عملی آن ابراز نگرانی می کنند. آنها از حزب می طلبند تا در آنچه که حاصل شده است توقف ننماید، قاطعانه عمل کند، به پیش برود و مشی مزبور را بدون انحراف جامعه عمل پوشاند. رفقا، از این امر باید نتیجه های سیاسی گرفت.

حال که این نگرانی در جامعه وجود دارد، پس معلوم می شود ما می توانیم ناکافی است. یعنی در همه جا و در همه چیز با سربخشی و تعرض لازم عمل نمی کنیم یعنی در بسیاری نقاط، اقداماتی که صورت می گیرد و کاری که انجام می شود هنوز با ابعاد وحدت مسائل انباشته شده انطباق ندارد و همه چیز آن طور که زمان می طلبد به پیش نمی رود. یعنی رفقا، در کمیته مرکزی موجداتی جدی برای تفکر و جمع بندی های ضرور وجود دارد.

ما البته درک می کنیم که در هم شکستن الگوهای شکل گرفته تفکر و عمل، روندی بغرنج و دردناک است که به زمان و برخورد سنگین نیاز دارد.

کاملاً روشن است که این روند نمی تواند به طور مستقل و مجزا از تحولات در حیات سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و معنوی جریان پیدا کند.

ما باید به روشنی دریا بیم که امروزه سیستم ملی از اقدامات نیاز هست: هم تدوین احکام نظری بر پایه واقعیت های جهان معاصر و پیش بینی های علمی و کاملاً مستدل از آینده، هم تغییر آگاهی اجتماعی و رشد و تکامل پیگیر نهاد های دموکراتیک، هم پرورش فرهنگ سیاسی توده ها، هم نوسازی مکانیسم اداره امور اقتصاد و ساختارهای تشکیلاتی و هم، البته، پیشبرد سیاست اجتماعی فعال.

تنها بدین ترتیب مکانیسم تر ماز میان خواهد رفت و نیروهای تسریع میدان، غرور را پیدا خواهند کرد.

فکر می کنم پلنوم کنونی کمیته مرکزی باید به حزب و خلق بگوید که مبارزه دشواری در پیش داریم که طالب آگاهی و سازمان یافتگی عالی، شکیبایی، وحدت اعلای فداکاری از هر کمونیست و هر شهروند شوروی است.

رفقا! تحلیل وضعیتی که ما در آنستاده پلنوم آوریل کمیته مرکزی به آن دچار بود و تجربه نوسازی، عمده ترین سؤال را با حدت تمام پیش می کشند. آیا تضمینی وجود دارد که روند آغاز شده تحولات تا به آخر تداوم یابد، که اشتباهات پیشین تکرار نشوند و ما بتوانیم رشد و تکامل تمام میا را معلمان را تا میسر کنیم؟

دفتر سیاسی به این سئوالات پاسخ مثبت می دهد: آری، این تضمین وجود دارد.

این تضمین، اراده و حد و عمل مشترک حزب و مردم است که مشترکاً در تجربه

آنچه که پشت سرگذاشته ایم و در درک مسئولیت در قبال حال و آینده میهن —
سوسیالیستی سهیم هستند .

این تضمین، رشد و تکامل همه جانبه دموکراتیک نظام سوسیالیسم، شرکت واقعی و هر چه فعال تر خلق در حل تمامی مسائل حیات کشور، اعاده کمال اصول لنینی علنییت، کنترل اجتماعی، انتقاد و انتقاد از خود، صداقت درسیاستی است که بروحدت حرف و عمل استوار است .

و بالاخره این تضمین، رشد و تکامل سالم خود حزب، قابلیت آن در تحلیل نقادانه فعالیت خود، توانائی اش در نوسازی اشکال و شیوه های کار خویش و تعیین چشم انداز رشد و تکامل جامعه بر مبنای تئوری انقلابی و مبارزه برای حل مسائل جدیدی است که زندگی پیش می کشد .

همانا تعمیق دموکراتیک سوسیالیستی، خلاقیت ایجاد کننده مردم شوروی و نقش پیشاهنگ کمونیستها در امور عملی، هم موفقیت و هم بازگشت نا پذیر و تحولات انقلابی مصوب کنگره ۲۷ را تا مین خواهد کرد .



تعمیق دموکراتیک سوسیالیستی

رشد و تکامل خودگردانی خلقی

رفقا ما اکنون بهتر از هر زمان دیگری کل ژرفای اندیشه لنینی مبنی بر رابطه زنده و درونی سوسیالیسم و دموکراسی را درک می کنیم . کل تجربه تاریخی کشور ما به طرز قانع کننده ای نشان می دهد که نظام سوسیالیسم در عمل حقوق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی شهروندان و آزادی های شخصی شان را تا مین نموده ، برتری های دموکراسی شوروی را آشکار کرده و اطمینان به فردا را در هر شخص به وجود آورده است .

اما در شرایط نوسازی که وظیفه فعال نمودن عامل انسانی با چنین حدتسی قدیرا فرشته است ، ما باید با رویکردی به طرح لنینی مسأله حداکثر دموکراتیک نظام سوسیالیستی که در آن انسان خود را صاحب و خالق احساس می کند ، برگردیم . و ا . لنین می گفت : " ما باید از زندگی پیروی کنیم ، ما باید توده های خلق را از آزادی کامل خلاقیت برخوردار سازیم " .

آری ، دموکراسی که جوهر آن را حاکمیت انسان کا ر تشکیل می دهد ، شکل تحقق حقوق گسترده سیاسی و مدنی انسان کا روزی نفع بودنش در تحولات و شرکت عملی در انجام آن هاست .

در آگاهی اجتماعی این اندیشه ساده و روشن هر چه بیشتر مورد تایید قرار می گیرد که تنها کسی می تواند نظم را در خانه برقرار کند که خود را صاحب آن بداند . این حقیقت نه تنها در مفهوم معیشتی که در مفهوم اجتماعی - سیاسی نیز صادق است . ضروری است که این حقیقت به طور بی وقفه در عمل تحقق یابد . تاکید می کنم ، در عمل . در غیر این صورت ، عامل انسانی بی اثر خواهد بود .

پیشروی ما در تولید، علم و فن، ادبیات، فرهنگ و هنر و در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی تنها از طریق رشد و تکامل پیگیر اشکال دمکراتیک مختص سوسیالیسم و گسترش خودگردانی امکان پذیر است.

انضباط آگاهانه تنها از این طریق ناممکن می‌شود. خودنوسازی تنها از طریق دمکراسی و تنها در پرتو دمکراسی امکان پذیر است. تنها بدین طریق می‌توان توانمندترین نیروی ایجادگر سوسیالیسم یعنی، کارآزادان و اندیشه آزاد در کشور آزاد را به حوالان درآورد.

از اینجاست که دمکراتیزاسیون هر چه بیشتر جا معه شوروی به وظیفه درنگ‌ناپذیر حزب تبدیل می‌گردد. ماهیت خط مشی پلنوم آوریل و کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر تعمیق خودگردانی سوسیالیستی خلق، درست در همین امر نهفته است. مسلم است که سخن بر سر نوعی درهم شکستن سیستم سیاسی ما نیست. ما باید با حداکثر کارایی از تمام امکانات این سیستم استفاده کنیم، کار حزب، شوراها، ارگان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و کلکتیوهای کار را از مضمون عمیق دمکراتیک سرشار سازیم و به تمام سلول‌های ارگان‌های اجتماعی روحی تازه بدمیم.

اکنون این روند در کشور جاری است. زندگی سازمان‌های حزبی پرما به‌تر می‌شود. انتقاد و انتقاد از خود بی‌سبب می‌یابد. وسایل ارتباط جمعی کاری پر-تحریک‌تر آغاز کرده‌اند. مردم شوروی تا شیرمسایه عدل‌نیت را که به یکی از موازین حیات جا معه مان تبدیل می‌شود، به خوبی احساس می‌کنند.

کنگره‌های اتحادیه‌های هنرمندان در فضای سرشار از اصولیت و برخورد نقادانه برگزار گردید. سازمان‌های اجتماعی نوینی ایجاد می‌شوند. سازمان سراسری ویترا نه‌های جنگ و کارتا سیس خود را اعلام کرده است. صندوق فرهنگ شوروی تشکیل شده است. کارهای مربوطه به ایجاد دشواری‌های زنان به پیش می‌آید. تمام اینها حاکی از شرکت فزاینده زحمتکشان در امور اجتماعی و اداره کشور است.

اما دفتر سیاسی چه راه‌هایی را برای تعمیق آتی دمکراتیسم جا معه شوروی در نظر دارد؟

ما در صورتی می‌توانیم ابتکار و خلاقیت مردم را واقعاً ارتقا دهیم که نهادهای دمکراتیک ما چه در مورد برنامهریزی، سازماندهی کار، توزیع نعمات

مادی و دیگر نعمات، وجه در مورد گزینش و ارتقا با تئوریت‌ترین و کاردان‌ترین افراد به پست‌های رهبری، فعالانه و به‌طور واقعی بر اوضاع مورد هر کلکتیو کارتا شیربگذارند. با اطمینان می‌توان گفت که هر چه هر فرد شوروی این تغییرات را سریع‌تر با تجربه شخصی خود احساس کند، موضع او به‌مثابه یک شهروند و شرکتش در تمام امور اجتماعی و دولتی فعال تر خواهد شد.

رشد و تکامل دمکراسی در تولید و کار بست پیگیرانه اصول خودگردانی واقعی در کار کلکتیوهای کار را از اهمیت درجه اول برخوردار است. اقتصاد عرصه تعیین‌کننده حیات جا معه است. روزانه دهها میلیون نفر در این عرصه مشغول کارند. به همین علت رشد و تکامل دمکراسی در تولید، مهمترین راستای تعمیق و گسترش دمکراسی سوسیالیستی به‌طور کل می‌باشد. این همان اهرمی است که به نامین شرکت وسیع و فعالانه زحمتکشان در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی کمک خواهد کرد و امکان خواهد داد از بسیاری اشتباهات و خطاها احتراز شود.

مهمترین وظیفه عملی ما ایجاد چنان شرایط و کاربست چنان اشکالی از سازماندهی تولید است که به هر زحمتکش امکان دهد خود را صاحب واقعی موسسه‌اش بداند. این هم موقعیتی است بسیار مهم و خطیر که تنها متضمن حقوقی گسترده برای اداره واقعی امور است بلکه مسئولیت سنگینی را نیز در قبال آنچه که در کلکتیو کار رخ می‌دهد، طلب می‌کند.

در جریان ساختن سوسیالیسم شرکت زحمتکشان در اداره تولید اشکال متنوعی به خود گرفته است. حیات کلکتیوهای کار بدون سازمان‌های حزبی، سندیکایی، کامسامل، و دیگر سازمان‌های اجتماعی غیر قابل تصور است. در دوره اخیر نقش جلسات کارگری و قراردادهای دسته‌جمعی افزایش می‌یابد، اشکال جدیدی از قبیل شوراها و کارگاه‌ها و کارگاه‌ها پدید آمده و شرایط بسوای برداشتن گام‌های آتی در این راه نیز فراهم آمده است.

خودزندگی ضرورت تدوین سند حقوقی بنیادینی چون قانون کارخانجات دولتی که پیش‌نویس آن در میان شما توزیع شده است را در دستور کار قرار داده است. این قانون عهده‌دار آن است که شرایط و شیوه‌های مدیریت را در حلقه اساسی اقتصاد بطور ریشه‌ای تغییر دهد، تلفیق اصول برنامه‌های خودکفایی کامل، استقلال و مسئولیت را در فعالیت موسسات تحکیم کند و به اشکال نوین خودگردانی که از آینده خلاقیت توده‌هاست، قانونیت بخشد.

این قانون متضمن تحقق یکی از رهنمودهای مهم کنفرانس حزب، یعنی همان خط مشی مبتنی بر استفاده موثر از دمکراسی بلاواسطه است. مطابق پیش نویس، اختیار حل مسائل مربوط به مورتولیدی، اجتماعی و کارها به مجمع عمومی و شورای کلکتیوهای کارواگذار شده است و این امر در گذار به آنچه که لنین "خودگردانی خلقی واقعی" می نامید، اقدام سیاسی عظیمی خواهد بود.

به عقیده ما، تحقق پیگیری قانون کارخانجات دولتی در تعلق قبلاً مجموعه اقداماتی که اکنون در عرصه اقتصادی صورت می پذیرد در مجموع موقعیت نوینی در اقتصاد ملی ایجاد کرده، به شتاب دهنده رشد و تکامل اقتصاد تبدیل خواهد شد و به تکامل کیفی بسیاری از جهات حیات اجتماعی منجر خواهد گردید. دفتر سیاسی با احتساب اهمیت فراوان این قانون پیشنهاد می کند پیش نویس آن به بحث عمومی گذاشته شود. تصور می کنم اعضای کمیته مرکزی از این پیشنهاد حمایت خواهند کرد.

کالخورها و در مجموع، تعانیهای سوسیالیستی ما امکانات وسیعی برای دمکراتیزاسیون اقتصاد و عرصه اجتماعی در اختیار دارند که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است. نوسازی سیستم مدیریت در مجتمع های کشت و صنعت و همچنین تصمیم در مورد گسترش تعاونی در دیگر رشته های اقتصاد ملی، زمینه های خوبی برای استفاده از این امکانات فراهم می آورند. در این رابطه به نظر ما خوب است کنفرانس نوینی کالخورچیان برگزار گردد و مسائل مبرم زندگی کالخورها را مورد بحث قرار داده و تغییرات ضروری در اساسنامه نمونه کالخورها وارد نماید. دفتر سیاسی از گامهای عملی که در بسیاری از جمهوریها، نواحی و مناطق در رابطه با گسترش دیگر اشکال تعاونی برداشته شده است، فعلاً حمایت می کند. این امر رضای کامل ترنیا زهای فزاینده اهالی به بسیاری از کالها و خدمات را امکان پذیر خواهد ساخت و همچنین زمینه های باز هم بیشتری برای بسط و تکامل دمکراتیسم در عرصه اقتصاد و برای تحقق بهتر قابلیت های انسان فراهم خواهد آورد.

رفقا، با دیده تزلزلاتی که در گذشته در رابطه با جنبش تعاونی وجود داشته و امروز نیز هنوز مشاهده می شود قاطعانه غلبه کرد. تعاونی نه تنها امکانات خود را به پایان نبرده بلکه هنوز از چشم اندازهای گسترده ای برخوردار است. چرا من به این مسئله برمی گردم و روی آن تاکید می کنم؟ بخاطر آنکه پس از

کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی هم علیه تمصیبات کمیته مرکزی و دولت پیرامون رشد تعاونی در عرصه های تدارکات مادی - فنی، خدمات معیشتی غذا خوری های عمومی، تاسیسات رفاهی شهری، صنایع محلی و ساختمان سازی، کارها آنطور که باید، جریان نیافته است. در این راه به نحای مختلف اشکال تراشی می شود. پایبندی به شیوه های اداری و بوروکراتیک مدیریت هنوز نیرومند است. و بالاخره از اشکال مدیریت اقتصاد که از ضرورتی حیاتی برخوردارند ابتکار زحمتکشان را تحرک می بخشد، و فعالیت اجتماعی آنان را ارتقا می دهند؛ اما در عین حال در تصورات سنتاً شکل گرفته دست اندرکاران نمی گنجد، اکیداً امتناع می شود.

آنطور که پیداست، درک این مسئله که دمکراتیسم تنها یک شعار نبوده بلکه ماهیت نوسازی است برای برخی از رفقا دشوار است. باید نگرش ها و عادات را عوض کرد تا از مسیر زندگی برکنار نماند. این توصیه موکد ما به کسانی است که مردد هستند و تعلل می کنند.

بخصوص باید مساله انتخاباتی بودن روسای کارخانجات موسسات تولیدی، کارگاهها، واحدها، بخشها، بنگاهها و نیز انتخاباتی بودن استادکاران و سرپرستان بریگانها را مورد توجه ویژه قرار داد. مرحله کنونی نوسازی و گذار به شیوه های نوین مدیریت اقتصاد، خودکفایی، خودتکایی مالی و تامین هزینه ها، این مساله را به حیطه عمل می کشاند. چنین تدبیری مهم و ضروری است و بدون شک با تأیید زحمتکشان روبرو خواهد گشت.

ما وسیعاً انتقال موسسات به خودکفایی کامل، خودتکایی مالی و تامین هزینه ها را آغاز کرده ایم و با زرسی دولتی را ایجاد نموده ایم. این به آن معناست که درآمدهای موسسه، تمام اشکال تشویق اعضای کلکتیو کاروابعاً دبر آورده شدن نیازهای اجتماعی، کاملاً به نتایج نهایی کار، کمیته و کیفیت فراورده های تولیدی و خدمات ارائه شده بستگی خواهد داشت.

در چنین شرایطی کارگران و کالخورچیان به هیچ وجه نسبت به آن که چه کسی در رأس موسسه، کارگاه، بخش و بریگانها قرار داشته باشد بی تفاوت نیستند. اگر موفقیت کلکتیو به توانایی های روسا بستگی دارد، پس زحمتکشان هم بایستی امکاناتی واقعی داشته باشند تا بر انتخاب آنها تأثیر بگذارند و فعالیتشان را کنترل کنند.

تجربه معینی در رابطه با انتخاب آشکار و علنی رهبران پشت سر گذاشته شده است. به طور نمونه در ناحیه کراسنودار از ابتدای سال ۱۹۸۳، ارتقا بیش از ۸ هزار و پانصد زکادری رهبری با احتساب نظر کلکتیوها و سازمان های اولیه حزبی صورت گرفته است. در عین حال بیش از ۲۵۰ نامزد مورد حمایت زحمتکشان قرار نگرفته و از رده خارج شده اند. در نقاط دیگر نیز چنین تجربه ای وجود دارد. این تجربه به خوبی مورد پذیرش مردم قرار می گیرد و تا شير مثبتی بر نتایج کاری گذارد. رفقا، کلا زهرزا و بیه ای به این امر مهم برخورد کنیم، نتیجه حاصل یکی است و آن این که تغییر و دمکراتیزاسیون روند پرورش کارهای رهبری موسسات بر اساس کار بست اصول انتخاباتی در تمامی سطوح، ضروری شده است. همان طور که می دانید، این امر بمعنای موقعیت کیفیتا نوین و خصلت اصولا متفلسفان شرکت زحمتکشان در اداره تولید و افزایش اساسی نقش و مسئولیت کلکتیو در قبال نتایج فعالیت خود می باشد.

تمام اینها را بایستی در جریان حل عملی مساله مزبور در نظر گرفت. اما در اینجا فکری را می خواهم مطرح کنم و آن هم پیرامون مساله ریاست واحد است. ما بر آنیم که انتخاباتی بودن نه تنها به تئوریته رهبری که از حمایت است انتخاب کنندگان خود برخوردار است آسیب نمی زند، بلکه آن را بالاینز می برد و مسئولیت در قبال امور و سختگیری و مسئولیت طلبی متقابل در کلکتیو را افزایش می دهد.

نقش سازمان های حزبی و اجتماعی و ارگانهای مدیریت اقتصاد می باید به شیوه ای جدید درک شود. برای پرورش درک صحیح تمامی کارهایمان از آن که گسترش دمکراسی در تولید متضمن تلفیق ارگانیک ریاست واحد و کار جمعی و تعمیق ساختار ایسم دمکراتیک و رشد و تکامل خودگردانی است کارهای فراوانی در پیش داریم.

دفتر سیاسی تکامل سیستم انتخاباتی شوروی را راستای اصولی دمکراتیزاسیون حیات جامعه می داند. پیرو مسئولیت محوله از سوی کنگره ۲۷، طرح های لازم در این رابطه در دست تهیه است.

اما چه چیزی در این زمینه قابل ذکر است؟ مکانیسم موجود نظام انتخاباتی، نمایندگی تمام اقشار اهالی را در ارگانهای انتخابی حکومتی تا مین می کند. در شوراهای کنونی، طبقه کارگر، دهقانان کالخوزی، روشنفکران، زنان و مردان،

و بترانها و جوانان و تمام ملل و اقوام کشور در تمامی سطوح نمایندگی می شوند. ارگانهای انتخابی با زتاب دهنده ساختار اجتماعی - حرفه ای و ملی جامعه شوروی و تنوع منافع تمامی اهالی هستند و این به خودی خود دستاورد عظیمی دمکراسی سوسیالیستی است.

اما نظام انتخاباتی نیز همانند تمام نهادها سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمی تواند در حالتی را که قرار داشته و از نو سازی و از روندهای نوین روبه رشد در جامعه برکنار بماند.

ما هیت پیشنهادات و درخواستهای زحمتکشان که در رابطه با این مسئله به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر ارگانهای مرکزی و رسانه های خبری می رسند چیست؟

به لحاظ سیاسی، مساله تعمیق دمکراتیسم نظام انتخاباتی، شرکت موثرتر و واقعی تر انتخاب کنندگان در تمام مراحل کارزار ما قبل انتخاباتی و انتخاباتی مطرح است.

به لحاظ مشخص، اکثریت پیشنهادات در آن خلاصه می شود که در جلسات انتخابات کنندگان در کلکتیوهای کار و محل زندگی و همچنین در جلسات ما قبل انتخاباتی علی الامول نامزدی چند نفر به بحث گذاشته شود و انتخابات در حوزه های انتخاباتی وسیع تری برگزار گردد و از هر یک از این حوزه ها چند نماینده انتخاب شوند. رفقا برای عقیده اند که این امر به هر شهروند امکان خواهد داد تا نظرش را نسبت به جمع وسیعتری از نامزدها ابراز دارد و متقابلا به ارگانهای حزبی و شورایی نیز فرصت خواهد داد که بر روحیات و آرا ده مردم بهتر آگاهی یابند.

باید در این درخواستها، بایستی به سازماندهی خود انتخابات و به پراتیک معرفی نامزدهای نمایندگی و بحث حول آنان به شیوه ای جدید نگریست. باید تشریفات رای گیری را از فرمالیسم تهی ساخت و در فکرتان بود تا امسال کارزار انتخاباتی در فضای دمکراتیسم وسیع تر و همراه با شرکت علاقه مندان مردم در این روند برگزار گردد.

در مورد لایحه قانونی اصلاح نظام انتخاباتی هم باید گفت که خوب است پیش نویس آن قبلا منتشر شده و به بحث عمومی گذاشته شود.

دهد تا بطور دقیق ترمیزان اتوریتته‌شان تعیین شود.

مسلم است که آن اصل اساسنامه‌های حزب که تصمیمات ارگان‌های مافوق ومن جمله تصمیمات آن‌ها در مورد کارها را برای کمیته‌های پایینی لازم الاجرا می‌شناسد، بدون تغییر باقی می‌ماند.

به عقیده دفتر سیاسی، دمکراتیزاسیون بیشتر باید شکل کیسری ارگان‌های مرکزی رهبری را نیز دربرگیرد. تصویری کسب‌کننده کاملاً منطقی خواهد بود که انتخابات ارگان‌های رهبری دیگر سازمان‌های اجتماعی نیز دمکراتیزه شود.

رفقا، فکری کنیم قبول دارید که تمام این تدابیر شالوده‌های سانترالسم دمکراتیک را در حیات حزب مان استحکام می‌بخشد و به تحکیم وحدت و انسجام صفوف حزبی و افزایش انضباط، مسئولیت و تحرک تک‌تک کمونیستها، تمام سازمان‌های حزبی و حزب بطور کلی مساعدت خواهد کرد.

امکان دارد سوالاتی پیش بیاید: آیا بدین صورت، تشریفات شکل‌گیری ارگان‌های انتخابی حزب را بفرج نمی‌کنیم این کار تا چه اندازه موجه است و تا چه اندازه به رتق و فتق امور کمک می‌کنند؟

ما از بلنوم آوریل کمیته مرکزی بدین سوهمواره تا کیدمی کنیم که مشکلات انباشته شده در جامعه به میزان زیادی به نارسایی‌های فعالیت خود حزب و سیاست آن نسبت به کارها مربوط است. دفتر سیاسی معتقد است که دمکراتیزاسیون بیشتر روند شکل‌گیری ارگان‌های انتخابی یکی از شرایط مهم ارتقای فعالیت زنده حزب، جاری شدن نیروهای تازه نفس و کار فعال سازمان‌ها حزبی است و ما را از تکرار اشتباهات گذشته مضمون می‌دارد.

انتخابات در حزب عملی تشریفات نیست و ما باید به مرتداری آن سنجیده، با روح احساس مسئولیت و برخاسته از منافع حزب و جامعه برخورد نماییم.

دمکراتیزاسیون جامعه مساله کنترل چگونگی کار ارگان‌های حزبی، شورایی و اقتصادی و کارهایشان را نیز به شیوه جدیدی در برابر ما قرار می‌دهد. همانگونه که می‌دانید در عرصه کنترل "ازبالا" در دوره اخیر تغییرات قابل توجهی بوجود آمده است. "مناطق ممنوعه" کذایی برای انتقاد و کنترل به گذشته می‌پیوندند. در جلسات دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی بطور

تحقق این پیشنهادات اولین گام مهم در راه دمکراتیزاسیون بیشتر روند شکل‌گیری و عملکرد ارگان‌های حکومتی خواهد بود. اما واضح است که باید به تحولاتی ژرف تر اندیشید و در فکر کارهای بعدی در این راستا بود. با در نظر داشت تجربه اندوخته شده و وظایف جدید باید با دیدگر آثرلنین را پیرامون مسائل ساختمان حکومتی شوروی به دقیق‌ترین وجه مورد غور و بررسی قرار داد. و در حل وظایفی که امروز در برابر جامعه قد علم کرده است، از این میراث استفاده نمود.

کاملاً طبیعی است که مسائل مربوط به گسترش دمکراسی درون حزبی را نیز باید در بستر عمومی دمکراتیزاسیون بیشتر جامعه شوروی مورد بررسی قرار داد. همانگونه که اطلاع دارید، در کنگره ۲۷ به موازات تغییرات و متمم‌هایی که به اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی وارد گردید، یک سلسله احکام مهم نیز در جهت تحکیم اصول دمکراتیک زندگی حزبی به اجرا درآمد. این کار را بایستی ادامه داد. در رابطه با تکمیل مکانیسم شکل‌گیری ارگان‌های رهبری حزبی خوبست مشاوری صورت گیرد.

در این رابطه پیشنهادات مختلفی به کمیته مرکزی رسیده است. اجازه دهید نتایج حاصل از جمع بندی این پیشنهادات را مطرح کنیم.

قبل از همه در مورد شکل‌گیری ارگان‌های انتخابی در سازمان اولیه حزبی. جوهر اکثریت پیشنهادات در این رابطه آن است که به تمام کمونیستها بدون استثنا میدان داده شود تا در انتخاب دبیران دفاع و کمیته‌های حزبی اراده خود را اعمال کنند و از سوی دیگر مسئولیت منتخبین در قبال انتخاب کنندگان افزایش یابد.

باید روی تغییر نحوه انتخاب دبیران کمیته‌های ناحیه، منطقه، شهر، ولایت و ایالت و کمیته مرکزی احزاب کمونیست جمهوری‌های متحده فکر کرد. در این مورد، آنگونه که رفقا پیشنهاد می‌کنند می‌توان این روال را در پیش گرفت که دبیران ومن جمله دبیر اول را در بلنوم کمیته‌های حزبی مربوطه با رای مخفی انتخاب کرد. اعضای کمیته حزبی در عین حال حق آن را خواهند داشت تا در ورقه خود تعداد دلخواه نامزدهای مورد نظرشان را قید کنند. چنین گامی باید بطور جدی مسئولیت دبیران را در قبال کمیته‌های حزبی که آنها را انتخاب کرده‌اند، افزایش دهد، به اطمینان نشان در کار ریفزاید و اجازه

مرتب گزارشات کمیته مرکزی احزاب کمونیست جمهوری های متحده، کمیته های ایالتی و ولایتی استماع می شود و دیگر مسایل اصولی حیات حزب و جامعه مورد بررسی ژرف و همه جانبه قرار می گیرد. شورای وزیران اتحاد شوروی و هیات رئیسه آن در رابطه با وزارت خانه ها و ادارات و شورای وزیران جمهوری های متحده بطور قابل ملاحظه ای سخت گیر تر شده اند.

با این وجود، بگذارید بی پرده بگویم، هنوز دفتر سیاسی، دبیرخانه کمیته مرکزی و دولت کارهای زیادی در این جهت بایده انجام بدهند. ما هنوز که هنوز است مجبور می شویم چندین بار به یک مساله واحد رجوع کرده و تداپییری تکمیلی برای حل آن اتخاذ کنیم. این امر بویژه خود را در آخرین اجلاس دفتر سیاسی در جریان بحث پیرامون سیرا اجرای مصوبات کمیته مرکزی و شورای وزیران اتحاد شوروی درباره تسریع رشد و تکامل ماشین سازی بوضوح به نمایش گذاشت. ما تصمیمات لازمه را می گیریم، اما همچون گذشته آنها را بطور کامل در مدت مقرر انجام نمی دهیم. یکی از دلایل این امر آن است که بسیاری هنوز از اسارت عادات منسوخ و برخورد غیر مسئولانه به وظایفشان رها نیی نیافته اند. انضباط ضعیف است. بسیاری از رهبران از اصل انطباق حرف و عمل پیروی نمی کنند و وعده های دیگر بیشتر صحبت می کنند تا کار. ما از اینها بایستی جدی ترین نتیجه گیری ها را به عمل بیاوریم.

اما با وجود تمام اهمیت کنترل "از بالا"، در شرایط دموکراتیزاسیون جامعه ارتقای سطح و تمرین بخشی کنترل "از پایین" از اهمیت اصولی برخوردار است. هر یک از رهبران و مقامات مسئول بایده همواره مسئولیت و وابستگی خود را نسبت به انتخاب کنندگان، کلکتیوهای کار، سازمانهای اجتماعی و حزب و مردم بطور کل احساس کنند. مساله عمده در این رابطه ایجاد و تحکیم تمام ابزار و اشکال کنترل واقعی است، کنترلی که از انسان های کار برمی آید.

منظورم کدام ابزار و اشکال است؟

قبل از همه گزارش دهی. زمان آن فرارسیده که مقررات گزارش دهی سیستماتیک تمام مقامات مسئول انتخابی یا انتصابی به کلکتیوهای کار و مردم بطور دقیق رعایت شود. ضروری است که هر یک از این گزارشات با بحث زنده و اصولی، انتقاد و انتقاد از خود و پیشنهادات جدی همراه بوده و با ارزیابی فعالیت کسی که گزارشی را ارائه می دهد، خاتمه یابد.

مورد دیگر اجرای آن حکم لنینی است که بر مبنای آن کار ارگانهای انتخابی و رهبران بایده همه معلوم باشد و در جلوی چشم مردم صورت گیرد. اگر ما به چنین کنترلی دست پیدا کنیم، بدون شک بسیاری از دلایل شکایات و مراجعات به سازمانهای مافوق از بین خواهد رفت و اکثریت مسایل مطروحه در محل حل خواهد شد. در شرایط دمکراتیسم وسیع، مردم خودشان نظم را در کلکتیو، شهر و روستای خویش برقرار می سازند.

شوراهای نمایندگان خلق، سندیکاها و دیگر سازمانهای اجتماعی امکانات عظیمی برای کنترل در اختیار دارند. اصول دمکراتیک کار اجلاسها، کمیسیونهای دائمی و نمایندگان شوراهای عالی و محلی بایده تحکیم یافته و کارایی گزارش دهی، منظم مقامات مسئول در برابر شوراهای و همچنین پراتیک استیضاح نمایندگان ارتقا یابد. چنین برخوردی اتوریته ارگانهای حاکمیت خلق نزد توده ها را استحکام بیشتری خواهد بخشید.

بایده بودا مرکز کنترل، بایده هر نوع رسیدگی و بازرسی را که در حال حاضر دقیقاً مثل بهمن بر سر کارخانجات، موسسات و سازمانها فرو می ریزد، مردم را از کار بازمی دارد و موجب عصیبت در کار می شود، بی وقفه به نظم در آورد. سود عملی این رسیدگی ها عموماً ناچیز است. این مسایل تازه نیستند و در مورد آنها بارها نوشته و گفته شده است. اما اوضاع هنوز تغییر نکرده است. از فرار معلوم دبیرخانه کمیته مرکزی و هیات رئیسه شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بایستی در این مورد نظم لازم را برقرار کنند و در راه کیفیت و نه کمیت رسیدگی ها گام بردارند.

ضمن سالم سازی فضای اجتماعی ضروری است که علینیت نیز بسط و تکامل بیشتری یابد. این امر هم نیرومند بیهودکار تمام عرصه های سازندگی ما و شکل موثر کنترل عموم خلقی است. تجربه اندوخته شده پس از پلنوم آوریل کمیته مرکزی ما هدایت مدعا است.

دیگر زمان آن رسیده است که به تهیه اسنادی حقوقی بپردازیم که علینیت را تضمین نماید. این اسناد بایده متضمن آن باشند که سازمان های دولتی و اجتماعی هر چه آشکارتر فعالیت کنند و زحمت کشان امکان داشته باشند در مورد هر مساله مربوط به زندگی اجتماعی اظهار نظر نمایند.

انتقاد و انتقاد از خود ابزار تجربه شده دموکراسی سوسیالیستی است.

ظا هرا مخالفت آشکاری با این امر وجود ندارد. با این وجود در زندگی سیاسی واقعیت‌هایی برخوردار می‌کنیم حاکی از آن که ضرورت حمایت از روحیه انتقادی در جامعه را بسیاری درک نکرده‌اند. گهگاهی کار به آنجا می‌کشد که برخی کارکنان حتی کوچکترین تذکرات را بمشابه سوء قصدیه پرستیز خود تلقی کرده و از آن با تمام وسایل ممکن دفاع می‌کنند. اشخاص کارگشته تری نیز پیدا شده‌اند که حقانیت انتقاد را می‌پذیرند و حتی از بابت طرح آن تشکر می‌کنند، اما با امیدیه اینکه مثل گذشته آنها از آسیب خواهد افتاد، در رفع نارسایی‌ها عجله‌ای به خرج نمی‌دهند.

چنین برخوردی به انتقاد با اصول و اخلاقیات ماهیچ وجه مشترکی ندارد. و اما در مرحله کنونی که ما برخوردهای نوینی را در حیات اجتماعی - سیاسی و در عرصه معنوی برقرار می‌کنیم، اهمیت انتقاد و انتقاد را خود افزایش می‌یابد. معیار مهم برخورد هر فرد به نوسازی و به هر آن چیز جدیدی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، برخورد او به انتقاد است.

و در اینجا باید با تاسف به این مسأله اشاره نمود که ما همچنان نه تنها با عدم پذیرش انتقاد، بلکه با مواردی که در بخواطرا انتقاد و جلوگیری از سخنرانی - های انتقاد آمیز نیز روبرو می‌شویم. این پدیده اغلب آنچنان ابعاد و مقیاسی پیدا می‌کند و در چنان اشکالی بوقوع می‌پیوندد که کمیته مرکزی مجبور به دخالت در آن می‌شود تا بدین ترتیب حقیقت و عدالت را برقرار ساخته و از افراد صدیقی که دلسوز هستند، حمایت کند. من قبلاً نیز در این رابطه صحبت کرده‌ام، اما آهنگ بهبودی مورکند است. مطالب نشریات مرکزی آن هم تنها در ماه ژانویه را مرور کنید، خواهید دید که آزار و اذیت بخواطرا انتقاد اصلاً پدیده نادری نیست.

در این رابطه باید از مسأله‌های رسانه‌های خبری در راه گسترش انتقاد و انتقاد از خود در جامعه مان حمایت کرد. مردم شوروی از موضع مطبوعات در مبارزه به خاطر نوسازی به شایستگی تقدیر نموده‌اند. بیش از ۱۴ میلیون خواننده جدید به شمار خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات مرکزی افزوده شده‌اند و در نامه‌های تلویزیون مرکزی پیرامون موضوعات مبرم روز چندین میلیون بیننده را خود جلب می‌کند.

جسارت و ژرفای طرح مسایل مبرم مربوط به تسریع پیشرفت اجتماعی -

اقتصادی کشور که گوناگون‌ترین جنبه‌های حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد، مورد توجه مردم واقع می‌شود. حزب بر آن است که مطالب رسانه‌های خبری از این پس هم از ژرفا، عینیت و احساس مسئولیت عظیم در برابر مقدرات کشور برخوردار باشد.

تغییرات مثبتی هم در نشریات محلی و جمهوری‌ها بوقوع می‌پیوندد، اما بسیاری از آنان هنوز بطور واقعی به نوسازی نیویسته‌اند و در طرح مسایل و برخورد انتقادی نسبت به نارسایی‌ها از اصولیت و جسارت کافی برخوردار نیستند. بسیاری از کمیته‌های حزبی همیشه بطور شایسته از رسانه‌های خبری، این اهرم نیرومند نوسازی استفاده نمی‌کنند و در برخی موارد همچنان فعالیت این رسانه‌ها را به بند می‌کشند.

حزب ضمن آنکه همچنان روی انتقاد اصولی و سازنده رسانه‌های خبری از نارسایی‌ها و اهمال کاری‌ها حساب می‌کند، در عین حال انتظار دارد که تجربه کار کلکتیوهای کار، ارگان‌های حزبی، شورایی و اقتصادی، سازمان‌های اجتماعی و کارهای رهبری در شرایط نوسازی نیز در این رسانه‌ها منعکس شود. ما باید برای بسیاری مسایل حیاتی که نوسازی طرح کرده و فکر می‌کنیم همچنان نیز مطرح خواهد کرد، جواب پیدا کنیم. ما باید به همه کمک کنیم تا هر چه سریع‌تر در عمل و متناسب با روح زمان نوسازی شوند. این کار به قول لنین سازمان‌نگرانه مطبوعات را با یدرو به روز تقویت نمود و مبلغ، مروج و سازمان‌نگر جمعی بودن را در عمل فرا گرفت.

یک مسأله دیگر نیز باید روشن شود. ما می‌گوییم که در جامعه شوروی نیاپستی مناطق ممنوعه برای انتقاد وجود داشته باشد. این امر بطور کامل به رسانه‌های خبری نیز مربوط می‌شود.

رفقا! دمکراسی واقعی در خارج و یاد و و رای قانون وجود ندارد. کنگره ۲۷ حزب جهات عمده رشد و تکامل قانون گذاری و تحکیم موازین حقوقی جامعه ما را تعیین کرده است. در پنج ساله جاری کار زیادی در جهت تهیه و تصویب قوانین جدید مربوط به رشد و تکامل اقتصاد، عرصه اجتماعی و فرهنگی و خودگردانی سوسیالیستی خلق و گسترش تضمین‌های حقوق و آزادی‌های شهروندان در پیش است.

دفتر سیاسی از این پیشنهاد که در آینده نزدیک قانون جزائی

جدیدی تدوین گردد، پشتیبانی کرده است. مقصود آن است که قانون جدید بطور کاملتری پاسخگوی شرایط معاصر رشد و تکامل جامعه شوروی بوده، از منافع و حقوق شهروندان دفاع کند و به تحکیم انضباط و موازین حقوقی منجر گردد. ما باید به فکر افزایش نقش و اعتبار دادگاههای شوروی، رعایت اکید اصل استقلال دادگاهها، تشدید قاطع نظارت دادستانی و تکامل کاراگان های بازپرسی باشیم و تصمیماتی در این زمینه اتخاذ کنیم.

پیش نویس قانون چگونگی شکایت از اعمال غیرقانونی مقامات مسئولی که حقوق شهروندان را پایمال می کنند، آماده است و بسزودی به بحث گذاشته خواهد شد. در رابطه با بهبود کار حکمیت دولتی و گسترش تبلیغات حقوقی کام های دیگری برداشته خواهد شد.

هنگامی که از دمکراتیزاسیون جامعه شوروی صحبت می کنیم (و این امر برای ما مساله ای اصولی است)، جا دارد با ردیگر پرویزگی عمده و تعیین کننده دمکراتیسم سوسیالیستی انگشت بگذاریم. منظور من تلفیق ارگانیک دمکراسی و انضباط، استقلال و مسئولیت، حقوق و تکالیف مقامات مسئول و هریک از شهروندان است.

دمکراسی سوسیالیستی هیچ وجه اشتراکی با خودکامی، بی مسئولیتی و آنارشی ندارد. دموکراسی راستین با دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی افراد در خدمت هر فرد قرار می گیرد و در عین حال با دفاع از منافع کلکتیو و جامعه در کل، به خدمت هر کلکتیو و جامعه درمی آید.

دمکراتیزاسیون تمام عرصه های حیات جامعه شوروی قبل از همه از آن نظرا اهمیت دارد که ما گسترش آتی ابتکار زحمتکشان و کشف تمام پتانسیل نظام سوسیالیسم را به آن مربوط می دانیم. برای آنکه به پیش برویم، برای آنکه در جامعه قانونیت تحکیم یافته و عدالت پیروز شود، برای آنکه چنان فضای اخلاقی ایجاد شود که در آن افراد بتوانند آزادانه زندگی کنند و بطور شریکانه کار کنند، به دموکراتیزاسیون نیاز داریم.

رفقا! کاملاً روشن است که شریکشی دموکراسی راستین بسته به آن است که تا چه اندازه منافع توده های وسیع را در نظر دارد و به آن متکی است و به چه میزان از حمایت تمام اقشار و گروههای اجتماعی برخوردار می باشد. در این زمینه،

وظایف نوسازی می طلبید تا با ردیگر ذخایر و امکاناتمان را در گسترش بیشتر پابگاه اجتماعی دموکراسی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. حیاتی بودن طرح این مساله روشن است. تمام تجربه ما می آموزد که حزب پیوسته در دوره تحول ضمن انجام دشوارترین و جسورانه ترین وظایف، به کارگزاران و به جوانان و شیفتگی و وفاداری به ابرسوسیا لیسم و به آشتی ناپذیریشان با رکود و پابیندیشان به آنچه که مترقی است روی آورده است. و امروز که زلزوم تحولات دمکراتیک و گسترش شرکت واقعی مردم در انجام وظایف با زسازی سخن می گوئیم، موضع نسل جوان اهمیت سیاسی عظیمی کسب می کند.

می خواهم با ردیگر در پلنوم تکرار کنم که ما می توانیم به جوانانمان افتخار کنیم و به کارشان ارج بگذاریم. این هم با واقعیت انطباق دارد و هم در سیاست صحیح است.

اما زمان از تک تک افراد انرژی بیشتری می طلبد. و البته جوانان که در نوسازی دینفع هستند باید فعال تر عمل کنند. جوانان باید در جا معاهای نوسازی شده زندگی و کار کنند. سازمان ها و کمیته های حزبی و کارگزاران با یستی در برابر نسل جوان راه بگشایند و چنان کنند تا جوانان. عملاً به شرکت کننده پرا انرژی در تحولات تبدیل شوند. تدارک کنکره نوبتی اتحادیه سراسری لنینی کمونیستی جوانان شوروی نیز باید از این موضع صورت گیرد.

در کار با کارگزاران ما باید توجه مان را بیشتر به آبدیدگی کاری، آیدئولوژیک سیاسی و اخلاقی معطوف کنیم و در برخورد با جوانان لحن نصیحت آمیز و مرونهی غیر ضرور را کنار بگذاریم. آری همه اینها وجود دارد و باید از همه آنها سخن گفت. با این برخوردها به هیچ وجه نمی توان موافق بود، چه از بی اعتقادی به درایت و بلوغ نیات و کردار اجتماعی جوانان و احتیاط بیش از اندازه ناشی شده باشد و چه از تمایل به آسان کردن سختی های زندگی برای فرزندان خود.

رفقا، جز جذب واقعی جوانان به تمامی امورا اجتماعی، هیچ راه واقعی دیگری برای پرورش شخصیت و مواضع مدنی آنان وجود ندارد. فقدان تجربه مشخص نمی تواند با هیچ چیز دیگر جبران شود. به این علت است که باید اوضاع موجود را تغییر داد. منظورم چیست؟

در این زمینه بیش از هر چیز اعتماد بیشتر به جوانان - که کمک ما هرانه و انتقاد در فیقا نه از اشتباهات را تو ما در بردارد، استقلال بیشتر آنان در

سازماندهی کار، تحصیل، معیشت و تفریح، و مسئولیت بیشترشان در قبال اعمال و رفتار خود مورد نظر است. لازمه این امر حرکت در رهبری جامعه در تمام سطوح است.

ارتقای رفقای غیرحزبی به سطح رهبری، جهت مهم دمکراتیزاسیون حیات اجتماعی است. این مسئله‌ای اصولی است. یکی از ضمانت‌های پایدار سلامت و ترقی جامعه سوسیالیستی، رشد سیاسی و کاری کارگران پیشرو، دهقانان، مهندسیان کارمندان علمی، پزشکان، معلمین و کارکنان بخش خدمات و ظهور و ارتقاء مستمر استعدادها از درون مردم است.

گاه‌ها چنین نقطه نظری روبروی شویم: مسئله غیرحزبی‌ها گویا کهنه شده چرا که اکنون ح. ک. ا. ش. بیش از ۱۹ میلیون عضو دارد. به نظر من چنین قضاوتی اشتباه است. اتکاء به چنین قضاوتی به معنای مخدوش کردن ارتباط حزب با توده‌ها و حتی صریحاً تریگویییم، لطمه به حقوق مصرح شهروندان در قانون اساسی و در عین حال محدود کردن امکانات از نظر کار است. ما نمونه‌هایی عالی از فعالیت شمر بخش رفقای غیرحزبی در پستهای رهبری داشته‌ و داریم. آنها کارخانه‌ها، کالخوزها و ساخوزها، سازمانهای ساختمانی، کلکتیوهای علمی و تربیتی و خدمات مهندسی را اداره کرده و فعالان به کارهای اجتماعی می‌پردازند.

گزینش علنی اشخاص برای ارتقاء هم‌درمیان کمونیست‌ها و هم‌درمیان غیر-حزبی‌ها - پاسخگوی وظایف دمکراتیزاسیون و جذب توده‌های وسیع زحمتکشان به مدیریت می‌باشد.

در این رابطه مسئله ارتقاء گسترده زنان به کارهای رهبری نیز مطرح است. هم‌اکنون زنان زیادی در پستهای حزبی و دولتی، در عرصه‌های علمی، بهداشتی، آموزشی و فرهنگ، در صنایع سبک، بازرگانی و خدمات معیشتی کار می‌کنند و موفق هم هستند. امروز کشور نیاز به زنان در رده‌های مدیریت اقتصاد و فرهنگی دارد. مقیاس سراسر کشور و هر یک از جمهوریها فعالان شرکت جویند. چنین امکاناتی موجود است. تنها باید به زنان اعتماد کرد و از آنان پشتیبانی نمود.

رفقا! امروز نیز ما نند گذشته بدون احتساب آنکه ما در کشور کثیرالملله‌ای زندگی می‌کنیم، قادر به حل هیچ مسئله اصولی نخواهیم بود. گمان نمی‌رود که اهمیت شالوده‌های سوسیالیستی در رشد مناسبات ملی نیاز به اثبات داشته باشد. این سوسیالیسم بود که ستم ملی و نابرابری حقوق و هرگونه نقض حقوق

مردم با انگیزه‌های ملی را پایان داده و پیشرفت اقتصادی و معنوی همه ملل و اقوام را تضمین نمود. در یک کلام موفقیت‌های سیاست ملی حزب ما بی‌چون و چرا است و ما به حق به آن افتخار می‌کنیم.

اما ما موظف هستیم تصویر واقعی و دورنمای رشد مناسبات ملی را ببینیم. امروز که دمکراسی و خودگردانی گسترش می‌یابد، رشد سریع خودآگای ملی تمام ملل و اقوام جریان دارد و روندهای بین‌المللی شدن تعمیق می‌یابد، حل به موقع و صحیح مسائل پدیدآمده بر اساس یگانگی نه‌شالوده ممکن، یعنی بر اساس شکوفائی هر یک از ملل و اقوام، نزدیکی هر چه بیشتر آنها بر اساس منافع کسب جامعه، از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود.

و در این رابطه نمی‌توان از این واقعیت سخن نراند که پدیده‌های منفی و ناهنجاریهایی که ما با آن مبارزه کرده‌ایم، در عرصه مناسبات ملی نیز ظاهر شده‌اند. مظاهر نفع طلبی محلی، گرایش به محدودیت ملی، روحیات تکبر ملی و حتی ماجراهایی نظیر آنچه که در آلمان اتفاق افتاد هنوز گه‌گاه به چشم می‌خورند.

وقایع آلمان و سوابق آن به تجزیه و تحلیل جدی و ارزیابی اصولی نیازمند است. هنوز بایستی کل مسئله با توجه و دقت موشکافی شود. اما امروز دیگر روشن است که آنچه که پیش آمد، باید نه تنها کمونیست‌های کاخ‌آستان بلکه تمام سازمانهای حزبی و کمیته‌هایشان را وادار کند تا به مسائل رشدآتی مناسبات ملی و تقویت تربیت انترناسیونالیستی بپردازند. بخصوص با یدنسل نوجوان را از تا شیرها کتابارنا سیونالیسم در امان نگاه داشت.

و... البته این می‌آموخت که باید... در عمل انترناسیونالیست بود. و دین ما آن است که این آموزش را تمام نگذاریم.

تمام تجربه‌ها نشان می‌دهد که تنها انترناسیونالیسم پیگیر و استوار قادر است با روحیات مدمد شده ناسیونالیستی مقابله نماید. هر آنچه که سه توسط ما صورت گرفته، نتیجه زحمات مشترک بوده است. اگر در منطقه‌ای نفت استخراج می‌شود، دیگری برای نشان ارسال می‌کند. آنها بی‌کهنه‌کاری می‌کنند، ماشین دریافت می‌دارند. در هر تن‌نان، در هر گرم طلا، در هر تن پنبه، ذغال سنگ و نفت و در هر ماشینی، ذرات کار تمام مردم شوروی، تمام کشور و تمام اتحاد کثیرالملله‌ها یافت می‌شود.

تمام فضای زندگی و کار مشترکمان، خانواده و مدرسه، ارتش، فرهنگ، ادبیات و هنر باریک‌بینانه‌ترین احساسات، یعنی احساسات انترناسیونالیستی و میهن‌دوستی شوروی را در تمام مردم شوروی از همه ملیت‌ها و در وهله اول در جوانان پرورش داده و تربیت کنند.

ضروری است تا با الهام از اصول لنینی و رهنمودهای کنگره ۲۷ چنان‌مشی‌ای درپیش گرفته شود که همه ملل و اقوام کشور در ارگان‌های حزبی، دولتی و اقتصادی نماینده داشته باشند و ترکیب کار درهای رهبری، ساختار ملی را هر چه کامل‌تر منعکس نماید.

مسلم است که توزیع مکانیکی مقام و مسئولیتها بر حسب نشان ملی مورد نظر نیست. این امر در حکم عامیانه کردن خود اندیشه انترناسیونالیسم خواهد بود. سیمای کارکنان را در تمام موارد خصوصیات سیاسی، کاری و اخلاقی شخصی تعیین می‌کند. ظرافت خاص و جوه ملی در این یا آن مسئله و سنن مردمی شیوه زندگی، روانشناسی و رفتار را نیاید از نظر دور داشت. تمام این‌ها را باید با دقت هر چه تمام‌تر در نظر گرفت.

رفقا باید بگویم که برخی از رهبران گاهی به حل مسائلی که به مناسبات میان ملت‌ها مربوط می‌شود، با مسئولیت لازم برخورد نمی‌کنند.

هراز چندگاهی سوء تفاهاتی در مناسبات میان نواحی همجوار اروپا یا ایالات جمهوری‌های مختلف بروز می‌کند. گاهی این سوء تفاهم‌ها شکل مشاجره به خود می‌گیرد و حتی به کشمکش هم کشیده می‌شود. با رهبران ارگان‌های حزبی و شورایی به جای آن که غائله را بخوابانند، از اقدامات اصولی‌نیز شانه خالی می‌کنند. کار درهای سیاسی باید در این مواقع ماهرانه عمل کرده و احساسات ناسالم را مهار کنند.

اندیشه‌تئوریک ما، دین بزرگی به پراتیک مناسبات ملی دارد. منظورم آن است که روی مسائل سیاست ملی متناسب با مرحله معاصر رشد و تکامل کشور کار کافی صورت نگرفته است. رفقا واقعیتی است که برخی از جامعه‌شناسان مامدتی طولانی به جای پژوهش عینی پدیده‌های واقعی در عرصه مناسبات ملی و تحلیل روندهای واقعی اجتماعی - اقتصادی و معنوی که در ما هیت خود بسیار بی‌غرنج و متضاد می‌باشند ترجیح داده اند. رساله‌هایی خلق کنند که بیشتر جنبه تعارف دارد تا پژوهش‌های علمی جدی.

بایستی اعتراف کرد که اشتباهاتی در عرصه مناسبات ملی صورت گرفته که عوارض آن در سایه نگاه‌داشته شده و صحبت از آن‌ها نامطبوع به شمار می‌رفته است. این امر عواقبی منفی به بار آورده که امروز ناگزیر با آن سروکار داریم.

در کنگره ۲۷ ما بر تغییرناپذیری این سنت لنینی حزمیمان تاکید کردیم: برخورد حساس و با ملاحظه نسبت به هر آنچه که به رشد مناسبات ملی مربوط می‌شود و به منافع هر یک از ملل و اقوام و احساسات ملی برمی‌گردد، و حل به موقع مسائل ایجاد شده در این عرصه.

مبارزه اصولی علیه هرگونه مظاهر تنگ‌نظری و تکبر ملی، ناسیونالیسم و شوونیسم، نفع‌طلبی محلی، صهیونیسم و یهودستیزی در هر لباس از جمله سنن بلشویسم است. ما باید همواره به یاد داشته باشیم که ناسیونالیسم و انتزاع ناسیونالیسم پرولتری، دوسیاست متضاد و دو جهان بینی متضاد هستند.

با اتکا به این مواضع است که ما استوار و اصولی خواهیم بود. احساسات ملی مردم شایسته احترام است و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. ما با این احساسات بازی هم نباید کرد. بگذار کسانی که می‌خواهند به این حساب با احساسات ناسیونالیستی و شوونیستی بازی کنند دچار توهم نباشند و فکر نکنند که فرجی حاصل خواهد شد.

رفقا، اصول برای آن اصولند که از آن‌ها نمی‌توان گذشت. بی‌شک این موضع، یعنی موضع اصولی و لنینی مورد حمایت شما حزب و تمام خلق کثیرالمله شوروی قرار خواهد گرفت.



سیاست حزب در مورد کادرها در شرایط نوسازی

رفقا!

فکرمی کنم همه ما این را بسیار خوب تشخیص می‌دهیم که موفقیت نوسازی تا حد تعیین کننده‌ای به این بستگی دارد که کادرهای ما با چه سرعت و عمقی ضرورت تغییر را دریا بند و تلاش آنها برای اجرای سیاست حزب تا چه اندازه سازنده و هدفمند باشد. امروز به سیاستی در مورد کادرها نیاز داریم که با وظایف نوسازی و ضرورت تسریع رشد و تکامل اجتماعی و اقتصادی، همخوانی داشته باشد. در فرمول بندی ضروریات اولیه چنان سیاستی، باید هم درس‌های گذشته و هم مسائل بزرگی را که امروز زندگی پیش می‌گذرد حساب بیاوریم. در طول سال‌های ساختمان سوسیالیسم در کشور، بنیه نیرومند و پر کیفیتی از کادرها بوجود آمد و سطح دم‌افزون معلومات و فرهنگ کارگران و دهقانان و تمامی خلق، شرایط مساعدی برای تکمیل و تازه‌سازی این بنیه فراهم می‌آورد. هر آنچه کرده ایم و هر آنچه بدست آورده ایم مخلوق دستهای مردم شوروی و نتیجه تلاش فداکارانه کادرها می‌ماند بوده است.

در عین حال باید در این پلنوم از اشتباهات در کارها و از انحرافات نیز سخن گفت که در سالهای اخیر در سیاست کادر به عمل آمده و به نارسائی‌های جدی در فعالیت‌های از حلقه‌های دستگاه حزبی، دولتی و اقتصادی و به پدیده‌های منفی در جامعه منجر گردیده است. از بسیاری اشتباهات می‌شداحتراز کرد، هر آینه ارگان‌های حزبی همیشه و بطور پیگیر در مورد کادرها سیاست اصولی و موثری پیش می‌گرفتند و کارائی عالی تمامی حلقه‌های رهبری حزبی و مدیریت اقتصادی را تا مین می‌کردند.

مسلمان، امروز نباید صرفاً به پذیرش اشتباهات اکتفا کرد. برای پرهیز از این خطاها در آینده، ضروریست از گذشته درس بگیریم.

این درس‌ها کدامند؟

اولین درس، ضرورت حل به موقع مسائل مبرم در مورد کادرها در خود کمیته مرکزی حزب و دفتر سیاسی کمیته مرکزی است و آن هم، بالاتر از همه، از زاویه تأمین ادامه‌کاری در رهبری و ورود نیروهای تازه نفس به آن. تخطی از این روند طبیعی، در مرحله معینی منجر به تضعیف کارائی دفتر سیاسی، دبیرخانه و رویه‌مرفته کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، دستگاه آن و حتی دولت گردید.

رفقا، در واقع به دنبال پلنوم آوریل، طی مدت کوتاهی بخش بزرگی از دبیرخانه و روسای شعبه‌ها در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تعویض شده‌اند و عملاً تمامی ترکیب هیات رئیسه شورای وزیران اتحاد شوروی تغییر یافته است. این تغییرات اجباری بود، زیرا که نوسازی ترکیب کمیته مرکزی و دولت و تکمیل مداوم آن با کادرهای جدید، آن‌گونه که زندگی طلب می‌کرد مدتی طولانی بود که تا مین نشده بود. هم‌اکنون اینها نهایتاً بر تدوین سیاست و کارپرا تیک حزب در رهبری جامعه تأثیر گذارد.

این امر دیگری نمی‌تواند و نباید تکرار شود. بمنظور آن که روند نوسازی با وقفه روبرو نشود و ادامه‌کاری مختل نگردد، باید راه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی، دولت و رده‌های بالای رهبری دولتی و حزبی، به روی جریان نیروهای تازه از عرصه‌های گوناگون فعالیت باز باشد. طرح اینگونه مسأله، با درک لنینی از سیاست کادریا منافع حزب و مردم کاملاً نطباق دارد.

البته، کمیته مرکزی حزب کارهای زیادی انجام داده و می‌دهد. اما هرگز و تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد سطح این کارها پایین بیاید. برعکس این سطح باید بطور مداوم ارتقا پیدا کرده و به نیازهایی که زندگی و رشد و تکامل جامعه و موقعیت بین‌المللی پیش می‌کشند پاسخ گوید. هیچ ضعفی در فعالیت کمیته مرکزی مجاز نیست.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با پدیده‌ها تحقق اندیشه‌ها، اصول و روش‌های لنینی در کارها باشد، پلنوم‌های ما باید موضوعات واقعا عمده

زندگی حزبی و وضعیت داخلی و بین‌المللی کشور را مورد بحث قرار دهند. این موضوعات باید به گونه‌ای آزاد و صریح، با احساس مسئولیت عمیق و درجه‌بندی انسجام ایدئولوژیک و مقایسه وسیع نقطه‌نظرات، مورد بحث قرار گیرند.

در این رابطه می‌خواهم بر نقش اعضای کمیته مرکزی، حقوق و مسئولیت آنها تاکید کنم. در پلنوم‌ها باید حق هر عضو کمیته مرکزی برای طرح سؤال و شرکت در بحث دسته‌جمعی و خلاق تضمین شود. در حزب - بخصوص در پلنوم کمیته مرکزی - هیچ کس نمی‌تواند و رای انتقاد قرار داده شده باشد، همانطور که هیچ کس هم از حق انتقاد کردن محروم نیست.

خیلی چیزها را در این رابطه باید اصلاح کنیم. اجازه دهید ما دقایق بگویم: بسیاری از مسائل حیاتی مبتلا به حزب و مردم مدت چندین سال خارج دسترس جلسات پلنوم باقی می‌ماند. رفقا به خاطر می‌آورند که جلسات کمیته مرکزی بارها مختصر و صوری برگزار شد. بسیاری از اعضای کمیته مرکزی در طول مدت عضویتشان امکان مشارکت در بحث‌ها و حتی طرح پیشنهادات نداشتند. فضای کار پلنوم‌های کمیته مرکزی، در سبک کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی محلی نیز بازتاب یافت.

رفقا، درس دوم حاصل از تجربه گذشته آن است که ما نباید اجازه دهیم به تربیت سیاسی و تئوریک و آبدیدگی ایدئولوژیک و اخلاقی کارها کم‌به‌کم داده شود. در غیر این صورت در فعالیت کمیته‌های حزبی، بمثابه ارگان‌های رهبری سیاسی، اختلالاتی بسیار جدی بوجود می‌آید.

در سال‌های اخیر این معیارها همیشه در کزینش، برگماری و آموزش کارها مدنظر قرار نمی‌گرفته‌اند. در بسیاری موارد، توجه اصلی به معلومات خاص این یا آن رشته تولیدی، علم و فن و تکنولوژی و یا قدرت اراده معطوف بوده است. همه این‌ها بدون شک مهم است، اما در عین حال نباید اجازه داد کیفیت‌های ضروری رهبری مانند دید ایدئولوژیک و تئوریک، بلوغ سیاسی، مبانی اخلاقی و توانایی متقاعد کردن و جلب و هدایت مردم از نظر دور بماند.

باید صریح و صادقانه اعتراف کرد که سبک تکنوکراتیک و توأم با فشار و امرونی در کار، به‌مرحزب و بالاتر از همه به کار با مردم که عنصر اصلی فعالیت حزب است صدمه‌ای اساسی وارد کرد. بسیاری از دست‌اندرکاران حزبی با غرق شدن در کار اقتصادی و در مواردی با پذیرفتن وظایفی که با موقعیت آنها همخوانی نداشت، از توجه لازم به موضوعات سیاسی و دیدیه‌های دارای اهمیت

اجتماعی در عرصه اقتصاد و زندگی اجتماعی و فرهنگی غافل ماندند. البته این سبک کار دلایل عینی نیز دارد. این دلایل بالاینحل مانند یک سلسله مسائل در اداره امور اقتصاد ملی و فقدان یک مکانیزم اقتصادی کارا پیوند دارد. در این وضعیت، بسیاری از کمیته‌های حزبی، با آگاهی بر مسئولیت و وظیفه خود در قبال مردم، مجبورند حل شمار زیادی از مسائل اقتصادی را بر عهده بگیرند. چند سالی اوضاع برای منوال بود و این امر در سبک و روش‌های کار عمیقاً ریشه دوانیده و به‌ناهنجاری معین در اصول رهبری حزب و در خود ترکیب کارها منجر شد.

تحقق اقداماتی پر دامنه در جهت نوسازی مدیریت و مکانیزم اقتصادی، امکانات گسترده‌ای برای تکامل کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی فراهم می‌آورد. برتا شیر حزب در همه عرصه‌های زندگی جامعه می‌افزاید و برخورد سیاسی با تمام مسائلی که مورد حل و فصل قرار می‌گیرد را متحقق می‌کند. می‌خواهم تاکید کنم که هیچ کس نمی‌تواند کمیته‌های حزبی را از دلسوزی و چاره‌اندیشی و مسئولیت نسبت به وضع امور در عرصه اقتصاد مبرا دارد. هملن - طور که قبلاً گفتم، صحبت بر سر آن است که شیوه‌های رهبری حزبی در آن جهت تکامل یابد که کمیته‌های حزبی به جای ارکان نه‌ای اقتصادی نشینند و حالت "آقا بالاسر" برای آن پیدا نکنند.

سومین درسی که باید بیاموزیم در ارتباط با این مسئله است که در سیاست حزب نسبت به کارها در سال‌های اخیر دوگرایش متضاد بطور متناقض سازگاری داشته‌اند. توضیح می‌دهم.

از یک طرف، نموده‌های رکود بطور نسبتاً شدیدی در صفوف کارها ظاهر شدند. تغییرات ضروری پرسنلی و ورود افراد جدید در ترکیب دبیران تعدادی از کمیته‌های حزبی و در میان دست‌اندرکاران ارگان‌های شورائی و اقتصادی در سطح مناطق، جمهوری‌ها و سراسر کشور در طول دهه‌ها صورت گرفته است.

با گفتن این سخنان به هیچ وجه قصد ندارم صدها و هزاران تن از کارکنان برجسته را به ویژه در سطوح ناحیه و شهر که تمامی انرژی و دانش خود را صرف خدمت‌رسانی شائبه به حزب و مردم کرده‌ومی‌کنند، در سایه قرار دهم. آنها با سالها کار شرافتمندانه و توریته‌و افعا شایسته خود، حق خویش را در حرازیست‌های رهبری اثبات کرده‌اند. حزب کمونیست اتحاد شوروی و مردم برای کارمندان

و خدمات بزرگ آنها ارزش عالی قائلند و آنان را گرامی می دارند .

فکر می کنم حکم معروف و حتی بخوبی جا افتاده ای که ثبات کارها را در اصل ضروری داند، نیازی به استدلال ندارد، اما نباید آنرا به افراط و احتمالا حماقت کشانید. ما خیلی خوب می دانیم که این امر به چه چیزی منجر می شود و بوی تشبیت مصنوعی کارها که اساسا به رکود کارها منجر می شود چه بهایی بایست پرداخت .

از طرف دیگر گرایش به همان اندازه نگران کننده دیگری نیز در کارها کادها و به ویژه در سطوح اولیه اقتصادی وجود داشت و آن هم عبارت بود از جایابی زیاد کارها و "گرگم به هوای" واقعی در سطح رهبری موسسات صنعتی ، پروژه های ساختمانی، کالخورها و سا و خوزها و دیگر سازمانها . شما می دانید که سازمان گران بسیار ورزیده تولید چه نقش عظیمی دارند . رهبران کلکتیوها - کمونیست ها و غیر حزبی ها - پشتوانه اصلی حزب در اجرای سیاست اجتماعی - اقتصادی آن هستند. آن ها انبوهی از متنوع ترین وظایف را بعهده دارند. در این صورت می خواهم یک سؤال مطرح کنم. چگونه بود که در بسیاری از نواحی و مناطق، ترکیب کارها در رهبری کلکتیوها کارطی سال هایی اندک بطور کامل تغییر می کرد؟

این امر تنها هنگامی می تواند در روی دهد که کار رزنده با کارها، دلسوزی و چاره اندیشی برای رشد سیاسی و حرفه ای شان و کمک عملی به آنها عقب رانده شده و جای آنرا امر ونهی و قضاوت های عجولانه و اغلب نسنجیده در باره فعالیتها و توانایی های آنها بگیرد. من امیدوارم کمیته های حزبی این سرزنش جدی را به حساب خود بگذارند و نتایج صحیح بگیرند .

متاسفانه، کمیته های حزبی و دبیرانی نیز وجود دارند که اشتباهات و کاهی ناکامی های خود را با سخت گیری نمایی به کارها و اصولیت دروغینس ، می پوشانند، بدون اینکه نه به ما هیت مساله و نه به سرنوشت انسان ها فکر کنند. در این رابطه می خواهم از پدیده ناپسند دیگری هم صحبت کنم. منظورم عدم تحمل رهبران نسبت به عمل و اندیشه مستقل زیردستان است. اغلب به محض آن که کسی شروع می کند به بیان نظرات مستقلی که با نظرات دبیر کمیته حزبی ، رهبریک و زراتخانه ، اداره ، موسسه، بنگاه و یا سازمان مرسومه مطابقت ندارد ، تلاش می کنند به هر بهانه ای ، گاهی حتی به دلایل ظاهرا صلاح ، از دست او خلاص

شوند. این طور انگار بهتر است ، اما برای که؟ برای کار به هیچوجه! این همیشه به ضرر کار تمام می شود .

در این مورد نیز ما باید از او ، لنین بیا موزیم . او بهتر از هر کس دیگر قادر بود مردم را متشکل کند ، کار دوستانه را سا زمان دهد ، از مبتکرین پشتیبانی کند و به نظرات رفقای حزبی گوش فرا دهد و در صورت ضرورت با صبر و حوصله آنان را اقناع نماید . اصولیت ، سخت گیری و توجه را با بیاد از او آموخت .

چهارمین درس در مورد کارها کارها عبارتست از بیلابردن مسئولیت در قبال وظیفه محوله ، تحکیم انضباط و ایجاد سوخت گیری متقابل . رفقا چگونه شد که در طول دهها سال در سطح ناحیه ، شهر ، ایالت ، جمهوری و حتی تمام کشور - بسیاری از پست های رهبری را کسانی اشغال می کردند که از عهده وظایف خود بر نمی آمدند و غیر متعهد و غیر منضبط بودند .

عواقب کارملاروشن است . طی سال های متمادی تعدادی از رشته ها ، از جمله ذوب آهن ، صنعت زغال سنگ ، راه آهن ، ماشین افزار و ماشین سازی کشاورزی ، صنایع گوشت و لبنیات و غیره ، توسط کارگزارانی اداره می شدند که پاسخگوی اجرای وظایف مقرر نبودند . همه کس به ظاهر این موضوع را می دانست . چگونگی مورد آن بخش ها با رها و بارها در اجلاس های شورای عالی ا . ج . ش . س ، پلنومهای کمیته مرکزی و حتی در کنگره های حزبی مورد انتقاد قرار گرفت . اما همه چیز مثل سابق باقی ماند .

آیا ناحیه ، جمهوری ، شهر و منطقه ای وجود داشت که سالها بر نامه تولید در آن اجرایی شود و مسایل اجتماعی به فراموشی سپرده شده بود؟ با وجود این رهبران آنها هیچگونه مسئولیتی در قبال اختلال امور برای خود قائل نبودند و همه چیز از دستشان در رفته بود .

همین نکته را میتوان در مورد بعضی مدیران کارخانجات سازمانهای اقتصادی ، موسسات بهداشتی و بهزیستی ، آموزشی ، علمی و فرهنگی ، و رسانهای گروهی تکرار کرد : آنها مدت ها است کار را به حال خود رها کرده اند ، وظایف خود را انجام نمی دهند و در عوض بلند نظرها را سا زنی کنند و خوش برخورد هستند . تا همین چندی پیش مسالفاصلی این بود که کرسی ریاست حفظ شود .

مواردی هم هست که این یا آن رهبر در جای خود قرار نگرفته است و به قول معروف "نمی کشد" . در آن ها در این است که پستی گرفته اند اما از پس کارش بر

نمی آیند. با این موارد چه باید کرد؟ بنظر می رسد این خطاها را باید پذیرفت، آن ها را اصلاح کرد و بدون دراماتیزه کردن موضوع، فرد مورد نظر را به کاری که با توانائی هایش انطباق دارد بگمارد.

ما نباید ونمی توانیم به حساب منافع حزب، جامعه و مردم "مهربان" باشیم. منافع حزب و مردم بالاتر از هر چیز دیگر قرار دارد. چنین است قانون بی تزلزل ما. دلسوزی واقعی برای کارها با خوش خیالی، مدارا، و اغماض و ملاحظت مفرط، هیچ وجه مشترکی ندارد. ما باید این درس را هم خوب فراگیریم.

و با لاجرم، یک درس دیگر، طبیعی است این سؤال در پلنوم طرح گردد که: چرا تمامی این مسائل که در کارها پیش آمده بود مدت های مدید مسکوت و لاینحل باقی ماند؟ بطور چنین چیزی می توانست پیش بیاید؟ این مسأله، همانطور که می دانید، بسیار جدی است.

هیئت سیاسی برای این عقیده است که علت اصلی، سست شدن وفاداری به اصول دموکراتیک در کارها است. من قبلاً به شیوه ای اصولی درباره دموکراسی درون حزبی به مثابه ضامن اصلی تحقق مشی استراتژیک و وظایف نوسازی صحبت کرده ام. در رابطه با مسأله ای از دموکراتیزاسیون، یعنی شکل گیری ارگان های انتخابی در حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیشنهادهائی ارائه شده است.

حال ما یلم به موضوع ارتقاء نقش تمام ارگان های انتخابی بپردازم. باید صریحاً اعتراف کرد که اگر آنها هم درون حزب هم در دولت و هم در اتحادیه ها و دیگر سازمان های عمومی، به نحو شایسته عمل می کردند، می شد از بسیاری زکاستی های جدی در کارها اجتناب کرد.

بیا نئید به قول معروف با چشمانی باز به زندگی نگاه کنیم. رشد بیش از حد نقش ارگان های اجرائی به ضرر ارگان های انتخابی انجام یافته است. در نظراول گویا همه چیز آنطور که می بایست پیش می رود. اجلاس های پلنوم، جلسه ها و نشست های سایر ارگان های انتخابی منظم برگزار می شود. اما کار آنها اغلب فوق فرمالیته است. مسائل دست دوم یا حتی مسائل کلی که از پیش روی آنها تصمیم گیری شده است به بحث گذاشته می شود. در نتیجه، کنترل لازم بر فعالیت های ارگان های اجرائی و کارهای رهبری کننده آنها وجود ندارد. از شما چه پنهان بعضی زرفقا ارگان های انتخابی را و با لوسریا می دانند که تنها مشکلات و موانع بوجود می آورد. ببینید مسائل به کجا ها کشیده است.

این امر منجر شده است به کاهش نقش نمایندگان شوراها، اعضای حزب و دیگر ارگان های تصمیم گیری جمعی در تشکیل کمیته های اجرائی، در انتخاب کادرها و در کنترل بر فعالیت آنها. آیا خلعت و سبک مناسبات میان کارکنان حقوق - بگیر و اعضای ارگان های انتخابی نیز گواه دیگری بر آن نیست. در مسواری متعدد، با کوششی از جانب کارمندان دستگاه اداری روبرو می شویم که متوجه اعمال اتوریته بر اعضای کمیته های حزبی و دیگر سازمان های اجتماعیه و نمایندگان شوراهاست. در واقعیت امر معلوم می شود که مکانیسم های دموکراتیک برای تشکیل و کارکرد ارگان های انتخابی اعلام می شود، اما به هیچ وجه همیشه عمل نمی کنند و در نتیجه، به اندازه کافی موثر نیستند.

به این دلیل است که، با مراجعه مجدد به آنچه که درباره گسترش دموکراسی سوسیالیستی در شرایط نوسازی گفته شد، می خواهیم با ردیگر بر اولویت و اهمیت عظیم پیشنهادهای فرموله شده در مورد این موضوعات تاکید کنیم. ما باید تدابیری بیاندیشیم و اقداماتی اتخاذ کنیم که نقش قاطع تصمیم گیری های جمعیه ارگان های انتخابی را تضمین کند. هیچ ارگان اجرائی، و به طور اولی کارکنان این ارگانها نمی توانند و حق ندارند جایگزین ارگان های انتخابی شوند و یا بر آنها حکم کنند.

پیش شرطهای سیاسی و حقوقی لازم برای اعمال کنترل موثر ارگان های انتخابی بردستگاه اجرائی و شکل گیری و فعالیت آن، باید ایجاد شود. این امر ما را از بسیاری خطاها و از جمله خطا در کارها مضمون خواهد داشت.

فکر می کنم شرکت کنندگان پلنوم به تمام اهمیت بنیادین طرح مسأله به این نحو و ضرورت حل فوری آن کاملاً واقف هستند.

یکی از علل کاستی های جدی در کارها در کاهش نقش ارگان های کنترل، هم در داخل حزب و هم در عرصه دولت و سازمان های اجتماعیه است. این ارگان ها نسبت به نشانه های حاکی از سوءاستفاده و تخلف در شماری از نواحی و شاخه های اقتصاد ملی، در کمیته های حزبی ناحیه، منطقه و جمهوری، بی توجهی کردند. کار ارگان های کنترل اغلب منحصر به بررسی های سطحی و واریس های فرمالیته مالی و رسیدگی به شکایات مختلف و مشاجرات معیشتی مردم است. این مسائل به نوبه خود حتی جای مهمی را هم اشغال می کنند، اما کارها به آنها منحصر کردن، بویژه امروز، غیر قابل قبول است.

کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی سمت تازه‌ای به فعالیت ارگان‌های کنترل داده‌است. اهمیت دارد که همه آنها، از ارگان‌های ناحیه‌ای تا ارگان‌های مرکزی، به وظایف خود عمل کنند و نمونه‌ای از اصولیت و عدالت باشند. در یک کلام، رفقا، ما نمی‌توانیم و نباید اشتباهات گذشته را تکرار کنیم. بعلاوه، من فکرمی‌کنم هیچ‌کس اجازت این کار را هم به ما نمی‌دهد. چنین است درس‌های اصلی سیاست حزب در مورد کارها که به عقیده دفتر سیاسی ضروری است به پلنوم گزارش شود.

نتیجه اصلی این درسها آن است که ما باید به طور جدی سیاست خود را در قبال کارها نوسازی کنیم، پیرایه‌ها و اشتباهات این سیاست را مرتفع سازیم و آن را به سیاستی واقعاً مروزی، پرتحرک و هدفمند که به گونه‌ای گسست‌ناپذیر با راستاهای کلیدی مبارزه‌خواه با تسریع رشد و تکامل اجتماعی-اقتصادی پیوند داشته باشد تبدیل نماییم.

تکرار می‌کنم که موضوع، صرفاً بر سر تکامل سازمان کارها نیست، بلکه بر سر تدوین سیاستی در مورد کارها است که با وظایف نوسازی انطباق داشته باشد. تنها با چنین برخورد گسترده‌ای است که کارها به انجام تحولات عمیق و ماهیتاً انقلابی کمک می‌کند.

ولادیمیر ایلچ لنین به ما می‌آموزد که با کارها کارها قبل از همه برخوردی سیاسی داشته باشیم، آنرا در ارتباطی ناگسستنی با جوهر مسائلی که در مرحله معین حل می‌شوند ببینیم و کارها را "بر اساس معیارهای جدید و به اقتضای وظایف جدید" انتخاب کنیم. کار بستن این آموزش در انطباق با مرحله کنونی رشد و تکامل اجتماعی چگونه است؟

امروز برخورد کارها - و آن هم نه در حرف، بلکه در عمل - نسبت به نوسازی و وظایف تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور، معیار تعیین کننده در سیاست کارها، نوعی محک سنجش آن است. مسلماً باید این فاکتور را که بی‌ورش و فعالیت کارها مدت‌های طولانی در بهترین شرایط انجام نمی‌شده است به حساب آورد. به این دلیل است که تغییرات به‌آسانی روی نمی‌دهد. ما کار دقیق و فشرده‌ای در جهت نوسازی کارها در پیش داریم.

ما قطعاً نه راه‌پشتیبانی از اشخاص متهور، با فکروبا انرژی را که می‌توانند و می‌خواهند که شجاعانه پیش بروند و می‌توانند موفقیت را تضمین کنند، در پیش

گرفته‌ایم. ما از این افراد بسیار داریم. تصمیمات پلنوم آوریل و کنگره ۲۷ این نیروها را آزاد کرده و چشم انداز گسترده‌ای برای فعالیت خلافاً به برویشان گشوده‌است. ببینید چگونه ذوق و استعداد در هر ان اقتصامی با درخشش و نیرومندی آشکار شده‌است. نمونه‌های زیرگویاست: ولادیمیر کارا بائیدزه از ایوانف، بوریس فومین از کارخانه "الکتروسیلا" در لنینگراد، "آنا تولسکی" پارشین از کارنوگ، "ایوان فرانستنیوک" از نوولیتسک، رئیس روشینسکیا، مدیر کارخانه دوزندگی نووچرکاسک، یوری بارانف مدیر اداره معدن دانستسک ما باید یاد بگیریم تا به هر شکل، از چنین کارکنانی حمایت کنیم و به استقلال و ابتکارشان ارج بگذاریم. باید در هر سال زمان حزبی و در هر کلکتیو و کار فضا می‌بوجود آید که همه را به یافتن راه‌های موثر، و به بارزترین و صریح‌ترین تبادل نظرها، ترغیب کند. بدیهی است که به اصطلاح شیوه‌هایی مانند توپ و تشر، تهدید و طرد که حتی تا امروز نیز در بسیاری موارد بکار گرفته می‌شود، باید قطعاً کنار گذاشته شود. ما خواهان نوسازی هستیم نه زیر و روسازی. رفقا، ضروریست برای مردم احترام قابل‌باشیم و بیشتر به آنها اعتماد کنیم.

امروز هر کسی امکان ابراز توانایی‌هایش را دارد. ما باید به آنها می‌خواهند کار کنند، هم با نصیحت و هم با سخت‌گیری رفیقانه کمک کنیم. ولی ما با کسانی که مصراً به گذشته چسبیده‌اند و نسبت به تغییرات جاری بی‌تفاوت بوده و یا حتی در مقابل آن قرار می‌گیرند، همراه نیستیم.

بدین ترتیب طرز تلقی کارها نسبت به نوسازی و اعمالشان در جهت اجرای آن، در ارزیابی از آنان تعیین‌کننده است. مسلماً باید دیگر کیفیات اساسی را هم به حساب بیاوریم. منظورم قبل از هر چیز آشنایی ناپذیری نسبت به نارسائی‌ها، کهنه پرستی، بی‌تفاوتی و انفعال، و پای بندی نسبت به هر آن چیزی است که پیشرو و مترقی است.

نوسازی از کارکنان، کاردانی و تخصص بالای حرفه‌ای می‌طلبد. امروزه بدون آمادگی‌های همه‌جانبه و امروزی، بدون اطلاعات عمیق نسبت به مسائل تولید، علم و فن، مدیریت، اقتصاد، سازمان‌دهی و انگیزش کار و روانشناسی کار پی‌بیش نمی‌رود. در یک کلام، ما باید توان ذهنی کشور را در معرض حداکثر استفاده قرار داده و بازده خلاق آن را به طور اساسی افزایش دهیم.

نظم و انضباط اهمیت فزاینده ای کسب می کند. این دو عامل همیشه و در همه جا ضروری است، اما در شرایط تولید معاصر و کار بست وسیع جدید تریبسن تکنولوژی ها از اهمیت ویژه برخوردارند. در سال های اخیر بدنبال نظم یافتن کارها و غلبه بر بی مبالاتی، آهنگ رشد اقتصادی افزایش چشمگیری یافته است.

با این حال این وظیفه همچنان میرم است. سست شدن انضباط و افست مسئولیت عمیقاً ریشه دوانیده و تا امروز بی طور دردناکی احساس می شود. این همان بی مسئولیتی و بی مبالایی جنایت آمیز بود که حوادثی اسفبار چون سانحه نیروگاه هسته ای چرنوبیل، غرق شدن کشتی آدمیرال ناخی مُفب، و شماری از فاجیع هوایی و راه آهن را که تلفات انسانی در برداشتند، موجب کردید. باید در همه جا فضائی ایجاد کرد که هرگونه امکان تکرار چنین رویدادهائی را از میان بردارد. نظم، دقت و کارائی باید برای همه به قانون تبدیل شود.

و بالاخره، اخلاقیات متعالی کارها و خصائل انسانی شان چون شرافت، پاکدامنی و تواضع، مهمترین مسئله است. ما حالانته تنها از تجربه گذشته بلکه از تجربه اخیر نیز دریافته ایم که بدون تحکیم سلامت اخلاقی جامعه نخواهیم توانست مسائل مربوط به نرسازی را حل کنیم. بی جهت نیست که ما امروز با پدیده های منفی در عرصه معنوی و اخلاقی به مقابله ای حاد پرداخته ایم. منظورم مبارزه در راه ریشه کنی مشروب خواری، اختلاس و رشوه گیری، و سوء استفاده از مقام و پارتی بازی است.

هر آنچه که با سیمای معنوی اعضای حزب و قبل از همه رهبران عالی رتبه آن مربوط باشد، در جامعه با حساسیت مورد توجه قرار می گیرد. مقدم ترین وظیفه ما با زگرداندن سیمای پاک و شریف رهبران کمونیست در همه سطوح است، سیمائی که با بزهکاری تعدادی مرتد خدشه دار شده است.

رفقا، در مجموع ما با در نظر گرفتن نیازهای زمان ناچار خواهیم بود سیاست کار با کارها را در همه شاخه های اقتصاد، در تمام عرصه های زندگی اجتماعی و در همه رده های رهبری، هم در مرکز و هم در ایالات، با نرسازی کنیم.

دفتر سیاسی جوهر و وظیفه اصلی سیاست امروزین حزب در مورد کارها را در درجه اول، با لایردن سخت گیری حزب نسبت به خود و کارها می داند. تعمیق

نوسازی در جامعه به معنی نوسازی کار حزب و کارهایش در تمام سطوح است. از کمیته مرکزی تا سازمان های اولیه حزبی است. این به معنی درک خلاقانه اصول و موازین لنینی زندگی حزبی و پیاپی کردن پیگیری آن ها در تمام عرصه ها است.

نوسازی در حزب چگونه پیش می رود و کمیته ها، رهبران و فعالین حزبی چه سرمشقی ارائه می دهند؟
امروزی توانیم بگوئیم که اغلب کمیته های حزبی و رهبران آنها با مسئولیت تمام و شوق و صمیمیت به کار پرداخته اند. آنها هنوز از عهد ه بسیاری کارها بر نمی آیند، اما در حال کسب تجربه هستند و هر روزی که می گذرد مطمئن تر عمل می کنند. این تغییرات پیش شرط های قابل اتکائی برای تسریع حرکت ما فراهم می آورد.

همه کارهای حزب در حال گذار از آزمون نوسازی هستند. اما تاب و تحمل شان در این آزمون متفاوت است. شکاف آشکاری بین آنها بی که با عزم و اراده به پیش می روند و کسانی که درجا میزنند، بوجود آمده است. مکتب نوسازی به بعضی از رهبران حزبی آسان نمی آید. آنها به هیچ ترتیب نمی توانند از برخورد های اداری که آشکارا با کار کمیته حزبی ناسازگار است، از تمایل به حل مسائل به جای همه و به قول معروف از قبضه کردن همه کارها دست بردارند. این امر مثل گذشته رشد مسئولیت کارها نسبت به وظایف محوله و گسترش و تکامل خلاقیت و استقلال آنها را مانع می شود.

کم نیست مواردی که کارکنان حزبی به جای رشد و تکامل دادن فکرنو، با خلاقیت و فعالیت مردم خصمانه برخورد کرده و آنرا تقریباً با نندبلیه های طبیعی تلقی می کنند. اما مقدم ترین وظیفه کمیته های حزبی در شرایط نوسازی آن است که در راه خلاقیت توده ها قرار گرفته و در رفع نارسائی ها و سوسو مان بخشیدن فوری به کارها به آنان کمک کنند.

اما در عین حال باید رفقا را از تسریع مصنوعی امور و به جلود ویدن بر حذر داشت. نوسازی و تسریع حرکت جامعه ما، بر قوانین عینی رشد و تکامل اجتماعی متکی است. اما مثل هر حرکت اجتماعی، در اینجانب نیز نقش عوامل ذهنی و شخصیتی بسیار عظیم است. تاثیر این عوامل می تواند مثبت یا منفی باشد. بنابراین بسیار مهم است که از روند نوسازی که بطور محسوسی با مقدرات انسانی سروکار دارد، در

مقابل برخورد های خلاصه داری و مکاتیبی که مجددا در کارها می شوند، محافظت کنیم. در هیچ کجا و در هیچ یک از سطوح سیستم اجتماعی و تولیدی نباید اجازه دهیم مفهوم نوسازی بی اعتبار گردد. ما باید نسبت به حرکت هرگونه فرصت طلبی، بلندپروازی شخصی و محاسبات سودجویانه در زیر پرچم نوسازی و نسبت به جا نشین کردن کار مشخص در جهت نوسازی با عبارت پردازی ها و سخن پراکنی های توخالی حساس باشیم و بلادرنگ واکنش نشان دهیم.

می خواهیم تکرار کنیم که بدون گسترش دموکراسی، بدون مشارکت وسیع زحمتکشان، ما نخواهیم توانست از عهده وظایف نوسازی برآئیم. کمیته های حزبی و تمامی کارها باید کار کردن در شرایط دموکراسی تعمیق یافته و تحرک فزاینده سیاسی و اقتصادی مردم را بیا موزند.

ما نمونه های زیادی داریم که ثابت می کند نوسازی آنجا که کمیته های ناحیه و شهر پرتحرک تر و به شیوه جدید کار می کنند، سریعتر نیرو می گیرد. این امر قابل درک است. این کمیته ها به سازمان های پایه ای حزب، کلکتیوهای کاروبنایرین به خط مقدم مبارزه بخاطر تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور نزدیکتر هستند. اکثریت این کمیته ها موضوعی درست اتخاذ کرده و بیساطا قاطعیت و پشتکار به اجرای مشی حزب در مورد نوسازی پرداخته اند.

در عین حال، بررسی اوضاع در سازمان های پایه، مطالب مطبوعات و نامه های زحمتکشان به کمیته مرکزی حزب نشان می دهد که کارکنان بسیاری از کمیته های حزبی شهری و ناحیه با گذشته زندگی می کنند، به شیوه قدیمی عمل می نمایند و این برای درکناره جاده نوسازی باقی مانده اند. حتی اگر این امر صرفاً به یک کمیته شهر یا کمیته ناحیه محدود بود، باز هم نباید به آن بی توجهی می شد. حال آنکه در این مورد مسئله شیوع دارد و این برای رفقا، باید دل نگران آن باشیم. چنین وضعی در کمیته های حزبی ناحیه و شهر در بسیاری موارد معلول سبک و متدهای کار و موضع دبیران آنهاست.

فکر می کنم اگر توجه بیشتری به این رده بسیار مهم حزبی معطوف کرده و به کمیته های ناحیه و شهر کمک کنیم تا هرچه زودتر موضع فعالی نسبت به نوسازی اتخاذ کنند، کار درستی انجام داده ایم. در این صورت سازمان های اولیه حزبی نیز با زحمات بهتر کار خواهند کرد و کلکتیوهای کار را به سوی انجام وظایف مقرر سوق خواهند داد. می بینیم که فعالیت کمونیست ها

چگونه پیوسته رشد می یابد و چگونه، ما در فرمالیسم بتدریج داردا زکار سازمان های حزبی رخت می بندد. اما در این رابطه هنوز بقول معرف هزارکار وجود دارد. سازمان های اولیه حزبی به کمک و حمایت واقعی نیاز مندند. رفقا در تحقق مشی استراتژیک تسریع رشد و تکامل اجتماعی و اقتصادی کارها اقتصادی مسولیت عظیمی بدوش دارند. گذاری بنیادی از روش های اداری مدیریت اقتصادی و روش های اقتصادی و به سوی پیشبرد مسئولانه و خلاق امور جریان دارد.

امروز، کلکتیوهای کار در کارخانجات و مجتمع ها، منابع مالی و مادی - فنی فراوانی برای تجدید تجهیزات تولیدی و حل مسائل اجتماعی در اختیار خود می گیرند. نه تنها برای مانورهای تاکتیکی اقتصادی، بلکه برای تحقق اهداف دراز مدت در چارچوب برنامه پنج ساله و فراتر از آن نیز، حقوق گسترده ای به رهبران تفویض می شود. در یک کلام، فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تازه ای در حال شکل گیری است که در آن، یک کارگزار اقتصادی پرتحرک و مطلع می تواند توانائی های بیش را بخوبی آشکار سازد.

اکثریت کارهای اقتصادی از اقدامات بزرگی که توسط حزب و دولت در جهت اصلاح مدیریت به عمل می آید، استقبال می کنند و هرچه فعالانه تر در تحقق عملی آنها شرکت می جویند. ما اینک آغاز خوبی را در عملی ساختن تعداد زیادی ابتکارات سودمند شاهد هستیم. تجربیات لنینگرادی ها و کارگزاران به کار چند صنعتی موسسات صنعتی هرچه گسترده تر رواج می یابد و اولین ثمرات را بار می آورد.

در خود شهر و ایالت لنینگراد عملاً تمامی موسسات عمده رژیم کار دو سه شیفته را در پیش گرفته اند. این امر اجازه داد تعداد ناغلین شیفته دوم تقریباً ۵۰ هزار نفر افزایش یابد. اینک ذخایر اساسی بهتر استفاده شده و سریعتر تجدید می کردند. امکان آزاد کردن ۳۵۰ هزار متر مربع مساحت موثر و کاهش نیاز به ۱۲۰ هزار متر مربع ساختمان جدید پدید آمده است. بنا به یک ارزیابی مقدماتی، همه این ها صرفه جویی بیش از یک صد میلیون روبل در سرمایه گذاری ها را ممکن می کند که بخش اعظم آن می تواند در خانه سازی و در ساختمان دیگر پروژه های اجتماعی به کار برده شود.

مسئولین و متخصصین مجتمع ها و موسساتی مثل کارخانه اتوموبیل سازی

ولگا و مجتمع ماشین سازی سومک بنام فرونزه که از آغاز سال جاری خود - کفایی کامل و خوداتکایی مالی را در پیش گرفته اند، خلاقیت زیادی ابراز می‌دارند.

در رابطه با کاربست شیوه‌های جدید مدیریت اقتصادی، در راه آهن بلاروسی و شماری دیگر از مناطق کشور تجربه جالبی اندوخته شده است که بهبود شاخص‌های کارایی این رشته را تا مین کرده و بهره‌دهی کار را ارتقا بخشیده است. با گسترش وسیع جنبش صرفه‌جویی ذخایر، کلکتیوهای کاریک سلسله نواحی اوکرائین فراست و ابیتکارها بحران‌های نشان دادند. ابیتکار بریگادهای کاریگری معدن چیان و فلزکاران که ذخایر انجام پیش‌ارم‌وعد وظایف برنامه‌های را کشف کردند، شایسته پشتیبانی است. کلکتیوهای کار سوردلفسک، لیپتسک و برخی شهرهای دیگر در حل مسأله مسکن و دیگر مسایل اجتماعی نمونه‌های خوبی ارائه می‌دهند.

در روستا کشت غله و یک سری نباتات دیگر بر مبنای کاربرد تکنسولوزی صنعتی گسترش می‌یابد. در کالخوزها و ساخوزها، کلکتیوهای پیمان‌کاری انتفاعی سازماندهی می‌شوند که با سرعت تولید محصولات کشاورزی را افزایش داده و شمر بخشی اقتصاد را ارتقا می‌دهند.

به هر ترتیب باید صریح گفت: روند به‌کارگیری شیوه‌های امروزی - مدیریت اقتصادی و برخورد جدید به کار توسط کارکنان دشا و روستا - متناقض پیش می‌رود و با پدیده‌های دردناک و عوارض گذشته همراه است. نمونه بارز آن کاربرد بازرسی دولتی است. با درک اهمیت عظیم این اقدام، بسیاری از کلکتیوها برای کار در شرایط نوین به خوبی آماده شده‌اند. کار آنها بدون دشواری نیست، اما پیش می‌رود، انضباط کار تحکیم می‌یابد و کیفیت بالا می‌رود.

اما کارکنانی نیز بودند که در قبال الزامات سنگین این امر تسلیم گردیدند. آن‌ها به جای آن که آستین‌ها را بالا زده و کیفیت را ارتقا دهند، به ترسیدن خود و دیگران از عوارض احتمالی، اختلال وحتى توقیف محتمل کارخانه‌ها پرداختند.

رفقا، به هیچ وجه نمی‌خواهم اوضاع را ساده کنم. اما یک چیز روشن است: ما کمونیست‌ها و تمامی مردم شوروی بیشتر از این نمی‌توانیم تحمل

کنیم که در بسیاری موسسات سال‌ها محصولاتی تولید کنند که ناچار کهنه شده، موجب ملالت جدی مصرف‌کنندگان گردیده و جلوترقی علمی - فنی کشور را بگیرد. ما به کاری سترگ پرداخته‌ایم و موظفیم آن را به پایان برسانیم.

گذار به شیوه‌های اقتصادی مدیریت اقتصاد و گسترش حقوق مجتمع‌ها و موسسات، شرایط نوینی برای وزارتخانه‌ها و ادارات فراهم می‌کند. مادر پلنوم ژوئن (سال ۱۹۸۶) کمیته مرکزی درباره نوسازی سبک و شیوه‌های کار آنها بحث کردیم. از آن زمان چه کاری صورت گرفته است؟

در کار وزارتخانه‌ها و ادارات گرچه به آرامی و با درد، اما به هر حال تغییراتی صورت می‌گیرد. ستادهای رشته‌ها در تهیه و تنظیم پیشنهادات برای انتقال موسسات به شرایط نوین مدیریت اقتصادی مستقیماً شرکت می‌کنند. آنها سیاست علمی - فنی، بازسازی موسسات و انتقال به تولید محصولاتی که پاسخ‌گوی نیازهای امروزی باشد، توجه بیشتری می‌دارند.

ما برخی رشته‌ها و واحدهای آنها را با افراد با استعداد تقویت کردیم. غالباً متخصصین فعالی به مدیریت رسیده‌اند که خواهان ارائه کار به شیوه نو و تامین کاربرد شیوه‌های امروزی کار هستند. این خط مشی را با ایداد مه‌داد و فعالیت دستگا‌ها داری وزارتخانه‌ها و ادارات را با وارد کردن کارهای مبتکر و بسیا روززیده به آن مجدداً تکامل بخشید.

در عین حال ما همچنان با این امر روبرو هستیم که در کار وزارتخانه‌ها و ادارات در اجرای مصوبات حزب و دولت ملاحظه و بی مسئولیتی صورت می‌گیرد. گویی دستگا‌ها داری را حکام و دستورالعمل‌های کهنه اسیر است و از آنجا که نمی‌خواهد از حقوق خود بگذرد، بالختی عمل می‌کند.

رفقا، این اولین بار نیست که ما توجه رهبران و کارکنان دستگا‌ها داری وزارتخانه‌ها و ادارات را به ضرورت نوسازی اساسی فعالیت خودشان جلب می‌کنیم. خود این امر به همه امکان می‌دهد تا به کار پیوندند و بر خورده‌های نوین را فراگیرند. اما نباید اجازه داد که وزارتخانه‌ها یا کارکنان آن کار نکنند و از آن بالاتر، مانع نوسازی شوند. این هشدار تریبون پلنوم ضروری است، زیرا که صحبت بر سر منافع دولت و خلق و بر سر مسایل بزرگ سیاسی است. در این رابطه جا دارد ره نمودلنین را به خاطر آوریم: " دستگا‌ه برای سیاست ... و نه سیاست برای دستگا‌ه "

نوسازی فعالیت اقتصادی با خارج ، واگذاری حق ورود مستقیم به بازار خارجی به تعداد زیادی از وزارت خانه ها و مجتمع ها و حق برقراری مناسبات همکاری مستقیم با بازار خارجی به تعداد زیادی از وزارت خانه ها و مجتمع ها و حق برقراری مناسبات همکاری مستقیم با شرکایی از کشورهای سوسیالیستی به تمامی موسسات ، کادرها در شرایط جدیدی قرار می دهد . این همان چیزی است که وزارت خانه های تخصصی مدت ها در راه آن تلاش می کردند .

اما با پدیده خوبی درک کرده موفقیت در فعالیت اقتصادی با خارج تنها در صورت استفاده فعال از دستاوردهای علم و فن ، و تربیت کادرهای ضرور ، دستیابی به بازارهای جدید و غیره امکان پذیر است . پیش شرط اصلی تحقق امکانات فراهم آمده ، عرضه محصولاتی است که به لحاظ کیفیت در سطح جهانی قرار داشته باشد .

پس از اتخاذ تصمیمات ، زمان و نیروی زیادی صرف گردید تا مسائلی گوناگون سازمانی مورد بررسی قرار گیرد و حقوق و تکالیف و مناسبات بین سازمان های بازرگانی خارجی و ارگان های تخصصی مدیریت تدقیق گردد . اما اینک دوره سازمانی به پایان رسیده است . حال بایستی مساعی خود را متوجه امور پراتیکی نموده و با تحرک بیشتر به برقراری روابط اقتصادی با تمامی شرکای خارجی و در درجه اول از کشورهای سوسیالیستی بپردازیم . می بایست بگویم که پیروزی استراتژی تسریع قبل از همه وابسته به آن است که ما مسایل پیشرفت علمی - فنی را چگونه حل می کنیم و تا چه اندازه ما هر آنه برتری های سوسیالیسم را با دستاوردهای انقلاب علمی - فنی پیوند می دهیم .

دستاوردهای واقعی در این زمینه با یضاعت علمی ما ، و طرح ایده های اصلی تعیین می شود که قادر باشند به صورت ماشین ها و تکنولوژی های اصولاً نوین که امکان پیش روی در راستاهای اساسی علم و فن را فراهم می سازند ، تجسم یابند . این چنین است وظیفه استراتژیکی که نوسازی در مقابل علوم قرار می دهد .

در پیش برد این استراتژی ، همه چیز از پذیرش دانشجویان در مدارس عالی و کیفیت تربیت متخصصین گرفته تا تکمیل آکادمی علوم با دانشمندان مستعد ، از کاران نجم های علمی دانشجویی تا برنامه های پژوهشی انستیتوهای پیشرو

آکادمیک و تخصصی ، از فضای خلاق کلکتیوهای علمی تا موثرترین اشکال سازماندهی و انگیزش علوم ، همه و همه اهمیت دارند .

در حال حاضر ، هم پیوندی علم با تولید اهمیت ویژه ای کسب کرده است . در این زمینه مجتمع های علمی - فنی میان رشته ای نقش مهمی به عهده دارند . اینک بیش از ۲۰ مجتمع ایجاد شده است . با فعالیت این مجتمع ها ، به تسریع تدوین اندیشه های نو و ویژه اشاعه دستاوردهای علم و فن امید زیادی بسته ایم . به این دلیل است که بایستی به کار مجتمع های علمی - فنی میان رشته ای توجه زیادی مبذول داشت . هیات رئیسه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و وزارت خانه ها و ادارات مربوطه موظفند تا می آنچه که مورد نیاز آنهاست را تامین کنند ، کمک های لازم را به عمل آورند و با تمام توان به فعالیت کارساز آنها یاری رسانند .

مسایلی مهم از قبیل هماهنگی دقیق علوم آکادمیک ، دانشگاهی و تخصصی ، همکاری مساعی علوم طبیعی ، فنی و اجتماعی ، جامعیت تحقیقاتی که به عمل می آید ، عمق طرح مسایل پایه ای و ارتقا اثر بخشی مطالعات و بررسی های مشخص ، همچنان حاد و عمدتاً حل نشده باقی مانده اند . می خواهیم بنام پلنوم ، دانشمندان و تمامی کارکنان علمی - ماسان را مخاطب قرار داده ، بگویم : برای آنکه علوم فعالانه در نوسازی شرکت نمایند ، خود علوم باید تا اندازه زیادی نوسازی شوند . زندگی آزمایشات می طلبد . آن کسی که در ایده های علمی پیشگام نباشد ، بیم آن می رود که در همه چیز عقب بماند .

دوران ما ، یعنی دوران عمیق ترین دگرگونی های بی سابقه در علم و فن ، مساله را بدین گونه طرح می کند .

این امر کمیته های حزبی ، وزارت خانه ها و ادارات و ارگان های اقتصادی را موظف می کند تا به خواست های علم ، که می بایستی پیوسته مورد حمایت فعال قرار گیرد ، توجه کنند . ما می دانیم که هیات رئیسه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و رئیس آن آکادمیسین گ. ا. مارچوک در این رابطه ایده ها و پیشنهادهای جالبی دارند . میتوانم اطمینان دهم که ایده های پدید آمده ها و پیشنهادهای آنها در کمیته مرکزی و دولت برخوردار خواهند بود .

دورنما های پیشرفت اجتماعی - اقتصادی ، علمی و معنوی تا اندازه زیادی

با سیستم و کیفیت آموزش پی ریزی میشود. ما رفرم مدارس آموزش عمومی و جودای را آغاز کرده ایم. این رفرم، همان طور که احتمالاً اطلاع دارید، با دشواری پیش می رود و به این دلیل در تمام راستاها از تحکیم زیربنای مادی-فنی مدارس گرفته تا مضمون، اشکال و شیوه های روند آموزش و پرورش نیازمند توجه دائمی است. پیرامون نوسازی آموزش تخصصی عالی و متوسطه و افزایش حقوق کارکنان مدارس عالی و همچنین کمک هزینه تحصیلی دانشجویان نیمیما سی اتخاذ گردیده است. این همه، زمینه های مساعدی برای انکشاف پرشتاب علم و تولید و برآی اجرای تصمیمات کنگره حزب فراهم خواهد آورد. ما موظفیم آنها را در عمل متحقق سازیم و هر چه سریع تر دستیابی به نتایج پایانی عالی را تا مین نمایم.

سیستم بالابردن تخصص و بازآموزی متخصصین بر پایه های نوینی ایجاد خواهد شد. در شرایط تولید معاصر، معلومات مشخص، تجربیات و مهارت های تمام می کارکنان بایستی بیوقفه تکمیل و تکامل یابد. کنگره ۲۷ ایجاب می کند سیستم دولتی آموزش مداوم را به مثابه یکی از مهمترین وظایفی که بایستی عملی شود، در مقابل ما قرار داد. تنها به این ترتیب می توان صلاحیت کارکنان را در سطح نیازهای امروزی، بخصوص در عرصه های جدید و جدید تر فن و تکنولوژی حفظ کرد. نیازی به اثبات نیست که تهیه طرح های مربوط به این مسئله بایدهر چه سریعتر پایان یابد.

بالاخره، چند کلمه ای هم درباره وظایف کارکنان ارگان های برنامه ریزی، مالی و دیگر ارگان های اقتصادی. اینک ضروری است که آنها با در نظر گرفتن وظایف رفرم اقتصادی، کار خود را به طور اساسی نوسازی نمایند.

ادارات اقتصادی کشور پیشنهادهای زیادی در رابطه با نوسازی مدیریت و مکانیسم اقتصادی ارائه نموده اند. اما رک و پوست کنده بگوئیم خود کارهای آنها به کندی نوسازی می شوند و حتی می توانم بگویم که از تحولات اقتصادی در عرصه تولید عقب مانده اند. آنچه که در این ادارات روی می دهد، تغییرات چشمگیری را در عملکردهای ادارات عمومی اقتصادی و ارکان های محلی آنها ایجاب می کند.

سمت کارکنان ادارات را بایستی رهنمودهای سیاسی که توسط کنگره ۲۷ فرمول بندی گردیده است، تشکیل دهد. انجام رفرم اقتصادی در کشور، در عین

حال که مرکز را از حالت "آقا با لاسر" برای رشته ها، مجتمع ها و کارخانجات در می آورد، هم رشد و تکامل گسترده استقلال حلقه های پایه ای اقتصاد و هم تحکیم بیشتر مبنای متمرکز مدیریت را دنبال می کند. تمام کارهای و پیش از همه رهبران ادارات اقتصادی، اینک باید با امتناع از برخورد های کهنه در کنار، درست بدین طریق عمل کنند.

باز هم یک مسئله دیگر، که مستقیماً با فعالیت کارکنان اقتصادی مربوط می شود. در دو ازمین برنامه پنجاه توجه ویژه ای به انکشاف عرصه های اجتماعی معطوف گردیده است. چونگی اوضاع در این عرصه این امر را ایجاب می کند. ما بایستی هر چه سریعتر شکافی را که میان سطوح رشد و تکامل عرصه های تولیدی و اجتماعی بوجود آمده است، از بین ببریم.

کنگره حزب با اتکاء به این جمع بندی که توجه نا کافی به عرصه های اجتماعی یکی از علل عقب ماندگی در پیشرفت علمی-فنی و رشد شریک تولید بوده و مانع از آن شده است تا از پتانسیل موجود استفاده گردد، در رهنمودهای سیاسی مربوط به این مسائل اصلاحاتی جدی وارد کرد.

در طول سالیان متمادی از کارگزاران امور اقتصادی مسئولیتی واقعی درقبال حل مسائل اجتماعی طلب نشده است و این امر، آثاری جدی در برخورد آنها به کاربرجای گذارده است. باید قاطعانه وضع بوجود آمده را اصلاح کرد. بدون موضع محکم کمیته های حزبی و بدون گام های پیگیر عملی دولت در این راه، انجام این کار مشکل خواهد بود.

تازه ترین نمونه را بگیریم. در پایان سال گذشته واحداول مجتمع گاز آستراخان به کار انداخته شد. در این مجتمع بیش از یک و نیم میلیارد روبل سرمایه گذاری شده و یک کلکتیوهشت هزار نفری کارگران و متخصصین در آن کار می کنند، اما در میان آنها تنها سه هزار نفر مسکن دائمی دارند. ضمناً عقب ماندگی در ساختن مسکن، پلی کلینیک ها، سالن های غذاخوری و دیگر تاسیسات اجتماعی از همان ابتدا در برنامه ها مشهود بود.

این است نتیجه اسفناک برخوردنا درست و اشتباه آمیزه امور اجتماعی در سطح ارگان های برنامه ریزی. باید سرعت کار را اصلاح کرد.

تمام کارهای رهبری از پایه تا بالادریال اجرای سیاست فعال اجتماعی حزب مسئول هستند. خود زندگی ایجاب نموده است که منافع انسان در

سرلوحه فعالیت کارهای رهبری قرار داده شود و مهارت در حل مسائل اجتماعی به یکی از معیارهای اصلی بلوغ کاری و سیاسی آنان تبدیل گردیده است. رفقا! در تحقق تصمیمات بیست و هفتمین کنفرانس حزب سازمان‌های شورائی، اتحادیه‌ای که مسامول و دیگر سازمان‌های اجتماعی و کارهای آنها نقش مهمی برعهده دارند. در مقابل اینان نیز وظیفه نوسازی فعالیت‌هایشان بدون کم و کاست قدرافراشته است. این نوسازی اینک آغاز گردیده است. این نوسازی را در کدام راستا باید ادامه داد؟ این مسئله بلحاظ سیاسی بسیار با اهمیت است. زیرا ساختن برسر نهادهای بسیار مهم سیستم سیاسی ماست. ضمن پیشبرد نوسازی بایستی هم وضعیت کنونی هم بطور کلی راستاهای رشد و تکامل جامعه شوروی، سیستم سیاسی، دموکراسی سوسیالیستی و مکانیسم اقتصادی را در نظر داشت.

می‌خواهم یک بار دیگر بر این اندیشه تاکید کنم: مشی دمکراتیزه کردن و ایجاد مکانیسم جدید مدیریت و اداره امور اقتصادی امکان دستیابی به تلفیق صحیح رهبری سیاسی حزب با نقش فعال ارگان‌های دولتی، اتحادیه‌ها و دیگر سازمان‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد.

ما برای تکمیل فعالیت شوراهای در شرایط کنونی تصمیماتی بنیادین اتخاذ نموده‌ایم. این تصمیمات به شوراهای امکان می‌دهد تا خود را بعنوان ارگانهای واقعی قدرت در قلمرو خود نشان دهند. تحولاتی در فعالیت شوراهای روی می‌دهد، اما هنوز این تحولات نمی‌توانند ما را راضی کند. همه ما علاقمندیم که شوراهای کار کردن بطور واقعی و با روح زمان را هر چه سریع‌تر آغاز کنند.

کمیته‌های حزبی بایدمشی ارتقاء نقش شوراهای راقاطعه‌ده در پیش‌گیرند و از دخالت بی‌دلیل در امور آنها و بویژه گرفتن جای آنها خودداری کنند. بسیار ضروری است که خود رهبران شوراهای و دستگاہ شورایی نیز با تمام توان کار کنند و از نیروی مانده از این عادت که همیشه چشم‌به‌کسی داشته و منتظر دستور باشند، خلاص شوند. بایدمبانی دمکراتیک را در فعالیت شوراهای و ارگان‌های اجرایی آنها تقویت کرد.

ما در کنفرانس ۲۷ گفتیم مسائل زیادی وجود دارد که به منافع اساسی زحمتکشان برمی‌گردد و کسی این مسائل را بجای شوراهای حل نخواهد کرد. صحبت برسـ مسائل مربوط به سیاست اجتماعی و بهبود ارائه خدمات به اهالی است. اما

شوراهای حقوق نوین خود را بطور کامل نیا موختانند و توقعات لازم را از مسئولین اقتصادی طلب نمی‌کنند. یکی از عللی که موجب شد برنا مه سال قبل در بسیاری از شاخص‌های ساختمان‌های اجتماعی - فرهنگی عقیم بمانند در همین امر نهفته است.

تاسیسات رفاهی شهری را بگیریید. الان چقدر انتقاد در رابطه با کار آن وجود دارد، بخصوص در شرایط سرما! این هم کار مستقیم اصلی شوراهاست. شوراهای باید کارهای مربوط به بهبود بازرگانی، خدمات معیشتی، سازماندهی استراحت و زحمتکشان و تولید کارهای مورد مصرف عامه را از ریشه دگرگون کنند و از دخایر برای تکمیل منابع خوار و بار استفاده نمایند.

ما در عرصه‌های تاسیسات بهداشت و آموزش عمومی اقدامات عظیمی را در نظر داریم. این اقدامات به مستقیم‌ترین وجهی با فعالیت شوراهای در سطوح مختلف مربوط می‌شوند. بنا بر این وظایف افزایش می‌یابند و شوراهای باید به طور شریک‌تر و موثرتر عمل کنند، این آن چیزی است که ما حق داریم از کارهای که در شوراهای دستگاہ‌های آن کار می‌کنند، بطلبیم. مردم شوروی از آنها این انتظار را دارند.

نوسازی با تمام ابعادش بیه اتحادیه‌های صنفی مربوط می‌شود. با افزایش استقلال اقتصادی موسسات و مجتمع‌ها، حقوق آنها بطور اساسی گسترش می‌یابد. همزمان با این مسئولیت آنها در رابطه با رشد اختیارات کلکتیوهای کاروانکشاف خودگردانی آنها بطور چشمگیری افزایش می‌یابد. البته، کسی وظایف اتحادیه‌های صنفی در حل مسائل سیاست اجتماعی و در دفاع از منافع زحمتکشان را از آنها بیس نمی‌گیرد.

خلاصه کلام اینکه مطالبات از کارهای ارگان‌های اتحادیه‌ای شدیداً افزایش یافته است. بایده‌آنان در جهت اتخاذ موضع فعال در نوسازی کمک بشود و شرایط شرکت گسترده‌ترشان در اتخاذ تصمیمات اداری در تمام سطوح فراهم گردد.

حال که گزارشها و انتخابات در سازمان‌های اتحادیه‌ای روبه‌پایان می‌روند و کنفرانس نوبتی اتحادیه‌های صنفی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نزدیک می‌گردد، بایدمتاسیسات این مجموعه مسائل می‌رسم که با نوسازی مربوط

می شوند، در مرکز توجه نما بینندگان کنگره قرار گیرد. حلقه مرکزی نوسازی کلکتیوها را رهستند. در همین جا است که اتحادیه ها با دیدن نسیل خود را آشکار کنند، امکانات و حقوق خود را به شیوه جدید ارزیابی نمایند و به این ترتیب سهم خود را در مرموم خلقی تسریع اجتماعی - اقتصادی افزایش دهند.

از همان آغاز، با بسط و توسعه مبارزه در راه سالم سازی جامعه، حزب بر آن بوده و هست که در چنین کار عظیمی پی ریزی شالوده محکم عقیدتی امری ضروری است. شکل دادن آگاهی میلیون ها زحمتکش با روح نوسازی، یکی از راستاهای کلیدی فعالیت ایدئولوژیک است.

ما تا اندازه معینی موفق شده ایم کار ایدئولوژیک را به زندگی و به روندهایی که هم اکنون در جامعه جریان دارد، نزدیک کنیم. این کار به های نوسازی به طور واقعی مورد علاقه توده ها قرار می گیرند، حاصل خدمات فراوان سازمان های حزبی و کارهای مروج است. اما کار در جبهه ایدئولوژیک هنوز به طور واقعی در بسیاری راستاها و از جمله در جهت آموزش های سیاسی و اقتصادی سخنرانی ها و ترویج سیاست خارجی، تربیت آتشبستی و غیره نیازمند بسط و گسترش است.

کمیته مرکزی، سازمان های حزبی را به آن سوق می دهد که تمام مسی فعالیت حزب و تمام کمونیست ها در کار ایدئولوژیک مشارکت نمایند. اما این امر به هیچ وجه نافی وظیفه تقویت بخش های ایدئولوژیک نیست. این بخش ها را باید با کارهای پر کیفیت و تربیت شده ای تقویت کرد که ضریب زمان را تمام احساس کنند، جوهر وظایف مطروحه را عمیقاً بفهمند و قادر باشند سیاست حزب را به طور موثر ترویج کنند و آنرا در امتداد مساعده سازمان دهند.

شرایط کنونی موکداً می طلبد که بخش ایدئولوژیک حزب با افرادی که اقتصاد، حقوق، فلسفه، جامعه شناسی، ادبیات و هنر را خوب میدانند و باطناً به ضرورت حیاتی تصمیمات کنگره ۲۷ و مشی نوسازی معتقدند، تکمیل شود.

رفقا! کارهای دادگاه های شوروی، میلیس و دیگر ارگان های پاسدار قانون با وظایف خطیر جدیدی روبرو هستند که از ضرورت تقویت قانونی سوسیالیستی و موازین حقوقی در کشور ناشی می شوند.

کمیته مرکزی با توجه به اهمیت عظیمی که برای این مسائل حساس اجتماعی قائل است، اخیراً قرار ویژه ای تحت عنوان "در باره تحکیم بیشتر قانونی"

سوسیالیستی و موازین حقوقی و تقویت حراست از حقوق و منافع قانونی شهروندان را تصویب کرد. این قرار وظایف مهم و پیچیده تری را در مقابل ارگان های پاسدار قانون و کارهای آن قرار می دهد. کمیته های حزبی و ارگان های شورائی موظفند با تمام توان اتوریته و اصولیت کارکنان دادگاه ها و دادستانی ها، دادگستری و میلیس، حکمیت و ثبت اسناد را با لایبرنه از شرکت کنندگان داد و طلب حفظ نظم اجتماعی حمایت کرده و به آگاهی های حقوقی یاری رسانند.

این موضع حزب، آنها را که از قانون پاسداری می کنند، به وظایف زیادی ملزم می سازد. نامه های زحمتکشان و گزارشاتی که از پائین می رسد حاکی از آنست که در خود ارگان های پاسدار قانون هنوز تخلفات زیادی صورت می گیرد، در مواردی به قول معروف "با توپ به گنجشک شلیک می شود"، در حالی که جرایم سنگین علیه منافع جامعه و شهروندان مسکوت می مانند.

ما کارهای ارگان های پاسدار قانون را موظف می دانیم تا رهنمودهای قرار فوق الذکر را بلاخره با اجرا بگذارند و با اتکا به اعتماد دوپشتیبانی تمام می خلق، کارکردن در شرایط گسترش دموکراسی و علینیت را مصرا نه بیاموزند. مختصری در باره کارهای بخش دیپلما تیک، در حال حاضر کار وزارت امور خارجه در دست نوسازی و ساختار دستگاه مرکزی و موسسات خارجی این وزارت خانه در حال تجدید سازمان است و ترکیب آن نومی شود. این مشی را باید ضمن ارتقاء شمر بخشی فعالیت سرویس های دیپلما تیک پیگیری نه به پیش برد و کوشش کرد تا به طور کامل با فعالیت مجدا نه بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی انطباق داشته باشد.

ارگان های امنیت دولتی هشیارانه از منافع میهن پاسداری می کنند. این ارگان ها کارهای به لحاظ ایده ای ورزیده، وفادار به حزب و مردم و به لحاظ حرفه ای آموزش دیده در اختیار دارند. ما مطمئن داریم که چکیست های شوروی در آینده نیز دسایس خصمانه ای را که متوجه کشور ما هستند، به موقع کشف و قاطعانه خنثی خواهند کرد.

و با لایحه در باره وظایف کارهای نظامی. حزب برای یک دقیقه هم مساعی خود را در جهت ارتقاء آتی قابلیت دفاعی کشور کاهش نخواهد داد و در انجام این وظیفه مهم و حیاتی، برای کارهای نظامی نقش ویژه ای قائل است.

مسئولیت عظیم آنها در قبال خلق نیز از همین جا ست. نیروهای مسلح شوروی نیز هم و غمشان نوسازی است. آنها کار صلح آمیز خلق و امنیت کشور را به گونه ای اطمینان بخش تا مین کرده و با سرفرازی دین انترناسیونالیستی خود را ادامه می نمایند.

کمیته مرکزی در انجام وظایف تحکیم قابلیت دفاعی کشور با اطمینان روی کارهای ارتش و افسران شوروی حساب می کند و اطمینان دارد که در شرایط بین المللی پیچیده کنونی کمونیست ها و تمام کارهای ارتش و نیروی دریائی با احساس مسئولیتی عظیم عمل خواهند کرد و مهارت و آمادگی جنگی تمام اشکال و انواع نیروها را ارتقاء داده و تکامل خواهند بخشید. خلق شوروی و حزب ما به نیروهای مسلح خود اطمینان دارند و همه کارهای لازم را برای تقویت نیروهای مسلح خود انجام می دهند و حق دارند انتظار داشته باشند که هیچ نیروی تجاوزگری نتواند ما را غافلگیر کند.

رفقا! در خاتمه می خواهم مختصراً روی وظایفی که در سال ۱۹۸۷ در پیش داریم، مکث کنم. این سال برای ما برجستگی خاصی دارد، هفتاد و هفت سال "اکتبر" است. مردم شوروی در شرایط نوسازی عمیق تمام عرصه های جامعه به استقبال این مناسبت تاریخی می روند. دفترسیاسی معتقد است که صحیح خواهد بود در این سال پیامی خطاب به تمام اعضای حزب و به تمام میزمتکشان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ما در گردد.

کمیته مرکزی، کمونیست ها و تمام مردم شوروی را فراموش نکنند تا هر چه عمیق تر از آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به آنچه باید انجام شود، نسبت به مقدرات کشور و نسبت به سیمای آینده سوسیالیسم، سرشار سازند. ما طی دهه ها سال ساختمان سوسیالیسم دستاوردهای بسیاری داشته ایم. اما زمان توقعات عالی جدیدی پیش می کشد. در شرایطی دیگر، جامعه شوروی با دیدگر به لحاظ پویایی و توانایی اش درصدد سریع به مدارج پیشرفت مورد آزمون قرار می گیرد.

اقتصاد ما به لحاظ شمر بخشی بالا، قدرت پذیرش تکنولوژی پیشرفته و توانائی تولید محمول درجه یک و رقابت با رقبای زار جهانی، مورد آزمون قرار می گیرد. اصول اخلاقی ما در تمام شیوه زندگی شوروی به لحاظ استعداد رشد و تکامل مستمر و غنا بخشیدن به ارزش های دموکراسی سوسیالیستی، عدالت اجتماعی و انسان دوستی مورد آزمون قرار می گیرد. سیاست خارجی ما به لحاظ

قاطعیت و پیگیری در دفاع از صلح و به لحاظ انعطاف و شکلیائی در شرایط مسابقه پرتب و تاب تسلیحاتی و تشنج بین المللی که توسط امپریالیسم دامن زده می شود، آزمون می شود.

کاری که امروز انجام می شود، در جوهر ژرف انقلابی اش، در جوارت بلشویکی بر نامه ها و در سمت گیری اجتماعی بشر دوستانه خود ادامه مستقیم اقدامات کبیری است که توسط حزب لنینی ما در روزهای اکتبر ۱۹۱۷ آغاز شد.

امروز همه جهان به خلق شوروی می نگرند: آیا از عهده برخواهیم آمد، آیا طاقت می آوریم، آیا به آنچه که سوسیالیسم را به مبارزه طلبیده است، به شایستگی پاسخ خواهیم داد. پاسخ شایسته را باید با اعمال خود و با کار سرسختانه بدهیم. و این کار را هم نمی شود به تعویق انداخت.

رفقا! همانطور که به خوبی درک می کنید، در تحقق مشی استراتژیک حزب مبنی بر تسریع، سال ۱۹۸۷ مهمترین نقش را بر عهده دارد. موفقیت تمام مشی بر نامه پنجاه، مهمترین اقدامات ما و اجرای بر نامه های طولانی مدت ما مربوط به این خواهد بود که ما چگونه کار خواهیم کرد. از اینجا ست که باید از اولین روزها توجه را به امور مشخص و اجرای تصمیمات آغاز شده متمرکز نمود. بطور کلی کار بر زحمت و روزمره، اما بی اندازه مهم کمیته ها و سازمانهای حزبی و تمام کلکتیوهای کار برای تحقق تصمیمات کنگره ضروری است.

ما باید نهنه تنها آنچه را که در اولین سال از بر نامه پنجاه در تمام رشته های اقتصاد در تمام عرصه های زندگی به دست آورده ایم تحکیم کرده و رشد و توسعه دهیم، بلکه با بستی فراتر رفته و عوامل طولانی مدت رشد را وسیعتر بکار بگیریم. در تمام این راستا ها باید پیشرفت های مثبت و قابل ملاحظه ای به دست آورد و به آن خلعت با زکشتنا پذیر داد.

ما ضمن متوجه ساختن کادرها به انجام وظایف جاری و اجرای دقیق تکالیف پنجاه دو ازدهم، باید هما نظر ورکه و ای. لنین می آموخت، چشم اندازها را از دست ندهیم و راه ترقی اقتصادی و اجتماعی را مشخص و تدقیق کنیم. در آئینده بسیار نزدیک تدارک بر نامه پنجاه سیزدهم، بر مبنای سیستم نوین مدیریت که تحقق کاملتر امکانات و برتری های سوسیالیسم را ممکن می سازد، آغاز می گردد.

نظر به اینکه اصلاح رادیکال مدیریت اقتصاد، مسائل بنیادی کار کرد

سیستم سوسیالیستی اقتصاد دویساری جنبه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی و سبک و شیوه‌های کار را به میان می‌آورد. صلاح است که تمامی این سلسله مسائل در پلنوم نوبتی کمیته مرکزی بررسی شود.

در شرایط این وظایف فزاینده، ما به کارهایمان مراجعه می‌کنیم. از آنها نظم و وقت در کارها و رومهارت در بسیج حداکثر نیروهای خلاق و امکانات کلکتیوهای کار طلب می‌شود. همه با یدبیا موزند. باید توانست سریعاً و بطور جدی در مقابل مسائل و مشکلاتی که پدید می‌آیند واکنش نشان داد و طبیعی است که چنیــــن مشکلاتی می‌تواند پیش بیاید، چرا که وظایف جدید و دشواری در دست انجام است، در واقع همه ما باید از عهدۀ امتحانی سیاسی به لحاظ بلوغمان در فراگیری شیوه‌های نوین کارورگیری در تمامی بخشهای ساختمان سوسیالیسم برآئیم. در یک کلام، سال‌نو وظایف نو فوق‌العاده خطیری در جهت تحقق خط مشی عمومی کنگره ۲۷ به همراه آورده است. دفتر سیاسی مطمئن است که ایده‌های کنگره که توسط تمامی کارهای ما عمیقاً درک شده و فکراً و اندیشه‌آنان را تسخیر کرده است، هرچه مصرانۀ تروگسترده‌تر به زندگی راه خواهد گشود، مسیر رشد و تکامل جامعه را تعیین خواهد کرد و کشور را به مراحل کیفی نوین پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و معنوی خواهد رساند.

از آنچه بیان شد میتوان یک نتیجه گرفت: همه و هر یک از ما موظف هستیم بر کار ریفزائیم، در اوضاع جدید نقش بسج کننده حزب ما، تمامی سازمان‌های آن و تمامی کمونیست‌ها با یدبا نیروی ویژه‌ای به تجلی درآید. نبض زندگی را با یددا شما در دست داشت و کارهای ضروری را برای تحقق برنامه‌های پیش‌بینی شده، انجام داد.

در این رابطه می‌خواستم پیرامون مسأله‌ای اساسی با هم مشورت کنیم. ممکن و مفید است که در سال آینده، در آستانه جلسات گزارش‌دهی و انتخاب‌تی، کنفرانس سراسری حزب فراخوانده شود و روند تحقق مصوبات کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی را بطور گسترده مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و تا بسج نیمه اول برنامۀ پنجاه را جمع‌بندی نماید. صحیح خواهد بود که در ایــــن کنفرانس مسأله‌ای نیز که به دموکراتیزه کردن آتی حیات حزب و جامعه در مجموع خود مربوط می‌شود مورد بحث قرار گیرد.

گفتگوهای آغاز شده در این کنفرانس می‌تواند در جلسات و کنفرانس‌های

حزبی گزارش‌دهی و انتخاب‌تی که نتیجه کار هر سال زمان حزبی را در رابطه با نوسازی سختگیرانه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد، ادامه یابد.

خود واقعیت برپایی کنفرانس سراسری حزب که مطابق اساسنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، صورت می‌گیرد، گامی جدی در دموکراتیزه کردن عملی حیات حزبی ما و انکشاف فعالیت کمونیست‌ها خواهد بود.

رفقا پلنوم کمیته مرکزی، با فرمول بندی سیاست حزب در مورد کار در هادر شرایط نوسازی و تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور، عمده‌ترین راه‌های کار ما را برای سال‌های طولانی تعیین می‌کند. ما امروز در پلنوم پیوسته به ولادیمیرا یلیچ لنین و به افکار و اندیشه‌های وی رجوع می‌کنیم. این تنها ادای احترام عمیق و صرفاً پذیرش توریته لنین نیست، بلکه تلاشی است سرخستانه برای احیای در حد امکان هر چه کار ملت‌روح لنینیسم در شرایط کنونی و تشبیهات توقعات لنینی از کار در زندگی ما. بخاطر آن و رید که لنین چگونه خستگی‌نا پذیر و پرشور می‌آموخت: موفقیت مبارزه انقلابی و موفقیت هر گونه با سازی اساسی جامعه عمدتاً با آن روحیه‌ای که حزب سرمشق می‌دهد، معیــــن می‌گردد.

ما می‌خواهیم کشور خود را به نمونه کشور بسیار رشد یافته تبدیل کنیم، به جامعه‌ای با پیشرفته‌ترین اقتصاد، وسیع‌ترین دموکراسی و انسانی‌ترین و متعالی‌ترین موازین اخلاقی، جامعه‌ای که در آن انسان زحمتکش خود را صاحب کامل حقوق احساس کند و بتواند از تمامی نعم‌های و فرهنگ معنوی سودبرد. آینده فرزندان شما تا همین خود از هر آنچه که برای یک زندگی پر مایه و پر مضمون لازم است، برخوردار باشد. حتی شکاکان مجبوراً شنید بگویند: آری بلشویک‌ها به هر چیزی قادرند، آری، حقیقت آنهاست، آری، سوسیالیسم، نظامی است در خدمت خیر و رفاه انسان، در خدمت منافع اجتماعی و اقتصادی او و در خدمت ارتقای معنوی اش.

* * *

متناسب با وظایف مرحله کنونی رشد و تکامل تاریخی - گام برداریم، پی ریزی می نماید.

بحث وسیعی که ۳۴ سخنران از ۷۷ رفیقی که نامنویسی کرده بودند در آن شرکت کردند برای ما امکانی منحصر بفرد فراهم آورد تا از سطوح گوناگون و از جهات مختلف کا ر حزب و دولت، با ردیگر به نوسازی نگاه کنیم، به رسالت آن پی می بریم، با ردیگر خود روند نوسازی را بسنجیم و به اصطلاح، ارزیابی های دست اول پیدا کنیم.

پلنوم ما این واقعیت را که حزب و تمام نیروهای سالم جامعه خواهان نوسازی هستند تأیید کرد. به حق می توان گفت که این تأیید، پیش از هر چیزی برای ما اهمیت دارد چرا که اگر چنین است پس راه دیگری هم نمی تواند وجود داشته باشد. اینجاست که به بحث پیرامون ضرورت یا عدم ضرورت نوسازی بایستد پایان داد. من با رفیق د.ک. ما توری که در این جلسه نوسازی را نه تنها ایده، بلکه یک واقعیت به حساب می آورد کاملاً موافقم.

مردم شوروی برنامه های زندگی خود و مقدرات، توریته و وزن بین المللی کشورشان را با نوسازی پیوند می دهند. حال مگر ما می توانیم در اجرای آن سردیدی روا داریم؟ خیر رفقا!

آری، نوسازی دیکریک واقعیت است. اکنون ما روشن تر و عمیق تر درک می کنیم که هم از نقطه نظر رشد و تکامل کشور و هم از نقطه نظر شرایط خارجی و اوضاع بین المللی موظف هستیم موجبات تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور را فراهم آوریم. اما بدون نو کردن جامعه، تسریعی در کنار نخواهد بود، همان طور که بدون نو کردن جامعه، نوسازی تمامی عرصه های حیات آن نیز امکان پذیر نیست. مسائل نورا با برخورد های کهنه نمی شود حل کرد، آن هم مسائلی با اسعادت تاریخی که امروز قدامت کرده اند.

نوسازی قدم زدن در راه هموار نیست، بالارفتن از کوه است و اغلب هم از کوره راهها میموده نشده. همان طور که با ردیگر پلنوم کمیته مرکزی نشان داد، در جامعه ما مسائل زیادی انباشته شده است. مساعی خلاق و عظیم و مبارزه طولانی و فداکارانه ای لازم است تا امر کسیر نوسازی را همانگونه که خلق ما می طلبند و همانگونه که لحظه کنونی ایجاب می کند، تا به آخر به انجام برسانیم.

ما تنها در اول راه هستیم. این موضوع را باید دقیقاً در پلنوم کمیته

سخنان پایانی

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در پلنوم ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷

رفقا، پلنوم ما کار خود و بحث و گفتگو پیرامون مسأله عمده دستور روز را به پایان می برد. با فضای کار پلنوم و مباحثات انجام شده می توان تصدیق کرد که در تمامی مسایلی که برای بحث و بررسی و تصمیم گیری به پلنوم کمیته مرکزی حزب ارائه شده بود، وحدت نظر وجود دارد. این وحدت صوری نیست، بلکه وحدتی است که بر درک مسئولیت کمیته مرکزی نسبت به اجرای موفقیت آمیز مشی استراتژیک مصوب پلنوم آوریل و کنگره ۲۷ ح.ک.ا. ش. استوار است.

حال که گفتگو را به پایان رساندیم و باید تصمیم بگیریم، طبیعی است این سوال طرح شود: آیا پلنوم ما توقع کمونیستها و مردم شوروی را برآورده میسازد؟ به این سوال چگونه باید پاسخ داد؟ با دقت ترین معیارها، این پلنوم رویداد سیاسی بزرگی در حیات ح.ک.ا. ش. و جامعه شوروی است.

فکرمی کنم با اطمینان می توان گفت که پلنوم ما، حزب کشور و تمام جامعه را در راه نوسازی به پیش می راند. اما شرط حتمی برای اینکه اهمیت پلنوم به گونه ای تمام عیار فعلیت یا بد آن است که دفتر سیاسی کمیته مرکزی، کمیته های مرکزی احزاب کمونیست جمهوری های متحده، کمیته های منطقه ای، ایالتی، کمیته های حزبی شهر، ناحیه و تمام سازمانهای حزبی کشور، همه آنچه را که ما در این پلنوم حل و فصل نمودیم، به اجرا در آورند.

بنابراین می خواهم بگویم که پلنوم توقع مزبور را برآورده خواهد ساخت، هر آینه بعد از پلنوم بدین گونه عمل کنیم. این پلنوم شالوده های لازم را برای آن که در آتیه با استواری در راه تسریع، نوسازی، و تکامل سیاست گذار -

مرکزی معین کنیم چرا که درک این نکته که در کجا قرار داریم، راه گشای درک آن است که چه کار باید کرد و چگونه باید عمل نمود. اگر کسی فکری کند که دیگر خود را نوسازی کرده است، باید به او یادآوری کرد که ما تازه نوسازی را آغاز کرده ایم. و کار عمده در پیش است. این هم یکی از جمع بندیهای مهم پلننوم کمیته مرکزی حزب است.

ما نباید در پیشبرد و گسترش نوسازی به این یا آن افراط در ارزیابی دچار شویم. باید پایمان روی یگانگی به محکم، یعنی بر زمینه وانعیت استوار باشد. پربها دادن به دستاوردها یمان عواقب مهلکی در بردارد، اما از طرف دیگر با همین شدت می خواهیم تا کیدکنم که ما نمی توانیم حتی به کمترین پیشرفت در نوسازی و حتی به کوچکترین ذره تجربه بی توجه باشیم. این هم به همان اندازه مهلک است و در وهله اول لا اقل به همین جهت غیر مجاز

ما تازه داریم دست به کاری شویم، یعنی مشی سیاسی خود را با برخورداری مشخص تجهیز می کنیم و راههای دستیابی به اهدافی را که در برابر خود قرار داده ایم معین می نماییم. ما تازه داریم مکانیسم و وسایل نوسازی را سه کاری گیریم و در جهت آن که این مکانیسم و وسایل عملگر دپیدا کنند و بارده داشته باشند، اولین گامها را بر می داریم، اما بررسی نتایج سال ۱۹۸۶ نشان می دهد که پیشرفتی صورت گرفته است.

این پیشرفت ناشی از چیست؟ این نتیجه مستقیم پشتیبانی خلق ما از مشی نوسازی و تسریع است.

حال مگر ما می توانیم این را نبینیم و بر آن باشیم که هیچ چیز صورت نگرفته و هیچ چیز صورت نمی گیرد. انقلابی آن کسی نیست که عبادات انقلابی زیادی گوید، بلکه کسی است که با عطف توجه به هر گام پیشرفت و استفاده از آن در جهت دستیابی به نقطه اتکائی دیگر برای کام جدید و گسترده تر، قادر باشد دور نما را بنا کند و خلق و حزب را برای مبارزه طولانی و بی کیـــــر بسیج نماید. امروز ما در پلننوم کمیته مرکزی، با بدسیاسهای فراوان حزبی خود را به خلقمان ابراز داریم، سیاس به خاطر آنکه با جان و دل احساس کرد و به فراست خلقی خویش دریافت که به مبارزه ای فرا خوانده می شود، دشوار که در عین حال متوجه چنان تحولات و اهدافی است که برای تمام جامعه، برای هر خانواده و برای هر انسان، ثمرات زیبایی در بر خواهد داشت. مردم شوروی

به ما اعتماد کردند و از حزب پشتیبانی نمودند. از اینجا است که تحولات مثبت حاصله در سال ۱۹۸۶ آنقدر برای ما مهم است. این تحولات از این روحا نوسازی اهمیت هستند که پشتیبانی نیرومند خلق ما از سیاست حزب و مشی آنرا در مورد تسریع بازتاب می دهند.

می خواهیم به برخی نکات دیگری هم که در پلننوم طرح شده اند اشاره کنیم. فکری کنم موضوع دموکراتیزه کردن جدی و عمیق جامعه شوروی کا ملاحظه حـــــق به عنوان مهمترین موضوع، در صدر گزارش دفتر سیاسی قرار داده شده است.

رفقا، این همان اهرمی است که اجازه خواهد داد دنیروی قطعی نوسازی، یعنی خلق را به این روند جلب نماییم. اگر این کار را نکنیم مساله تسریع را حاصل نخواهیم کرد، موجبات نوسازی را فراهم نخواهیم آورد و اصل نوسازی در کار نخواهد بود.

از سوی دیگر ما با رشد و تکامل و به حرکت درآوردن دموکراسی سوسیالیستی و آشکار کردن ظرفیت آن، مطمئن ترین ضامن ها را نیز برای آنکه اشتباهات گذشته تکرار نشوند، ایجاد می کنیم. اما مساله تنها در این نیست.

دموکراسی مثل هوای تنفسی برای ما لازم است. اگر ما این را درک نکنیم و یا حتی اگر درک کنیم ولی گام هایی واقعی و جدی در جهت گسترش و پیشرفت آن و در جهت جذب گسترده زحمات کشان کشور به روند نوسازی بر نداریم، آنگاه سیاست ما نقش بر آب خواهد شد و نوسازی، رفقا، از نفس خواهد افتاد.

ایده اصلی ما در این امر نهفته است. من همانند همه اعضای دفتر سیاسی ما در هر تنفس پیرامون جریان کار پلننوم تبادل نظر می کردیم - بسیار خوشنود هستیم که مبارزه در راه تسریع، یعنی مهمترین راستای فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی از پشتیبانی کامل پلننوم کمیته مرکزی برخوردار شده است.

حزب کمونیست قاطعانه خواهان آن است که خلق به همه چیز و قوف یا بسد، علنیت، انتقاد و انتقاد از خود و کنترل توده ها ضامن رشد و تکامل سالم جامعه شوروی است. اگر اینها برای خلق لازم است، پس برای همه ضروری است. این امر بویژه از آنجا ضروری است که ح.ک.ا.ش. حزب حاکم است. حزب مادر علنیت و انتقاد و انتقاد از خود دینفع است چرا که اینها اشکال واقعی و مطمئن عملگر دعای ح.ک.ا.ش. هستند. علنیت، انتقاد و انتقاد از خود همان وسایلی هستند که قادرند حزب را از اشتباه در سیاست مصون نگاه دارند. بهای ایـــــن

اشتباهات، بر همه ما معلوم است.

امروز در پلنوم ما همه به نتیجه واحدی می‌رسیم: ما به علنیت و به انتقاد و انتقاد از خود به مثابه اشکال موثر دموکراسی سوسیالیستی نیازمندیم، تمامی کارهای دولت ما - دولت کارگران و دهقانان - بدون استثنای در اختیار خلق است چرا که این دولت متعلق به اوست. خلق باید بر همه چیز واقف باشد و در مورد همه چیز آگاهانه قضاوت کند. این سخنان همانطور که می‌دانید از او، لنین است. خلق به تمام حقیقت نیاز دارد. در این رابطه می‌خواهم موضع لنین را که در نامه به تحریریه "ایسکرا" آمده است یادآوری کنم. لنین می‌نویسد: "به راستی وقت آن است که سنن محفل بازی سکتاریستی به دور افکنده شود - در حزبی که به توده‌ها متکی است - این شعار قاطع طرح گردد: نور بیشتر، بگذار حزب همه چیز را بداند". امروز بیش از هر زمان برای ما، نور بیشتر لازم است تا حزب و خلق بر همه چیز واقف یا بند، تا گوشه تاریکی نداشته باشیم که با ردیگر کپیک بگیرد و همه آنچه که ما امروز به مبارزه قاطع با آن پرداخته‌ایم - هونوز تا به سرانجام رساندن این مبارزه راه‌درازی در پیش داریم - بتواند مجدداً رشد کند. ضرورت نور بیشتر از همین جاست!

آیا ممکن است که ما با چنین حزب نیرومند و با چنین خلق میهن دوستی که به ایده‌های سوسیالیسم و به میهن خود وفا دار است، نتوانیم از عهده کسی بر آئیم که بخواد از علنیت وسیع و فرا بید دموکراتیک، در جهت اهداف مغرضانه و ضد اجتماعی و در جهت سیاه کاری استفاده کند؟

می‌خواهم با تحلیل سفرهای خود، آنچه را که شاه‌هدیده‌ام در میان بگذارم. قبل‌ها، از قضا این عوام فریبان بودند که با ایراز "شجاعت" خود را جلوس می‌انداختند و بر خورد فریبکارانه‌شان در چنین سولاتی منعکس می‌شد: روسا چه فکری کنند، به خصوص در مسکو؟ اما امروز وضعیت به گونه دیگری است. این استنتاج من از دهها ملاقات است. اکنون برای گفتگوی صریح، آن هم در غیر مترقبه‌ترین محل‌ها و اجتماعات و در دیدارهای به اصطلاح بدون آمادگی قلبی، آدمهای پخته و جدی پیش می‌گذارند. آنها مسائل را به گونه‌ای جدی طرح می‌کنند، پیرامون آنچه که برایشان روشن نیست سوال می‌کنند و معلوم می‌کنند که این یا آن مساله چگونه حل خواهد شد.

همین وضعیت علنیت و دموکراسی است که به طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران

و به همه نیروهای سالم جامعه امکان داده است تا سر خود را با لایگیرند، بگذارند. عوام فریب پیدا شود، آنها خودشان او را سر جایش خواهند نشانند. من با چشمهای خودم دهها بار این صحنه را شاهد بوده‌ام.

آری، ما به علنیت و انتقاد و انتقاد از خود نیازمندیم. اینها مهمترین خصایل شیوه سوسیالیستی زندگی هستند. اگر کسی فکری کند که ما به این خصایل تنها برای انتقاد از نارسائی‌های گذشته نیاز داریم، عمیقاً در اشتباه است. عمده‌ترین مساله آن است که علنیت و انتقاد و انتقاد از خود برای پیشروی ما و برای انجام وظایف بزرگ ضروری است. بدون مشارکت فعال خلق، ما از عهده انجام این وظایف بر نخواهیم آمد. ضرورت این همه نیز از همین جاست. اگر کسی بنظرش می‌رسد که کار کردن در این شرایط دشوار است، بیادآوری خواهیم کرد که من در حدودش ما قبل چنین توصیه کردم: شروع کنید به آموختن کار در شرایط دموکراسی روبه‌گسترش. بیایید همه‌بیا موزیم!

مطبوعات باید پیش‌تیبیان علنیت در کشور باشند و خلق ما را در جریان امور قرار دهد. ما باید این امر را مسئولانه انجام دهند. ما چنین تمایلی داریم. نباید اسیر اخبار جنجالی شد و دنبال "وقایع داغ" گشت. ما به مطبوعات، همچون عالمی فعال در امر نوسازی، نیازمندیم!

ما باید جدیت در کار افزایش بخشیم. در تذکرات و سخنان بسیاری از رفقا در این پلنوم به این نکته اشاره شده که حرف زیاد زده شده است.

این امر به همه و از جمله به مطبوعات هم بر می‌گردد. در حال حاضر بسیار ضروری است که هر آنچه که مثبت و سازنده است ببینیم، خود را به آن مجهز کنیم، به ثروت تمام حزب و کل خلق تبدیل نمائیم و از جوانه‌های برخورد های جدید در شرایط نوسازی استفاده کنیم. در اینجا هم علنیت وسیع و ترویج هر آنچه که پیشرو است ضروری است.

در پی پلنوم زانویه کمیته مرکزی، ما وارد نمی‌خواهم مرامتیم کنند به اینکه باز هم داریم مرحله‌تراشی می‌کنیم - اما به هر حال امروز وارد مرحله‌نویسی از حرکت و کار نوسازی می‌شویم. این مسئله را توضیح می‌دهم. تحلیل موقعیت انجام شده است، مشی سیاسی تدوین گردیده و تصمیمات اساسی در جهت تحقق این مشی اتخاذ شده است. حال وقت عمل است و باز هم عمل.

مردم در مورد سیاست ما و در مورد نوسازی از روی نتایج محسوس آن در بهبود

عملی شرایط کار روزندگی میلیون ها انسان قضاوت خواهند کرد: تا چه اندازه سازمان تولید دقیق تر و پرداخت کار عادلانه تر شده است، تا چه میزان ساختمان مسکن تسریع گردیده، بازرگانی، خدمات معیشتی، کارترانسپورت شهری، پلی کلینیکها و بیمارستانها تا چه اندازه بهبود یافته و فضای اخلاقی در سازمانهای حزبی و کلکتیوهای کار تا چه میزان پاک تر و تازه تر شده است. هر چه جلوتر برویم، این داوری سختگیرانه تر خواهد بود.

در یک کلام، ما کمونیست ها باید در هزارها و هزارها واقعت روز منسره صحت سیاست خود و حیاتی بودن نوسازی را به اثبات برسانیم. این امر توقعات سنگینی را متوجه کادرها می کند و آنان را به سوی نتایج عملی سوق می دهد. از این جهت است که همان گونه که در گزارش گفته شده است امروز باید بر کوششها افزود، شتاب گرفت و به کار همه سرعت بخشید.

به ویژه می خواهم بر اهمیت وظایفی که در سال تاریخی ۱۹۸۷ انجام می دهیم تاکید کنم. این وظایف به لحاظ ابعاد و به لحاظ آماج هائی که باید پدید آورند دسترسی پیدا کنیم، عظیم هستند. این وظایف از نقطه نظر فراگیری شیوه های جدید موراقتصاد و گذار کل اقتصاد و بسیاری از شاخه های آن به اصول جدید مدیریت اقتصادی از اهمیت ویژه برخوردارند.

رفقا! نوسازی مکتب بزرگی است. این مکتب مسائل بفرنجی طرح می کند. ما باید این مکتب را به خوبی بگذرانیم. می خواهم بار دیگر تکرار کنم: باید عمل کرد، عمل کرد و باز هم عمل کرد. فعالانه، باشجاعت، خلاقانه و با کاردانی! این امر وظیفه عمده لحظه است. همه باید این را وظیفه خود بدانند. هر سازمان حزبی، هر کمیته حزبی، هر رهبر و هر کمونیست.

بنام کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. می خواهم همه رفقای حزبی و همه مردم شوروی را مخاطب قرار دهم: ارنوسازی، ارنوکردن انقلابی جامعه و سرنوشت کشور در دست خلق است. این سرنوشت همان گونه خواهد بود که ما آن را بیا فریبیم، با کارمشرکمان، با خردمان و با وجدانمان.

نوسازی، ختمقدم مبارزه برای هرانسان صديق و هرمیهن دوست است. کار برای همه هست و راهی که در پیش داریم طولانی است.

ما در عزم خود برای اجرای مصوبات کنگره ۲۷ حزب استواریم. ما در راه دستیابی به وضعیت کیفیتا نوین جامعه شوروی خواهیم کوشید. ما اطمینان

داریم که ارنوسازی با رکشت ناپذیر است.

اعضای کمیته مرکزی تمایل خود را به برگزاری کنفرانس سراسری حزب برابر داشته اند. این کنفرانس برای حزب، مهمترین رویداد سیاسی است. فکرمی کنم آن کسانی هم که در گفتگوها شرکت نداشتند با این پیشنهاد که از جانب دفترسیا سی به پلنوم ارائه شده است، موافقت.

رفقا، ما کنفرانس های زیادی را در تاریخ به یاد داریم که در مراحل عطف به یافتن راه ها و وسایل جدید دستیابی به اهداف مقرر باری رسانده اند و مسائل را حل کرده اند که از چارچوب مسائل تاکتیکی بسیار فراتر بوده اند. ما مفید می دانیم - و این را به بررسی شما وامی گذارم - که دفترسیا سی پیشنهادات مربوط به موعد و ترتیب برگزاری کنفرانس را برای یکی از نزدیک ترین پلنوم های کمیته مرکزی تهیه نماید. ما فکرمی کنیم که کنفرانس حزبی، جلسات گزارشی انتخاباتی را پربار کرده و به کار حزب و تمامی سازمان های آن تکان جدیدی خواهد داد.

این ملاحظاتی بود که می خواستم به طور خلاصه در پایان مباحثات انجام شده در پلنوم کمیته مرکزی حزب بیان کنم.

می خواهم از همه شما به خاطر شرکت فعال در کار پلنوم تشکر نمایم و برای همه شرکت کنندگان، موفقیت های بزرگ در امورمشرکمان آرزو کنم.

* * *